

کتاب اشعیا بنی

رویای اشعیا بن آموص که آن را درباره یهودا و اورشلیم، در روزهای عزیا و یوتام و آحاز و حزقیال پادشاهان یهودا دید.

قوم سرکش

ای آسمان بشنو و ای زمین گوش بگیر زیرا خداوند سخن میگوید. پسران پروردم و برافراشتم اما ایشان بر من عصیان ورزیدند.

۳ گاومالک خویش را و الاغ آخور صاحب خود را می شناسد، اما اسرائیل نمی شناسد و قوم من فهم ندارند.

۴ وای بر امت خطا کار و قومی که زیر بار گناه میباشند و بر ذریت شیرین و پسران مفسد. خداوند را ترک کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند و بسوی عقب منحرف شدند.

۵ چرا دیگر ضرب بیاید و زیاده فتنه نمایید؟ تمامی سر بیمار است و تمامی دل مریض.

۶ از کف پاتا به سر در آن تندرستی نیست بلکه جراحت و کوفتگی و زخم متعفن، که نه بخیه شده و نه بسته گشته و نه باروغن التیام شده است.

۷ ولایت شما ویران و شهرهای شما به آتش سوخته شده است. غریبان، زمین شمارا در نظر شما میخورند و آن مثل واژگونی بیگانگان خراب گردیده است.

۸ و دختر صهیون مثل سایه بان در تا کستان و مانند کپر در بوستان خیار و مثل شهر محاصره شده، متروک است.

۹ اگر بیهوده صباوت بقیه اندکی برای ما وانمی گذاشت، مثل سدوم میشدیم و مانند عموره میگشتیم.

ای حاکمان سدوم خداوند را بشنوید و ای قوم عموره شریعت خدای ما را گوش بگیرید.

۱۱ خداوند میگوید از کثرت قربانی های شما مرچه فایده است؟ از قربانی های سوختنی قوچها و پیه پروار یا سیر شده هام و به خون گاو و برهها و بزهار غبت ندارم.

۱۲ وقتی که میآید تا به حضور من حاضر شوید، کیست که این را از دست شما طلبیده است که در بار مرا پایمال کنید؟

هدایای باطل دیگر میاورید. بخور نزد من مکروه است و غره ماه و سبت و دعوت جماعت نیز. نگاه را با محفل مقدس نمی توانم تحمل نمایم.

۱۴ غره ها و عید های شمار ارجان من نفرت دارد؛ آنها برای من بار سنگین است که از تحمل نمودنش خسته شده ام.

۱۵ هنگامی که دستهای خود را دراز می کنید، چشمان خود را از شما خواهم پوشانید و چون دعای بسیاری کنید، اجابت نخواهم نمود زیرا که دستهای شما از خون است.

۱۶ خویشتن را شسته، ظاهر نماید ویدی اعمال خویش را از نظر من دور کرده، از شرارت دست بردارید.

۱۷ نیکو کاری را پیاموزید و انصاف را بطلبید. مظلومان را رهایی دهید. یتیمان را دادرسی کنید و بیوه زنان را حمایت نمایید.

۱۸ خداوند میگوید بیایید تا با هم دیگر محاجه نمایم. اگر گناهان شما مثل ارغوان باشد مانند برف سفید خواهد شد و اگر مثل قرمز سرخ باشد، مانند پشم خواهد شد.

۱۹ اگر خواهش داشته، اطاعت نمایید، نیکویی زمین را خواهید خورد.

۲۰ اما اگر ابا نموده، تلمذ کنید شمشیر شمارا خواهد خورد زیرا که دهان خداوند چنین میگوید.

شهر امین چگونه زانیه شده است. آنکه از انصاف مملو میبود و عدالت در وی سکونت میداشت، اما حال قاتلان.

۲۲ نقره توبه درد مبدل شده، و شراب تو از آب مزوج گشته است.

۲۳ سروران تو متهم شده و رفیق دزدان گردیده، هر یک از ایشان رشوه را دوست میدارند و در پی هدایا میروند. یتیمان را دادرسی نمی نمایند و دعوی بیوه زنان نزد ایشان نمی رسد.

۲۴ بنابراین، خداوند بیوه صبا یوت، قدیر اسرائیل میگوید هان من از خصمان خود استراحت خواهم یافت و از دشمنان خویش انتقام خواهم کشید.

۲۵ و دست خود را بر تور گردانیده، درد تو را بالکل پاک خواهد کرد، و تمامی ریمت را دور خواهم ساخت.

۲۶ و داوران تو را مثل اول و مشیران تو را مثل ابتدا خواهم برگردانید و بعد از آن، به شهر عدالت

وقریه امین مسمی خواهی شد.

صهیون به انصاف فدیة داده خواهد شد و انابت کنندگانش به عدالت.

۲۸ و هلاکت عاصیان و نگاهکاران باهم خواهد شد و آنانی که خداوند را ترک نمایند،

نابود خواهند گردید.

۲۹ زیرا ایشان از درختان بلوطی که شما خواسته بودید نخل خواهند شد و از باغاتی که

شمار گرفته بودید رسوا خواهند گردید.

۳۰ زیرا شما مثل بلوطی که برگش پژمرده و مانند باغی که آب نداشته باشد خواهید شد.

۳۱ و مرد زور آور پرزه گمان و عملش شعله خواهد شد و هر دوی آنها باهم سوخته خواهند

گردید و خاموش کنندهای نخواهد بود.

کوه خداوند

کلامی که اشعیا بن آموص درباره یهودا و اورشلیم دید.

و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق

تلها برافراشته خواهد گردید و جمیع امتها بسوی آن روان خواهند شد.

۳ وقومهای بسیار عزیمت کرده، خواهند گفت: «یا پیدتابه کوه خداوند و به خانه

خدای یعقوب برآیم تا طریقهای خویش را به ماتعلیم دهد و به راههای وی سلوک نماییم.»

زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد.

۴ و اوامتهارا دآوری خواهد نمود و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای

خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای اره ها خواهند شکست و امتی بر امتی

شمشیر نخواهد کشید و یار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.

۵ ای خاندان یعقوب پیاپید تا در نور خداوند سلوک نماییم.

روز خداوند

زیرا قوم خود یعنی خاندان یعقوب را ترک کرده ای، چونکه از رسوم مشرقی مملو و مانند فلسطینیان

فالگیر شده هاند و با پسران غربادست زده اند،

و زمین ایشان از زقره و طلا پر شده و خزاین ایشان را انتهای نیست، و زمین ایشان از اسبان

پراست و اربابه های ایشان را انتهای نیست؛
 و زمین ایشان از تپها پراست؛ صنعت دستهای خویش را که به انگشتهای خود ساختند
 بجده مینمایند.

۹ و مردم خم شده و مردان پست میشوند. لهذا ایشان را نخواهی آمرزید.
 از ترس خداوند و از کبریای جلال وی به صخره داخل شده، خویشان را در خاک پنهان
 کن.

۱۱ چشمان بلند انسان پست و تکبر مردان خم خواهد شد و در آن روز خداوند به تنهایی
 متعال خواهد بود.

۱۲ زیرا که برای یهوه صبا یوت روزی است که بر هر چیز بلند و عالی خواهد آمد و بر هر چیز
 مرتفع، و آنها پست خواهد شد؛

و بر همه سروهای آزاد بلند و رفیع لبنان و بر تمامی بلوطهای باشان؛

و بر همه کوههای عالی و بر جمیع تلّهای بلند؛

و بر هر برج مرتفع و بر هر حصار منیع؛

و بر همه کشتهای ترشیش و بر همه مصنوعات مرغوب؛

و کبریای انسان خم شود و تکبر مردان پست خواهد شد. و در آن روز خداوند به
 تنهایی متعال خواهد بود،

و بتها بالکل تلف خواهند شد.

و ایشان به مغاره های صخره ها و حفره های خاک داخل خواهند شد، به سبب ترس

خداوند و کبریای جلال وی هنگامی که او بر خیزد تا زمین را متزلزل سازد.

۲۰ در آن روز مردمان، بتهای نقره و بتهای طلای خود را که برای عبادت خویش
 ساختند، نزد موش کوران و خفاشها خواهند انداخت،

تابه مغاره های صخره ها و شکافهای سنگ خار داخل شوند، به سبب ترس خداوند

و کبریای جلال وی هنگامی که او بر خیزد تا زمین را متزلزل سازد.

۲۲ شما از انسانی که نفس او در بینش می باشد دست برکشید زیرا که او به چه چیز محسوب
 میشود؟

داوری بر اورشلیم و یهو دا

زیرا اینک خداوند یهوه صبا یوت پایه ورکن را از اورشلیم و یهودا، یعنی تمامی پایه نان و تمامی پایه آب را دور خواهد کرد،

و شیخاعان و مردان جنگی و داوران و انبیا و فالگیران و مشایخ را،

و سرداران پنجاهه و شریفان و مشیران و صنعت گران ماهر و ساحران حاذق را.

۴ و اطفال را برایشان حاکم خواهد ساخت و کودکان برایشان حکمرانی خواهند نمود.

۵ و قوم مظلوم خواهند شد، هر کس از دست دیگری و هر شخص از همسایه خویش و اطفال بر پیران و پستان بر شریفان تمرد خواهند نمود.

۶ چون شخصی به برادر خویش در خانه پدرش متمسک شده، بگوید: «و رارخوت هست پس حاکم ما شو و این خرابی در زبردست تو باشد»

در آن روز او آواز خود را بلند کرده، خواهد گفت: «ن علاج کننده نتوانم شد زیرا در خانه من نه نان و نه لباس است پس مرا حاکم قوم مسازیده.»

زیرا اورشلیم خراب شده و یهودا منهدم گشته است، از آن جهت که لسان و افعال ایشان به ضد خداوند میباشند تا چشمان جلال او را به ننگا و روند.

۹ سیمای رویهای ایشان به ضد ایشان شاهد است و مثل سدوم و گاهان خود را فاش کرده، آنها را مخفی نمی دارند. و ای بر جانهای ایشان زیرا که به جهت خویشتن شرارت را بعمل آورده اند.

۱۰ عادلان را بگویند که ایشان را سعادت مندی خواهد بود زیرا از ثمره اعمال خویش خواهند خورد.

۱۱ و ای بر شیرین که ایشان را بدی خواهد بود چونکه مکافات دست ایشان به ایشان کرده خواهد شد.

۱۲ و اما قوم من، کودکان برایشان ظلم میکنند و زنان برایشان حکمرانی مینمایند. ای قوم من، راهنمایان شما گمراه کنندگانند و طریق راههای شما را خراب میکنند.

۱۳ خداوند برای محاجه برخاسته و به جهت داوری قومها ایستاده است.

۱۴ خداوند با مشایخ قوم خود و سروران ایشان به محاکمه در خواهد آمد، زیرا شما هستید که تا کستانها را خورد و هاید و غارت فقیران در خانه های شما است.

۱۵ خداوند یهوه صبا یوت میگوید: «مارا چه شده است که قوم مرا میکوبید و رویهای فقیران را خرد مینمایید؟»

و خداوند میگوید: «ز این جهت که دختران صهیون متکبرند و با گردن افراشته و غمزات چشم راه میروند و به ناز میخرامند و به پایهای خویش خلخالها را به صدا میآورند.»

بنابر این خداوند فرق سردختران صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود.

۱۸ و در آن روز خداوند زینت خلخالها و پیشانی بندها و هلالها را دور خواهد کرد.

۱۹ و گوشوارها و دستبندها و رو بندها را،

و دستارها و زنجیرها و کمر بندها و عطر دانها و تعویذها را،

و انگشترها و حلقه های بینی را،

و رخوت نفیسه و ردها و شالها و کیسپها را،

و آینهها و گان نازک و عمامها و برقعها را.

۲۴ و واقع میشود که به عوض عطریات، عفونت خواهد شد و به عوض کمر بند، ریسمان و به عوض مویهای بافته، کلی و به عوض سینه بند، زنار پلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد بود.

۲۵ مردانت به شمشیر و شجاعانت در جنگ خواهند افتاد.

۲۶ و دروازه های وی ناله و ماتم خواهند کرد، و او خراب شده، بر زمین خواهد نشست.

و در آن روز هفت زن به یک مرد متمسک شده، خواهند گفت: «ان خود را خواهیم

خورد و رخت خود را خواهیم پوشید، فقط نام تو بر ما خوانده شود و عار ما را بردار.»

در آن روز شاخه خداوند زیبا و جلیل و میوه زمین به جهت ناجیان اسرائیل نخر و زینت خواهد بود.

۳ و واقع میشود که هر که در صهیون باقی ماند و هر که در اورشلیم ترک شود مقدس خوانده

خواهد شد یعنی هر که در اورشلیم در دفتر حیات مکتوب باشد.

۴ هنگامی که خداوند چرک دختران صهیون را بشوید و خون اورشلیم را به روح انصاف

و روح سوختگی از میانش رفع نماید،

خداوند بر جمیع مساکن کوه صهیون و بر محفلهایش ابرودود در روز و در خشننگی آتش
 مشتعل در شب خواهد آفرید، زیرا که بر تمامی جلال آن پوششی خواهد بود.
 ۶ و در وقت روز سایه بانی به جهت سایه از گرما و به جهت ملجاء و پناهگاه از طوفان
 و باران خواهد بود.

سرود تا کستان

سرود محبوب خود را در باره تا کستانش برای محبوب خود بسرایم.

محبوب من تا کستانی در تلی بسیار بارور

و آن را کنده از سنگها پاک کرده و مو بهترین در آن غرس نمود و برجی در میانش بنا کرد
 و چرخستی نیز در آن کند. پس منتظر میبود تا انگور بیاورد اما انگور بد آورد.
 ۳ پس الانای ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، در میان من و تا کستان من حکم کنید.
 ۴ برای تا کستان من دیگر چه توان کرد که در آن نکردم؟ پس چون منتظر بودم که انگور
 بیاورد چرا انگور بد آورد؟

لذا الان شمارا اعلام مینمایم که من به تا کستان خود چه خواهم کرد. حصارش
 را برمی دارم و چرا گاه خواهد شد؛ و دیوارش را منهدم میسازم و پایمال خواهد گردید.
 ۶ و آن را خراب میکنم که نه پازش و نه کنده خواهد شد و خار و خس در آن خواهد
 روید، و ابرهارا امر میفرمایم که بر آن باران نباراند.

۷ زیرا که تا کستان یهوه صبیوت خاندان اسرائیل است و مردان یهودا نهال شادمانی
 او میباشند. و برای انصاف انتظار کشید و اینک تعدی و برای عدالت و اینک
 فریاد شد.

داوری

وای بر آتانی که خانه رابه خانه ملحق و مزرعه رابه مزرعه ملصق سازند تا مکانی باقی نماند.
 و شما در میان زمین به تنهایی ساکن میشوید.

۹ یهوه صبیوت در گوش من گفت: «درستی که خانه های بسیار خراب خواهد
 شد، و خانه های بزرگ و خوش نما غیر مسکون خواهد گردید.

۱۰ زیرا که ده جفت گاو زمین یک بت خواهد آورد و یک حور تخم یک ایفه خواهد داد.»

وای برآنانی که صبح زود برمی خیزند تا در پی مسکرات بروند، و شب دیر می‌نشینند تا شراب ایشان را گرم نماید

و در بزهای ایشان عود و بربط و دنف و نای و شراب می‌باشد. اما به فعل خداوند نظر نمی‌کنند و به عمل دست‌های وی نمی‌نگرند.

۱۳ بنا بر این قوم من به سبب عدم معرفت اسپر شده‌اند و شریفان ایشان گرسنه و عوام ایشان از تشنگی خشک گردیده.

۱۴ از این سبب هاویه حرص خود را زیاد کرده و دهان خویش را ایجاد نموده است و جلال و جمهور و شوکت ایشان و هر که در ایشان شادمان باشد در آن فرو میرود.

۱۵ و مردم خم خواهند شد و مردان ذلیل خواهند گردید و چشمان متکبران پست خواهد شد.

۱۶ و یهوه صبا یوت به انصاف متعال خواهد بود و خدای قدوس به عدالت تقدیس کرده خواهد شد.

۱۷ آنگاه بره‌های (ربا) در مرتع‌های ایشان خواهند چرید و غریبان ویرانه‌های پرواری‌های ایشان را خواهند خورد.

وای برآنانی که عصیان را به ریسمان‌های بطالت و نگاه را گویا به طناب ارا به میکشند.

۱۹ و می‌گویند باشد که او تعجیل نموده، کار خود را بشتابانند تا آن را ببینیم. و مقصود قدوس اسرائیل نزدیک شده، بیاید تا آن را بدانیم.

۲۰ وای برآنانی که بدی را نیکویی و نیکویی را بدی مینامند، که ظلمت را به جای نور و نور را به جای ظلمت می‌گذارند، و تلخی را به جای شیرینی و شیرینی را به جای تلخی مینهند.

۲۱ وای برآنانی که در نظر خود حکیمند، و پیش روی خود فهم مینمایند.

۲۲ وای برآنانی که برای نوشیدن شراب زور آورند، و به جهت مزوج ساختن مسکرات مردان قوی می‌باشند.

۲۳ که شریان را برای رشوه عادل می‌شمارند، و عدالت عادلان را از ایشان برمی‌دارند.

۲۴ بنا بر این به نهجی که شراره آتش گاه را می‌خورد و علف خشک در شعله می‌افتد، همچنان ریشه ایشان عفونت خواهد شد و شکوفه ایشان مثل غبار پراشاده خواهد گردید. چونکه شریعت یهوه صبا یوت را ترک کرده، کلام قدوس اسرائیل را خوار شمرده‌اند.

۲۵ بنا بر این خشم خداوند بر قوم خود مشتعل شده و دست خود را بر ایشان دراز کرده، ایشان را مبتلا ساخته است. و کوهها بلرزیدند و لاشهای ایشان در میان کوچها مثل فضلات گردیده‌اند. با وجود این همه، غضب او برنگردید و دست وی تا کنون دراز است.

۲۶ و علمی به جهت امت‌های بعید بر پا خواهد کرد. و از اقصای زمین برای ایشان صفیر خواهد زد. و ایشان تعجیل نموده، بزودی خواهند آمد،

و در میان ایشان احدی خسته و لغزش خورنده نخواهد بود و احدی نه پینگی خواهد زد و نه خواهد خوابید. و کمر بند کمر احدی از ایشان باز نشده، و دوال نعلین احدی گسیخته نخواهد شد.

۲۸ که تیرهای ایشان، تیز و تمامی کمانهای ایشان، زده شده است. سمهای اسبان ایشان مثل سنگ خارا و چرخهای ایشان مثل گردباد شمرده خواهند شد.

۲۹ غرش ایشان مثل شیر ماده و مانند شیران ژیان غرش خواهند کرد و ایشان نعره خواهند زد و صید را گرفته، بسلامتی خواهند برد و رهانندهای نخواهد بود.

۳۰ و در آن روز بر ایشان مثل شورش دریا شورش خواهند کرد. و اگر کسی به زمین بنگرد، اینک تاریکی و تنگی است و نور در افلاک آن به ظلمت مبدل شده است.

ماموریت اشعیا

در سالی که عزیر پادشاه مرد، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود، و هیکل از دامنه‌های وی پر بود.

۲ و سرافین بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت، و یاد و از آنها روی خود را میپوشانید و یاد و پایهای خود را میپوشانید و یاد و پروازی نمود.

۳ و یکی دیگری را صدا زده، میگفت: «دوس قدوس قدوس یهوه صباوت، تمامی زمین از جلال او مملو است.»

و اساس آستانه از آواز او که صد امیزد می‌لرزید و خانه از دود پر شد.

۵ پس گفتم: «ای بر من که هلاک شده‌ام زیرا که مردنایاک لب هستم و در میان قوم نایاک لب ساکنم و چشمانم یهوه صباوت پادشاه را دیده است.»

آنگاه یکی از سرافین نزد من پرید و در دست خود اخگری که با نبر از روی مذبح گرفته

بود، داشت.

۷ و آن را برده‌انم گذارده، گفت که «ینک این لہبایت رامس کرده است و عصیانت رفع شده و گناہت کفارہ گشته است.»
 آنگاہ آواز خداوند را شنیدم کہ میگفت: «ہ را بفرستم و کیست کہ برای ما برود؟» گفتم:
 «بیک مرا بفرست.»

گفت: «رو بہ این قوم بگوالبتہ خواهید شنید، اما نخواہید فهمید و ہر آینہ خواهید نگریست اما درک نخواہید کرد.

۱۰ دل این قوم را فر بہ ساز و گوشہای ایشان را سنگین نما و چشمان ایشان را ببند، مبادا با چشمان خود ببینند و با گوشہای خود بشنوند و با دل خود بفہمند و باز گشت نمودہ، شفایابند.»

پس من گفتم: «ی خداوند تا بہ کی؟» او گفت: «اوقتی کہ شہرہا ویران گشتہ، غیر مسکون باشد و خانہ ہا بدون آدمی و زمین خراب و ویران شود.

۱۲ و خداوند مردمان را دور کند و در میان زمین خرابیہای بسیار شود.

۱۳ اما باز عسری در آن خواہد بود و آن نیز یار دیگر تلف خواہد گردید مثل درخت بلوط و چنار کہ چون قطع میشود کندہ آنہا باقی میماند، همچنان ذریت مقدس کندہ آن خواہد بود.»

نشانیہای عمانوئیل

و در ایام آحاز بن یوتام بن عزریا پادشاہ یہودا، واقع شد کہ رصین، پادشاہ آرام و فتح بن رملیا پادشاہ اسرائیل بر اورشلیم برآمدند تا با آن جنگ نمایند، اما نتوانستند آن را فتح نمایند.

۲ و بہ خاندان داود خبر دادہ، گفتند کہ آرام در افراہم اردوز دہاند و دل او و دل مردمانش بلرزید بہ طوری کہ درختان جنگل از باد میلرزند.

۳ آنگاہ خداوند بہ اشعیا گفت: «و یا پسر خود شار یا شوب بہ انتہای قنات بر کہ فوقانی بہ راہ مزرعہ گازر بہ استقبال آحاز بیرون شو.

۴ و وی را بگو: با حذر و آرام باش مترس و دلت ضعیف نشود از این دودم مشعل دود افشان، یعنی از شدت خشم رصین و آرام و پسر رملیا.

۵ زیرا که آرام با فرایم و پسر رملیا برای ضررتو مشورت کرده، میگویند:
بریهود بر آیم و آن را محاصره کرده، به جهت خویشتن تسخیر نمایم و پسر طبئیل را در آن
به پادشاهی نصب کنیم.»

خداوند یهوه چنین میگوید که «بن بجأ آورده نمی شود و واقع نخواهد گردید.
۸ زیرا که سر آرام، دمشق و سر دمشق، رصین است و بعد از شصت و پنج سال فرایم
شکسته میشود به طوری که دیگر قومی نخواهد بود.

۹ و سر فرایم سامره و سر سامره پسر رملیا است و اگر باور نکنید هر آینه ثابت نخواهید
ماند.»

و خداوند بار دیگر آحاز را خطاب کرده، گفت:
«یتی به جهت خود از یهوه خدایت بطلب. آن را یا از عمقها بطلب یا از اعلیٰ علین
بالا.»

آحاز گفت: «می طلبم و خداوند را امتحان نخواهم نمود.»

گفت: «ی خاندان داود بشنوید! آیا شما را چیزی سهل است که مردمان را بیزار کنید
بلکه می خواهید خدای مرا نیز بیزار کنید.

۱۴ بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک با کره حامله شده، پسری خواهد
زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند.

۱۵ کره و عسل خواهد خورد تا آنکه ترک کردن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند.

۱۶ زیرا قبل از آنکه پسر، ترک نمودن بدی و اختیار کردن خوبی را بداند، زمینی که
شما از هر دو پادشاه آن میترسید، متروک خواهد شد.

۱۷ خداوند بر تو و بر قومت و بر خاندان پدرت ایامی را خواهد آورد که از ایامی که فرایم
از یهوه جدا شد تا حال نیامده باشد یعنی پادشاه آشور را.»

و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند برای مگسپانی که به نگاره های نهرهای مصرند
و زنبورهایی که در زمین آشورند صفر خواهد زد.

۱۹ و تمامی آنها برآمده، در وادیهای ویران و شکافهای صخره و بر همه بوته های خاردار
و بر همه مرعها فرود خواهند آمد.

- ۲۰ و در آن روز خداوند به واسطه استرهای که از ماورای نهر اجیر میشود یعنی به واسطه پادشاه آشور موی سر و موی پایها را خواهد تراشید و ریش هم سترده خواهد شد.
- ۲۱ و در آن روز واقع خواهد شد که شخصی یک گاو جوان و دو گوسفند زنده نگاه خواهد داشت.
- ۲۲ و از فراوانی شیری که میدهند کره خواهد خورد زیرا هر که در میان زمین باقی ماند خوراکش کره و عسل خواهد بود.
- ۲۳ و در آن روز هر مکانی که هزار موبه جهت هزار پاره نقره داده میشود پراز خار و خس خواهد بود.
- ۲۴ با تیرها و کمانها مردم به آنجا خواهند آمد زیرا که تمامی زمین پراز خار و خس خواهد شد.
- ۲۵ و جمیع کوههایی که بایبل کنده میشود، از ترس خار و خس به آنجا نخواهند آمد بلکه گاو را به آنجا خواهند فرستاد و گوسفندان آن را پایمال خواهند کرد.

مجازات خدا توسط آشور

- و خداوند مرا گفت: «و حی بزرگ به جهت خود بگیر و بر آن با قلم انسان برای مهر شلال حاش بزینویس.»
- ۲ و من شهود امین یعنی اوربای کاهن و زکریا بن یبریکار به جهت خود برای شهادت میگیرم.»
- پس من به نبیه نزدیکی کردم و او حامله شده، پسری زایید. آنگاه خداوند به من گفت: «و را مهر شلال حاش بزینام، زیرا قبل از آنکه طفل بتواند ای پدرم و ای مادرم بگوید، اموال دمشق و غنیمت سامره را پیش پادشاه آشور به یغما خواهند برد.»
- و خداوند بار دیگر مرا باز خطاب کرده، گفت: «و نکته این قوم آبهای شیله را که به ملایمت جاری میشود خوار شمرده، از رصین و پسر رملیا مسرور شده اند، بنابراین اینک خداوند آبهای زور آور بسیار نهر یعنی پادشاه آشور و تمامی حشمت او را بر ایشان بر خواهد آورد و او از جمیع جویهای خود بر خواهد آمد و از تمامی نگاره های خویش

سرشار خواهد شد،

و ره بود اتجاوز نموده، سیلان کرده، عبور خواهد نمود تا آنکه به گردنهای رسد و بالهای خود را پهن کرده، طول و عرض ولایت را ای عمانوئیل پر خواهد ساخت.»

ترس خداوند

به هیجان آیدای قومها و شکست خواهید یافت و گوش گیریدای اقصای زمین و کمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت. کمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت.

۱۰ با هم مشورت کنید و باطل خواهد شد و سخن گوید و بجا آورده نخواهد شد زیرا خدا با ما است.

۱۱ چونکه خداوند بادست قوی به من چنین گفت و مرا تعلیم داد که به راه این قوم سلوک نمایم و گفت:

«را آنچه را که این قوم فتنه مینامند، شما آن رافتنه ننماید و از ترس ایشان ترسان و خائف مباشید.

۱۳ یهوه صبا یوت را تقدیس نماید و او ترس و خوف شما باشد.

۱۴ (او) رای شما (مکان مقدس خواهد بود اما برای هردو خاندان اسرائیل سنگ مصادم و صخره لغزش دهنده و برای ساکنان اورشلیم دام و تله.

۱۵ و بسیاری از ایشان لغزش خورده، خواهند افتاد و شکسته شده و بدام افتاده، گرفتار خواهند گردید.»

شهادت را به هم پیچ و شریعت را در شاگردانم مختوم ساز.

۱۷ و من برای خداوند که روی خود را از خاندان یعقوب مخفی میسازد انتظار کشیده، امیدوار او خواهم بود.

۱۸ اینک من و پسرای که خداوند به من داده است، از جانب یهوه صبا یوت که در کوه صهیون ساکن است به جهت اسرائیل آیات و علامات هستیم.

۱۹ و چون ایشان به شما گویند که از اصحاب اجنه و جادوگرانی که جیک جیک وزمزم میکنند سوال کنید، (و بید) «یا قوم از خدای خود سوال نمایند و آیا از مردگان به جهت زندگان سوال باید نمود؟»

به شریعت و شهادت) وجه نمایید (واگر موافق این کلام سخن نگویند، پس برای ایشان روشنائی نخواهد بود.

۲۱ و با عسرت و گرسنگی در آن خواهند گشت و هنگامی که گرسنه شوند خویشتن را مشوش خواهند ساخت و پادشاه و خدای خود را لعنت کرده، به بالا خواهند نگر بست. ۲۲ و به زمین نظر خواهند انداخت و اینک تنگی و تاریکی و ظلمت پریشانی خواهد بود و به تاریکی غلیظ رانده خواهند شد.

ولدی برای ما

لیکن برای او که در تنگی میبود، تاریکی نخواهد شد. در زمان پیشین زمین زبولون و زمین نفتالی را ذلیل ساخت، اما در زمان آخر آن راه دریا به آن طرف اردن در جلیل امت ها محترم خواهد گردانید.

۲ قومی که در تاریکی سالک میبودند، نور عظیمی خواهند دید و بر ساکنان زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد.

۳ توقوم را بسیار ساخته، شادی ایشان را زیاد گردانیدی. به حضور تو شادی خواهند کرد مثل شادمانی وقت درو و مانند کسانی که در تقسیم نمودن غنیمت وجد مینمایند.

۴ زیرا که یوغ بار او را و عصای گردش یعنی عصای جفا کننده وی را شکستی چنانکه در روز مدیان کردی.

۵ زیرا همه اسلحه مسلحان در غوغا است و رخوت ایشان به خون آغشته است اما برای سوختن و هیزم آتش خواهند بود.

۶ زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بردوش او خواهد بود و اسام او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.

۷ ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن راه انصاف و عدالت از الان تا ابد الاباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صبیوت این را بجا خواهد آورد.

غضب خدا بر اسرائیل

- خداوند کلامی نزد یعقوب فرستاد و آن بر اسرائیل واقع گردید.
- ۹ و تمامی قوم خواهند دانست یعنی افرایم و ساکنان سامره که از غرور و تکبر دل خود میگویند.
- ۱۰ خشته افتاده است اما با سنگهای تراشیده بنا خواهیم نمود؛ چوبهای افراغ درهم شکست اما سر و آزاد بجای آنها می گذاریم.
- ۱۱ بنا بر این خداوند دشمنان رصین را بصد او خواهد برافراشت و خصمان او را خواهد برانگیخت.
- ۱۲ ارامیان را از مشرق و فلسطینیان را از مغرب و ایشان اسرائیل را بادهان گشوده خواهند خورد. اما با این همه خشم او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.
- ۱۳ و این قوم بسوی زنده خودشان باز گشت نموده و یهوه صبا یوت را نطلبید هاند.
- ۱۴ بنا بر این خداوند سر و دم و نخل و نی را از اسرائیل در یک روز خواهد برید.
- ۱۵ مرد پیر و مرد شریف سراسر است و نبیای که تعلیم دروغ میدهند، دم میباشند.
- ۱۶ زیرا که هادیان این قوم ایشان را گمراه میکنند و پیروان ایشان بلعیده میشوند.
- از این سبب خداوند از جوانان ایشان مسرور نخواهد شد و بر یتیمان و بیوه زنان ایشان ترحم نخواهد نمود. چونکه جمیع ایشان منافق و شریرند و هر دهانی به حماقت متکلم میشود
- با اینهمه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.
- ۱۸ زیرا که شرارت مثل آتش میسوزاند و خار و خس را میخورد، و در بوته های جنگل افروخته شده، دود غلیظ پیمان میشود.
- ۱۹ از غضب یهوه صبا یوت زمین سوخته شده است و قوم همیزم آتش گشته اند و کسی بر برادر خود شفقت ندارد.
- ۲۰ از جانب راست میر بایند و گرسنه میمانند و از طرف چپ میخورند و سیر نمی شوند و هر کس گوشت بازوی خود را میخورد.
- ۲۱ منسی افرایم را و افرایم منسی را و هر دو ی ایشان بصد یهوه امتحامی شوند. با اینهمه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.
- وای بر آنانی که احکام غیر عادلانه را جاری میسازند و کاتبانی که ظلم را امر قوم میدانند،

تامسکینان را از داوری منحرف سازند و حق فقیران قوم را بر بایند تا آنکه بیوه زنان غارت ایشان بشوند و یتیمان را تاراج نمایند.

۳ پس در روز بازخواست در حینتی که خرابی از دور می‌آید، چه خواهید کرد و بسوی که برای معاونت خواهید گریخت و جلال خود را کجا خواهید انداخت؟
غیر از آنکه زیر اسیران خم شوند و زیر کشتگان بیفتند. با اینهمه غضب او برگردانیده نشده و دست او هنوز دراز است.

داوری بر آشور

وای بر آشور که عصای غضب من است. و عصایی که درد دست ایشان است خشم من می‌باشد.

۶ او را بر امت منافق میفرستم و نزد قوم مغضوب خود مامور میدارم، تا غنیمتی بر بایند و غارتی ببرند و ایشان را مثل گل کوچه‌ها پایمال سازند.

۷ اما او چنین گمان نمی‌کند و دلش بدینگونه قیاس نمی‌نماید، بلکه مراد دلش این است که امت‌های بسیار را هلاک و منقطع بسازد.

۸ زیرا میگوید آیا سرداران من جمیع پادشاه نیستند؟

آیا کلمو مثل کرکیش نیست و آیاحات مثل ارفادنی، و آیاسامره مانند دمشق نمی‌باشد؟ چنانکه دست من بر ممالک بتهاستیلا یافت و بتهای تراشیده آنها از بتهای اورشلیم و سامره بیشتر بودند.

۱۱ پس آیا به نهجی که به سامره و بتهایش عمل نمودم به اورشلیم و بتهایش چنین عمل نخواهم نمود؟

و واقع خواهد شد بعد از آنکه خداوند تمامی کار خود را با کوه صهیون و اورشلیم به انجام رسانیده باشد که من از ثمره دل مغرور پادشاه آشور و از خفر چشمان متکبر وی انتقام خواهم کشید.

۱۳ زیرا میگوید: «ه قوت دست خود و به حکمت خویش چونکه فهمیم هستم این را کردم و خود و قوم‌ها را منتقل ساختم و خزاین ایشان را غارت نمودم و مثل جبار سروران ایشان رابه زیر انداختم.»

۱۴ و دست من دولت قومها را مثل آشیانه‌های گرفته است و به طوری که تخمهای متروک را جمع کنند من تمامی زمین را جمع کردم. و کسی نبود که بال را بجنباند یا دهان خود را بگشاید یا جک جک بنماید.»

آیات بر کسی که به آن میشکند نفر خواهد نمود یا راه بر کسی که آن را میکشد افتخار خواهد کرد، که گویا عصابند کننده خود را بجنباند یا چوب دست آنچه را که چوب نباشد بلند نماید؟

بنابر این خداوند یهوه صبایوت برفرهان اولاغری خواهد فرستاد و زیر جلال او سوختنی مثل سوختن آتش افروخته خواهد شد.

۱۷ و نور اسرائیل نار و قدوس وی شعله خواهد شد، و در یکروز خار و خشش را سوزانیده، خواهد خورد.

۱۸ و شوکت جنگل و بوستان او هم روح و هم بدن را تباه خواهد ساخت و مثل گذاختن مریض خواهد شد.

۱۹ و بقیه درختان و جنگلش قلیل العدد خواهد بود که طفلی آنها را اثبت تواند کرد.
بقیه اسرائیل

و در آن روز واقع خواهد شد که بقیه اسرائیل و ناجیان خاندان یعقوب یار دیگر برزننده خودشان اعتماد نخواهند نمود. بلکه برخداوند که قدوس اسرائیل است به اخلاص اعتماد خواهند نمود.

۲۱ و بقیه‌های یعنی بقیه یعقوب بسوی خدای قادر مطلق بازگشت خواهند کرد.
۲۲ زیرا هر چند قوم تو اسرائیل مثل ریگ دریا باشند فقط از ایشان بقیتی بازگشت

خواهند نمود. هلاکتی که مقدر است به عدالت مجرا خواهد شد زیرا خداوند یهوه صبایوت هلاکت و تقدیری در میان تمام زمین به عمل خواهد آورد.
۲۴ بنابر این خداوند یهوه صبایوت چنین میگوید: «ای قوم من که در صهیون ساکنید از

آشور مترسید، اگر چه شما را به چوب بزند و عصای خود را مثل مصریان بر شما بلند نماید.
۲۵ زیرا بعد از زمان بسیار کمی غضب تمام خواهد شد و خشم من برای هلاکت ایشان خواهد بود.»

و یهوه صبایوت تازیانه‌های بروی خواهد برانگیخت چنانکه در کشتار میدان بر صخره غراب، و عصای او بر دریا خواهد بود و آن را بلند خواهد کرده به طوری که بر مصریان کرده بود.

۲۷ و در آن روز واقع خواهد شد که بار او از دوش تو ویوغ او از گردن تو رفع خواهد شد و یوغ از فریبی گسسته خواهد شد.

اوبه عیانت رسید و از مجرون گذشت و در مکاش اسباب خود را گذاشت.

۲۹ از معبر عبور کردند و در جبع منزل گزیدند، اهل رامه هر اسان شدند و اهل جبعه شاول فرار کردند.

۳۰ ای دختر جلم به آواز خود فریاد بر آور! ای لیشه وای عناتوت فقیر گوش ده! مدینه فراری شدند و ساکنان جییم گریختند.

۳۲ همین امروز در نوب توقف میکنند و دست خود را بر جبل دختر صهیون و کوه اورشلیم دراز میسازد.

۳۳ اینک خداوند یهوه صیایوت شاخه‌ها را با خوف قطع خواهد نمود و بلند قدان بریده خواهند شد و مرتفعان پست خواهند گردید، و یوته‌های جنگل به آهن بریده خواهد شد و لبنان به دست جباران خواهد افتاد.

نهایی از تنه‌یسی

و نهالی از تنه‌یسی بیرون آمده، شاخه‌های از ریشه‌هایش خواهد شکفت.

۲ و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند.

۳ و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بروفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود.

۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین بر استی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت.

۵ و کهربند کهرش عدالت خواهد بود و کهربند میانش امانت.

و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند.

۷ و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه

- خواهد خورد.
- ۸ و طفل شیر خواره بر سوراخ ماریازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت.
- ۹ و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد می نهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهای که در یارامیپوشاند.
- و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسی به جهت علم قومها بر پا خواهد شد و امت ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود.
- ۱۱ و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و قتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمت و از جزیره های دریای باقیمانده باشند باز آورد.
- و به جهت امتناع علی برافراشته، رانده شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکنندگان یهود را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد.
- ۱۳ و حسد افرایم رفع خواهد شد و دشمنان یهودا منقطع خواهند گردید. افرایم بر یهودا حسد نخواهد برد و یهودا افرایم را دشمنی نخواهد نمود.
- ۱۴ و به جانب مغرب بردوش فلسطینیان پریده، بنی مشرق را با هم غارت خواهند نمود. و دست خود را بر آدم و موآب دراز کرده، بنی عمون ایشان را اطاعت خواهند کرد.
- ۱۵ و خداوند زیانه دریای مصر را تباہ ساخته، دست خود را با باد سوزان بر نهر دراز خواهد کرد، و آن را با هفت نهرش خواهد زد و مردم را با کفش به آن عبور خواهد داد.
- ۱۶ و به جهت بقیه قوم او که از آشور باقیمانده باشند شاه راهی خواهد بود. چنانکه به جهت اسرائیل در روز آمدن ایشان از زمین مصر بود.

سرود حمد

- و در آن روز خواهی گفت که «ی خداوند تو را حمد میگویم زیرا به من غضبناک بودی اما غضبت برگردانیده شده، مرا تسلی میدهی.
- ۲ اینک خدا نجات من است بر او توکل نموده، نخواهم ترسید. زیرا یاهیهوه قوت و تسبیح من است و نجات من گردیده است.»

بنابر این باشاد مانی از چشمه های نجات آب خواهید کشید.
 و در آن روز خواهید گفت: «داوند را حمد گویند و نام او را بخوانید و اعمال او را در میان
 قوما اعلام کنید و ذکر نمایید که اسم او متعال میباشد.
 ۵ برای خداوند بسراپید زیرا کارهای عظیم کرده است و این در تمامی زمین معروف
 است.
 ۶ ای ساکنه صهیون صد ابرافراشته، بسرای زیرا قدوس اسرائیل در میان تو عظیم
 است.»

وحی در باره بابل

وحی در باره بابل که اشعیا این آموص آن را دید.
 علمی بر کوه خشک بر پا کنید و آوازه ایشان بلند نماید، بادست اشاره کنید تا به درهای
 نجباداخل شوند.
 ۳ من مقدسان خود را مامور داشتم و شجاعان خویش یعنی آنانی را که در کبریای من
 وجد مینمایند به جهت غضب نمودم.
 ۴ آواز گروهی در کوهها مثل آواز خلق کثیر. آواز غوغای ممالک امتهای که جمع
 شده باشند. یهوه صباوت لشکر را برای جنگ سان میبندد.
 ۵ ایشان از زمین بعید و از کرانه های آسمان میآیند. یعنی خداوند با اسلحه غضب
 خود تا تمامی جهان را ویران کند.
 ۶ ولوله کنید زیرا که روز خداوند نزدیک است، مثل هلاکتی از جانب قادر مطلق
 میآید.
 ۷ از این جهت همه دستهاست میشود و دلهای همه مردم گداخته میگردد.
 ۸ و ایشان متحیر شده، المها و دردهای زه بر ایشان عارض میشود، مثل زنی که مزاید درد
 میکشند. بریکدیگر نظر حیرت میاندازند و رویهای ایشان رویهای شعلهور میباشد.
 ۹ اینک روز خداوند با غضب و شدت خشم و ستمگیشی میآید، تا جهان را ویران سازد
 و نگاهکاران را از میانش هلاک نماید.
 ۱۰ زیرا که ستارگان آسمان و برجهایش روشنائی خود را نخواهند داد. و آفتاب در
 وقت طلوع خود تاریک خواهد شد و ماه روشنائی خود را نخواهد تابانید.

۱۱ و من ربع مسکون را به سبب نگاه و شیران را به سبب عصیان ایشان سزا خواهم داد، و غرور متکبران را تباه خواهم ساخت و تکبر جباران را به زیر خواهم انداخت.

۱۲ و مردم را از زر خالص و انسان را از طلای او فیر کمیابتر خواهم گردانید.

۱۳ بنابراین آسمان را متزلزل خواهم ساخت و زمین از جای خود متحرک خواهد شد. در حین غضب یهوه صبا یوت و در روز شدت خشم او.

و مثل آهوی رانده شده و مانند گل‌های که کسی آن را جمع نکند خواهند بود. و هر کس به سوی قوم خود توجه خواهد نمود و هر شخص به زمین خویش فرار خواهد کرد.

۱۵ و هر که یافت شود باینزه زده خواهد شد و هر که گرفته شود با شمشیر خواهد افتاد. ۱۶ اطفال ایشان نیز در نظر ایشان به زمین انداخته شوند و خانه‌های ایشان غارت شود و زنان ایشان بی‌عصمت گردند.

۱۷ اینک من مادیان را بر ایشان خواهم برانگیخت که نقره را به حساب نمی آورند و طلا را دوست نمی دارند.

۱۸ و کانه‌های ایشان جوانان را خرد خواهد کرد. و بر اثر رحم ترحم نخواهند نمود و چشمان ایشان بر اطفال شفقت نخواهد کرد.

۱۹ و بابل که جلال ممالک و زینت نخر کلدانیان است، مثل واژگون ساختن خدا سدوم و عموره را خواهد شد.

۲۰ و تا به ابد آباد نخواهد شد و نسلا بعد نسل مسکون نخواهد گردید. و اعراب در آنجا خیمه نخواهند زد و شبانان گل‌هاراد را آنجا نخواهند خوابانید.

۲۱ بلکه وحوش صحرا در آنجا خواهند خوابید و خانه‌های ایشان از بوم‌پایر خواهد شد. شتر مرغ در آنجا ساکن خواهد شد و غولان در آنجا رقص خواهند کرد،

و شغال‌دار قصرهای ایشان و گرگ‌ها در کوشک‌های خوش نما صدا خواهند زد و زمانش نزدیک است که برسد و روزهایش طول نخواهد کشید.

زیرا خداوند بر یعقوب ترحم فرموده، اسرائیل را بار دیگر خواهد برگزید و ایشان را در زمینشان آرامی خواهد داد. و غر با با ایشان ملحق شده، با خاندان یعقوب ملصق خواهند گردید.

۲ و قوم ایشان را برداشته، به مکان خودشان خواهند آورد. و خاندان اسرائیل ایشان را در زمین خداوند برای بندگی و کنیزی، مملوک خود خواهند ساخت. و اسیر کنندگان خود را اسیر کرده، بر ستمکاران خویش حکمرانی خواهند نمود. و در روزی که خداوند تو را از الم و اضطرابت و بندگی سخت که بر تو مینهد خلاصی بخشد واقع خواهد شد،

که این مثل را بر پادشاه بابل زده، خواهی گفت: چگونه آن ستمکار تمام شد و آن جور پیشه چگونه فانی گردید.

۵ خداوند عصای شیران و چوگان حاکمان را شکست.

۶ آنکه قوم هارابه خشم با صدمه متوالی میزد و بر امتهابه غضب با جفای بیحد حکمرانی مینمود،

تمامی زمین آرام شده و ساکت گردید هاندوبه آواز بلند تر نم مینماید.

۸ صنوبر هانیز و سروهای آزاد لبنان در باره تو شادمان شده، میگویند: «ز زمانی که تو خوابیدهای قطع کنندهای بر ما بر نیامده است.»

هاویه از زیر برای تو متحرک است تا چون بیایی تو را استقبال نماید، و مردگان یعنی جمیع بزرگان زمین را برای تو بیدار میسازد. و جمیع پادشاهان امتهار از کرسیهای ایشان برمی دارد.

۱۰ جمیع اینها تو را خطاب کرده، میگویند: «یا تو نیز مثل ما ضعیف شدهای و مانند ما گردیدههای.»

جلال تو و صدای بریطهای توبه هاویه فرود شده است. کرمها بر تو گسترانیده شده و مورها تو را میپوشانند.

۱۲ ای زهره دختر صبح چگونه از آسمان افتادهای؟ ای که امتهار از لیل میساختی چگونه به زمین افکنده شدهای؟

و تو در دل خود میگفتی: «آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالای ستارگان خدا خواهم افراشت. و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود.»

۱۴ بالای بلندیهای ابرها صعود کرده، مثل حضرت اعلی خواهم شدم.»

لکن به هاویه به اسفلهای حفره فرود خواهی شد.
 آنانی که تورا بینند بر تو چشم دوخته و در تو تامل نموده، خواهند گفت: «یا این آن مرد است
 که جهان را متزلزل و ممالک را مرتعش میساخت؟
 که ربع مسکون را ویران مینمود و شهرهایش را منهدم میساخت و اسیران خود را به خانه
 های ایشان رهائی کرد؟»
 همه پادشاهان امتهای جمیع هریک در خانه خود با جلال میخوانند.

۱۹ اما تو از قبر خود بیرون افکنده میشوی و مثل شاخه مکروه و مانند لباس کشتگانی
 که با شمشیر زده شده باشند، که به سنگهای حفره فرو میروند و مثل لاشه پایمال شده.
 ۲۰ با ایشان در دفن متحد خواهی بود چونکه زمین خود را ویران کرده، قوم خویش
 را کشتهای. ذریت شریان تا به ابد مذکور نخواهند شد.
 ۲۱ برای پسرانش به سبب نگاه پدران ایشان قتل را میسازید، تا ایشان بر نخیزند و در
 زمین تصرف نمایند و روی ربع مسکون را از شهرها پرنسازند.

و یهوه صبیوت میگوید: «ن به ضد ایشان خواهم برخاست.» و خداوند میگوید: «سم
 و بقیه را و نسل و ذریت را از یابل منقطع خواهم ساخت.
 ۲۳ و آن را نصیب خار پشتهای و خلاهای آب خواهم گردانید و آن را با جاروب هلاکت
 خواهم رفت.» یهوه صبیوت میگوید.

سرنوشت آشور

یهوه صبیوت قسم خورده، میگوید: «قین به طوری که قصد نمودهام همچنان واقع خواهد
 شد. و به نهجی که تقدیر کردهام همچنان بجا آورده خواهد گشت.
 ۲۵ و آشور را در زمین خودم خواهم شکست و او را بر کوههای خویش پایمال خواهم
 کرد. و یوغ او از ایشان رفع شده، باروی از گردن ایشان برداشته خواهد شد.»
 تقدیری که بر تمامی زمین مقدر گشته، این است. و دستی که بر جمیع امتهادراز
 شده، همین است.

۲۷ زیرا که یهوه صبیوت تقدیر نموده است، پس کیست که آن را باطل گرداند؟ و دست
 اوست که دراز شده است پس کیست که آن را برگرداند؟

در سالی که آحاز یاد شاه مرد این وحی نازل شد:
 ای جمیع فلسطین شادی مکن از اینکه عصایی که تو را میزد شکسته شده است. زیرا
 که از ریشه مار افعی بیرون میآید و نتیجه او اژدهای آتشین پرنده خواهد بود.
 ۳۰ و نخست زادگان مسکینان خواهند چرید و فقیران در اطمینان خواهند خوابید.
 و ریشه تو را با قطعی خواهم کشت و باقی ماندگان تو مقتول خواهند شد.
 ۳۱ ای دروازه ولوله نما! وای شهر فریاد برآور! ای تمامی فلسطین تو گداخته خواهی
 شد. زیرا که از طرف شمال دود میآید و از صوفوی کسی دور نخواهد افتاد.
 ۳۲ پس به رسولان امت ها چه جواب داده شود: «ینکه خداوند صهیون را بنیاد نهاده
 است و مسکینان قوم وی در آن پناه خواهند برد.»

وحی درباره موآب

وحی درباره موآب: زیرا که در شبی عار موآب خراب و هلاک شده است زیرا در شبی
 قبر موآب خراب و هلاک شده است.
 ۲ به بتکده و دیون به مکان های بلند به جهت گریستن برآمد هاند. موآب برای نبو و
 مید با ولوله میکند. بر سر هر یکی از ایشان گری است و ریشهای همه تراشیده شده
 است.
 ۳ در کوچه های خود کمر خود را به پلاس مینندند و بر پشت بامها و در چهار سوهای
 خود هر کس ولوله مینماید و اشکها میریزد.
 ۴ و حشوبن و العاله فریاد بر می آورند. آواز ایشان تیا هص مسموع میشود. بنابراین
 مسلحان موآب ناله میکنند و جان ایشان در ایشان می لرزد.
 دل من به جهت موآب فریاد بر می آورد. فراریانش تا به صوغر و مجلت شلشیا نعره
 میزنند زیرا که ایشان به فراز لوحیت با گریه بر می آیند. زیرا که از راه حور و نایم
 صدای هلاکت بر می آورند.
 ۶ زیرا که آبهای ثمریم خراب شده، چونکه علف خشکیده و گیاه تلف شده و هیچ چیز
 سبز باقی نمانده است.
 ۷ بنابراین دولتی را که تحصیل نمود هاند و اندوخته های خود را بر وادی بیدها میبرند.
 ۸ زیرا که فریاد ایشان حد و موآب را احاطه نموده و ولوله ایشان تا اجلایم و ولوله ایشان

تابئر ایلم رسیده است.

۹ چونکه آبهای دیمون از خون پر شده زانرو که بردیمون (لایای) زیاد خواهم آورد یعنی شیری را بر فراریان موآب و بر بقیه زمینش) وا هم گاشت.

برههارا که خراج حاکم زمین است از سالع بسوی بیابان به کوه دختر صهیون بفرستید. ۲ و دختران موآب مثل مرغان آواره و مانند آشپزانه ترک شده نزد معبرهای ارنون خواهند شد.

۳ مشورت بدهید و انصاف را بجا آورید، و سایه خود را در وقت ظهر مثل شب بگردان. رانده شدگان را پنهان کن و فراریان را تسلیم منما.

۴ ای موآب بگذار که رانده شدگان من نزد تو ماوا گزینند. و برای ایشان از روی تاراج کننده پناه گاه باش. زیرا ظالم نابود میشود و تاراج کننده تمام میگردد و ستمکار از زمین تلف خواهد شد.

۵ و کرسی به رحمت استوار خواهد گشت و کسی به راستی بر آن درخیمه داود خواهد نشست که داوری کند و انصاف را بطلبد و به جهت عدالت تعجیل نماید. غرور موآب و بسیاری تکبر و خیلاء و کبر و خشم او را شنیدیم و نخر او باطل است.

۷ بدین سبب موآب به جهت موآب ولوله میکند و تمامی ایشان ولوله مینمایند. به جهت بنیادهای قیر حارست ناله میکنید زیرا که بالکل مضروب میشود.

۸ زیرا که مزرعه‌های حبشون و موهای سبزه پرمرده شد و سروران امتها تا کهایش را شکستند. آنها تا به یعزیر رسیده بود و در بیابان پراکنده میشد و شاخه هایش منتشر شده، از دریای گذشت.

۹ بنابراین برای موسبمه به گریه یعزیر خواهم گریست. ای حبشون و العاله شمارا با اشکهای خود سیراب خواهم ساخت زیرا که بر میوهها و انگور هایت گلبانگ افتاده است.

۱۰ شادی و ابتهاج از استانها برداشته شد و در تا کستانها ترنم و آواز شادمانی نخواهد بود و کسی شراب را در چرخشته پایمال نمی کند. صدای شادمانی را خاموش گردانیدم.

۱۱ لہذا احوشی من مثل بریطہ بہ جهت موآب صدامیزند و بطن من برای قیر حارس،
 ۱۲ و ہنگامی کہ موآب در مکان بلند خود حاضر شدہ، خویشتن را خستہ کند و بہ
 مکان مقدس خود برای دعا بیاید کامیاب نخواہد شد.
 این است کلامی کہ خداوند در بارہ موآب از زمان قدیم گفتہ است.
 ۱۴ اما الان خداوند تکلم نمودہ، میگوید کہ بعد از سہ سال مثل سالہای مزدور جلال
 موآب با تمامی جماعت کثیر او محقر خواہد شد و بقیہ آن بسیار کم و بیقوت خواہند گردید.

وحی در بارہ دمشق

وحی در بارہ دمشق: اینک دمشق از میان شہرہا برداشتہ میشود و تودہ خراب خواہد
 گردید.
 ۲ شہرہای عر و غیر متروک میشود و بہ جهت خوابیدن گلہا خواہد بود و کسی آنہا
 را نخواہد ترسانید.
 ۳ و حصار از افرایم تلف خواہد شد و سلطنت از دمشق و از بقیہ آرام. و مثل جلال
 بنیاسرائیل خواہند بود زیرا کہ یہوہ صبا یوت چنین میگوید.
 ۴ و در آن روز جلال یعقوب ضعیف میشود و فرہی جسدش بہ لاغری تبدیل میگردد.
 ۵ و چنان خواہد بود کہ در و گران زرع را جمع کنند و ستہای ایشان سنبلہہا را درو
 کند. و خواہد بود مثل وقتی کہ در وادی رفایم سنبلہہا را بچینند.
 ۶ و خوشہہای چند در آن باقی ماند و مثل وقتی کہ زیتون را بتکانند کہ دیاسہ دانہ
 بر سر شاخہ بلند و چہار یا پنج دانہ بر شاخچہہای بارور آن باقی ماند. یہوہ خدای
 اسرائیل چنین میگوید.
 در آن روز انسان بسوی آفرینندہ خود نظر خواہد کرد و چشمانش بسوی قدوس اسرائیل
 خواہد نگریست.
 ۸ و بسوی مذبحہایی کہ بہدستہای خود ساختہ است نظر خواہد کرد و بہ آنچه با انگشتہای
 خویش بنا نمودہ یعنی اشیریم و بتہای آفتاب نخواہد نگریست.
 در آن روز شہرہای حصینش مثل خرابہہایی کہ در جنگل یا بر کوہ بلند است خواہد
 شد کہ آنہا را از حضور بنیاسرائیل واگذاشتند و ویران خواہد شد.

- ۱۰ چونکه خدای نجات خود را فراموش کردی و صخره قوت خویش را به یاد نیاوردی بنا بر این نهالهای دلپذیر غرس خواهی نمود و قله‌های غریب را خواهی کاشت.
- ۱۱ در روزی که غرس مینمایی آن را نمو خواهی داد و در صبح مزروع خود را به شکوفه خواهی آورد اما محصولش در روز آفت مهلک و حزن علاج ناپذیر بر باد خواهد رفت. وای بر شورش قوم‌های بسیار که مثل شورش دریا شورش مینمایند و خروش طوایفی که مثل خروش آبهای زور آور خروش میکنند.
- ۱۳ طوایف مثل خروش آبهای بسیاری خروشدند اما ایشان را عتاب خواهد کرد و بهجای دور خواهند گریخت و مثل کاه کوهها در برابر باد رانده خواهند شد و مثل غبار در برابر گرد باد.
- ۱۴ در وقت شام اینک خوف است و قبل از صبح نابود میشوند. نصیب تاراج کنندگان ما و حصه غارت نمایندگان ما همین است.

پیغام خدا علیه کوش

- وای بر زمینی که در آن آوازه‌ها است که به آن طرف نهرهای کوش می‌باشد.
- ۲ وای لیلیان به دریا و در کشتیهای بردی بروی آنها می‌فرستد و می‌گوید: ای رسولان تیز رو بروید نزد امت بلند قد و براق، نزد قومی که از ابتدایش تا کنون مهیب بود هاند یعنی امت زور آور و پامال کننده که نهرها زمین ایشان را تقسیم میکند.
- ۳ ای تمامی ساکنان ربع مسکون و سکنه جهان، چون علمی بر کوهها بلند گردد بنگرید و چون کرنا نواخته شود بشنوید.
- ۴ زیرا خداوند به من چنین گفته است که من خواهم آرامید و از مکان خود نظر خواهم نمود. مثل گرمای صاف بر نباتات و مثل ابر شبنم دارد در حرارت حصاد.
- ۵ زیرا قبل از حصاد وقتی که شکوفه تمام شود و گل به انگور رسیده، مبدل گردد او شاخه‌ها را باارها خواهد برید و نهالها را بریده دور خواهد افکند.
- ۶ و همه برای مرغان شکاری کوهها و وحوش زمین وا گذاشته خواهد شد. و مرغان شکاری تا بستان را بر آنها برسد خواهند برد و جمیع وحوش زمین ز مستان را بر آنها خواهند گذرانید.

۷ و در آن زمان هدیه‌های برای یهوه صبیوت از قوم بلندقد و براق و از قومی که از ابتدایش تا کنون مهیب است و از امتی زور آور و پامال کننده که نهرها زمین ایشان را تقسیم میکند به مکان اسم یهوه صبیوت یعنی به کوه صهیون آورده خواهد شد.

وحی درباره مصر

وحی درباره مصر: اینک خداوند بر ابر تیز رو سوار شده، به مصر می‌آید و تپهای مصر از حضور وی خواهد لرزید و دلهای مصریان در اندرون ایشان گداخته خواهد شد.

۲ و مصریان را بر مصریان خواهم برانگیخت. برادر را برادر خود و همسایه با همسایه خویش و شهر با شهر و کشور با کشور جنگ خواهند نمود.

۳ و روح مصر در اندرونش افسرده شده، مشورتش را باطل خواهم گردانید و ایشان از تپها و فالگیران و صاحبان اجنه و جادوگران سوال خواهند نمود.

۴ و مصریان را به دست آقای ستم کیش تسلیم خواهم نمود و پادشاه زور آور بر ایشان حکمرانی خواهد کرد. خداوند یهوه صبیوت چنین میگوید.

و آب از دریا (کم شده، نهر خراب و خشک خواهد گردید).

۶ و نهرها متعفن شده، جویهای ماصور کم شده میخشکد و نی و بویا پژمرده خواهد شد.

۷ و مرغزاری که بر کنار نیل و بردهنه نیل است و همه مزرعه‌های نیل خشک و رانده شده و نابود خواهد گردید.

۸ و ماهی گیران ماتم میگیرند و همه آنانی که قلاب به نیل اندازند زاری میکنند و آنانی که دام بر روی آب گسترانند افسرده خواهند شد.

۹ و عاملان گمان شانه زده و بافندگان پارچه سفید نخل خواهند شد.

۱۰ و ارکان او ساییده و جمیع مزدوران رنجیده دل خواهند شد.

سروران صوعن بالکل احمق میشوند و مشورت مشیران دانشمند فرعون وحشی می گردد. پس چگونه به فرعون میگوید که من پسر حکما و پسر پادشاهان قدیم میباشم.

۱۲ پس حکیمان تو بکجایند تا ایشان تو را اطلاع دهند و بدانند که یهوه صبیوت درباره مصر چه تقدیر نموده است.

۱۳ سروران صوعن ابله شده و سروران نوب فریب خورد هاند و آتانی که سنگ زاویه اسباط مصر هستند آن را گمراه کرده اند.

۱۴ و خداوند روح خیرگی در وسط آن آمیخته است که ایشان مصریان را در همه کارهای ایشان گمراه کرده اند مثل مستان که در قی خود افتان و خیزان راه میروند.

۱۵ و مصریان را کاری نخواهد ماند که سر یادم نخل یا بوریا بکند.

در آن روز اهل مصر مثل زنان میباشند و از حرکت دست یهوه صبا یوت که آن را بر مصر به حرکت میآورد لرزان و هراسان خواهند شد.

۱۷ و زمین یهود باعث خوف مصر خواهد شد که هر که ذکر آن را بشنود خواهد ترسید به سبب تقدیری که یهوه صبا یوت بر آن مقدر نموده است.

۱۸ در آن روز پنج شهر در زمین مصر به زبان کنعان متکلم شده، برای یهوه صبا یوت قسم خواهند خورد و یکی شهر هلاکت نامیده خواهد شد.

در آن روز مذبحی برای خداوند در میان زمین مصر و ستونی نزدیک و دوش برای خداوند خواهد بود.

۲۰ و آن آیتی و شهادتی برای یهوه صبا یوت در زمین مصر خواهد بود. زیرا که نزد خداوند به سبب جفا کنندگان خویش استغاثه خواهد نمود و او نجات دهنده و حمایت کنندهای برای ایشان خواهد فرستاد و ایشان را خواهد رهانید.

۲۱ و خداوند بر مصریان معروف خواهد شد و در آن روز مصریان خداوند را خواهند شناخت و با ذبایح و هدایا و اعبادت خواهند کرد و برای خداوند نذر کرده، آن را وفا خواهند نمود.

۲۲ و خداوند مصریان را خواهد زد و به زدن شفا خواهد داد زیرا چون بسوی خداوند بازگشت نمایند ایشان را اجابت نموده، شفا خواهد داد.

در آن روز شاهراهی از مصر به آشور خواهد بود و آشوریان به مصر و مصریان به آشور خواهند رفت و مصریان با آشوریان عبادت خواهند نمود.

۲۴ در آن روز اسرائیل سوم مصر و آشور خواهد شد و آنها در میان جهان برکت خواهند بود.

۲۵ زیرا که یهوه صبا یوت آنها را برکت داده خواهد گفت قوم من مصر و صنعت دست من آشور و میراث من اسرائیل مبارک باشند.

پیام خدا بصد مصر و کوش

در سالی که ترتان به اشد و دآمد هنگامی که سر چون پادشاه آشور او را فرستاد، پس با اشد و د جنگ کرده، آن را گرفت.

۲ در آن وقت خداوند به واسطه اشعیا بن آموص تکلم نموده، گفت: «رو و پلاس را از کمر خود بگشا و نعلین را از پای خود بیرون کن.» و او چنین کرده، عریان و پابرهنه راه میرفت.

و خداوند گفت: «نانکه بنده من اشعیا سه سال عریان و پابرهنه راه رفته است تا آیتی و علامتی در باره مصر و کوش باشد،

بهمان طور پادشاه آشور اسیران مصر و جلاء و وطنان کوش را از جوانان و پیران عریان و پابرهنه و مکشوف سرین خواهد برد تا رسوایی مصر باشد.

۵ و ایشان به سبب کوش که ملجای ایشان است و مصر که نخر ایشان باشد مضطرب و نجمل خواهند شد.

۶ و ساکنان این ساحل در آن روز خواهند گفت: اینک ملجای ما که برای اعانت به آن فرار کردیم تا از دست پادشاه آشور نجات یابیم چنین شده است، پس ما چگونه نجات خواهیم یافت؟»

وحی در باره بابل

وحی در باره بیابان بحر: چنانکه گرد باد در جنوب می آید، این نیز از بیابان از زمین هولناک می آید.

۲ رویای سخت برای من منکشف شده است، خیانت پیشه خیانت میکند و تاراج کننده تاراج مینماید. ای عیلام برای وای مدیان محاصره نما. تمام ناله آن را ساکت گردانیدم.

از این جهت کمر من از شدت درد پر شده است و در درزه مثل درد زنی که میزاید مراد گرفته است. پیچ و تاب میخورم که نمی توانم بشنوم، مدهوش میشوم که نمی توانم ببینم.

۴ دل من میطپید و هیبت مرا ترسانید. او شب لذت مرا بر ایم به خوف مبدل ساخته است.

۵ سفره رامیاساخته و فرش را گسترانیده به اکل و شرب مشغول میباشند. ای سروران برخیزید و سپهراراروغن بمالید. زیرا خداوند به من چنین گفته است: «رو دیده بان را قرار دهم تا آنچه را که بیند اعلام نماید.»

۷ و چون فوج سواران جفت جفت و فوج الاغان و فوج شتران را بیند آنگاه به دقت تمام توجه بنماید.»

پس او مثل شیر صدازد که «ای آقامن دائم در روزی محرس ایستاد هام و تمامی شب بردیده بانگاه خود برقرار میباشم.»

۹ و اینک فوج مردان و سواران جفت جفت میآیند و او مزید کرده، گفت: بابل افتاد افتاده است و تمامی شمال های تراشیده خدا یانش را بر زمین شکستهند.» ای کوفته شده من و ای محصول خرمن من آنچه از یهوه صبا یوت خدای اسرائیل شنیدم به شما اعلام مینمایم.

وحی درباره دوم

وحی درباره دومه: کسی از سعیریه من ندانم میکند که «ی دیده بان از شب چه خبر؟ ای دیده بان از شب چه خبر؟»

دیده بان میگوید که صبح میآید و شام نیز. اگر پرسیدن میخواهید پرسید و باز گشت نموده، بپایید.»

وحی درباره عرب

وحی درباره عرب: ای قافله های ددانیان در جنگل عرب منزل کنید.

۱۴ ای ساکنان زمین تیماتشنگان رابه آب استقبال کنید و فراریان رابه خوراک ایشان پذیره شوید.

۱۵ زیرا که ایشان از شمشیر هافراری کنند. از شمشیر رهنه و کمان زده شده و از سختی جنگ.

زانرو که خداوند به من گفته است بعد از یکسال موافق سالهای مزدوران تمامی شوکت قیدار تلف خواهد شد.

۱۷ و بقیه شماره تیراندازان و جباران بنی قیدار قلیل خواهد شد چونکه یهوه خدای اسرائیل این را گفته است.

وحی درباره اورشلیم

- وحی درباره وادی رویا: الان تو را چه شد که کلیه بریامها بر آمدی؟
 ای که پراز شور شهاستی و ای شهر پر غوغا و ای قریه مفتخر. کشتگانت کشته
 شمشیر نیستند و در جنگ هلاک نشده اند.
۳. جمیع سرورانت باهم گریختند و بدون تیراندازان اسیر گشتند. همگانی که در تو
 یافت شدند باهم اسیر گردیدند و به جای دور فرار کردند.
۴. بنابراین گفتم نظر خود را از من بگردانید زیرا که با تلخی گریه میکنم. برای تسلی
 من درباره خرابی دختر قوم الحاح مکنید.
- زیرا خداوند یهوه صبا یوت روز آشفنگی و پایمالی و پریشانیای در وادی رویا دارد. دیوارها
 را منهدم میسازند و صدای استغاثه تا به کوهها میرسد.
۶. و عیلام با فواج مردان و سواران ترکش را برداشته است و قیر سپر را مکشوف نموده
 است،
 و وادیهای بهتر بنت ازارا به پاره شده، سواران پیش دروازه هایت صف آرای می نمایند،
 و پوشش یهودا برداشته میشود و در آن روز به اسلحه خانه جنگل نگاه خواهید کرد.
۹. و رخنه های شهر داورا که بسیارند خواهید دید و آب برکه تختانی را جمع خواهید نمود.
۱۰. و خانه های اورشلیم را خواهید شمرد و خانمها را به جهت حصار بندی دیوارها خراب
 خواهید نمود.
۱۱. و در میان دو دیوار حوضی برای آب برکه قدیم خواهید ساخت اما به صانع آن نخواهید
 نگرست و به آنکه آن را از ایام پیشین ساخته است نگران نخواهید شد.
۱۲. و در آن روز خداوند یهوه صبا یوت (ما را) (به گریستن و ماتم کردن و کندن مو و پوشیدن
 پلاس خواهد خواند.
۱۳. و اینک شادمانی و خوشی و کشتن گاو و ذبح کردن گوسفندان و خوردن گوشت
 و نوشیدن شراب خواهد بود که بخوریم و بنوشیم زیرا که فردا میمیریم.
۱۴. و یهوه صبا یوت در گوش من اعلام کرده است که این گاه شما تا بمیرید هرگز کفار

نخواهد شد. خداوند یهوه صبا یوت این را گفته است.

خداوند یهوه صبا یوت چنین میگوید: «رو نزد این خزانهدار یعنی شبنا که ناظر خانه است داخل شو و به او بگو:

تو را در اینجا چه کار است و در اینجا که را داری که در اینجا قبری برای خود کندهای؟ ای کسی که قبر خود را در مکان بلند میکنی و مسکنی برای خویشتن در صخره میتراشی.»

اینکای مرد، خداوند البته تو را دور خواهد انداخت و البته تو را خواهد پوشانید.

۱۸ و البته تو را مثل گوی سخت خواهد پیچید و به زمین وسیع تو را خواهد افکند و در آنجا خواهی مرد و در آنجا اربابه های شوکت تو رسوایی خانه آقایت خواهد شد.

۱۹ و تو را از منصبت خواهیم راند و از مکانت به زیر افکنده خواهی شد.

و در آن روز واقع خواهد شد که بنده خویش الیا قیم بن حلقیا را دعوت خواهیم نمود.

۲۱ و او را به جامه توملبس ساخته به کمر بندت محکم خواهیم ساخت و اقتدار تو را به دست او خواهیم داد و او ساکنان اورشلیم و خاندان یهود را پدر خواهد بود.

۲۲ و کلید خانه داوود را بردوش وی خواهیم نهاد و چون بگشاید احدی نخواهد بست و چون ببندد، احدی نخواهد گشاد.

۲۳ و او را در جای محکم مثل میخ خواهیم دوخت و برای خاندان پدر خود کرسی جلال خواهد بود.

۲۴ و تمامی جلال خاندان پدرش را از اولاد و احفاد و همه ظروف کوچک را از ظروف کاسه ها تا ظروف تنگها را خواهد آویخت.

و یهوه صبا یوت میگوید که در آن روز آن میخی که در مکان محکم دوخته شده متحرک خواهد گردید و قطع شده، خواهد افتاد و باری که بر آن است، تلف خواهد شد زیرا خداوند این را گفته است.

وحی درباره صور

وحی درباره صورای کشتیهای ترشیش و لوله نمایند زیرا که بجدی خراب شده است که نه خانهای ونه مدخلی باقیمانده. از زمین کتیم خبر به ایشان رسیده است.

۲ ای ساکنان ساحل که تاجران صیدون که از دریای عبور میکنند تو را پر ساختند آرام

گیرید.

۳ و دخل او از محصول شیحور و حصا دنیل برآبهای بسیار میبود پس او تجارت گاه امته
شده است.

۴ ای صیدون بخل شوزیرا که دریای یعنی قلعه دریامتکلم شده، میگوید در دزه نکشید هام
و نزیاید هام و جوانان را نپرورد هام و دوشیزگان را تربیت نکرد هام.

۵ چون این خبر به مصر برسد از اخبار صور بسیار دردناک خواهند شد.

ای ساکنان ساحل دریایه ترشیش بگذرید و لوله نمایید.

۷ آیا این شهر مفتخر شماست که قدیمی و از ایام سلف بوده است و پایهایش او را به جای
دور برده، تا در آنجا ما واگریند؟

کیست که این قصد را در باره صور آن شهر تاج بخش که تجاروی سروران و بازرگانان
اوشرفای جهان بودند نموده است.

۹ یهوه صباوت این قصد را نموده است تا تکبر تمامی جلال را خوار سازد و جمیع شرفای
جهان را محقر نماید.

ای دختر ترشیش از زمین خود مثل نیل بگذر زیرا که دیگر هیچ بند برای تو نیست.

۱۱ او دست خود را بر دریا دراز کرده، مملکتها را متحرک ساخته است. خداوند
در باره کنعان امر فرموده است تا قلعه هایش را خراب نماید.

۱۲ و گفته است: ای دوشیزه ستم رسیده و ای دختر صیدون دیگر مفتخر نخواهی شد.
بر خاسته، به کتیم بگذر اما در آنجا نیز راحت برای تو نخواهد بود.

۱۳ اینک زمین کلدانیان که قومی نبودند و آشوران را به جهت صحرائشانینان بنیاد نهاد.
ایشان منجنیقهای خود را افراشته، قصرهای آن را منهدم و آن را به خرابی مبدل خواهند
ساخت.

۱۴ ای کشتیهای ترشیش و لوله نمایید زیرا که قلعه شما خراب شده است.

و در آن روز واقع خواهد شد که صور، هفتاد سال مثل ایام یک پادشاه فراموش خواهد شد
و بعد از آنقضای هفتاد سال برای صور مثل سرود زانیه خواهد بود.

۱۶ ای زانیه فراموش شده بر بطر گرفته، در شهر گردش نما. خوش بنواز و سرودهای
بسیار بخوان تا به یاد آورده شوی.

۱۷ و بعد از انقضای هفتاد سال واقع میشود که خداوند از صورت تقد خواهد نمود و به اجرت خویش برگشته با جمیع ممالک جهان که بر روی زمین است زنا خواهد نمود.
 ۱۸ و تجارت و اجرت آن برای خداوند وقف شده ذخیره و اندوخته نخواهد شد بلکه تجارتش برای مقربان درگاه خداوند خواهد بود تا به سیری بخورند و لباس فاخر بپوشند.

خرابی زمین

اینک خداوند زمین را خالی و ویران می کند، و آن را واژگون ساخته، ساکنانش را پراکنده میسازد.

۲ و مثل قوم، مثل کاهن و مثل بنده، مثل آقايش و مثل کنیز، مثل خاتونش و مثل مشتری، مثل فروشنده و مثل قرض دهنده، مثل قرض گیرنده و مثل سود خوار، مثل سود دهنده خواهد بود.

۳ و زمین بالکل خالی و بالکل غارت خواهد شد زیرا خداوند این سخن را گفته است.

۴ زمین ماتم میکند و پرمردم میشود. ربع مسکون کاهیده و پرمردم میگردد، شریفان اهل زمین کاهیده میشوند.

۵ زمین زیر ساکنانش ملوث میشود زیرا که از شرایع تجاوزه نموده و فرائض را تبدیل کرده و عهد جاودانی را شکستہاند.

۶ بنابراین لعنت، جهان رافانی کرده است و ساکنانش سزایافته اند لهذا ساکنان زمین سوخته شده اند و مردمان، بسیار کم باقیمانده اند.

۷ شیره انگور ماتم میگیرد و مو کاهیده میگردد و تمامی شادان آه میکشند.

۸ شادمانی دفهاتلف شده، آواز عشرت کنندگان باطل و شادمانی بر بطها ساکت خواهد شد.

۹ شراب را با سرودها نخواهند آشامید و مسکرات برای نوشند گانش تلخ خواهد شد.

۱۰ قریه خرابه منهدم میشود و هر خانه بسته میگردد که کسی داخل آن نتواند شد.

۱۱ غوغایی برای شراب در کوچههاست. هرگونه شادمانی تاریک گردیده و سرور زمین رفع شده است.

۱۲ ویرانی در شهر باقی است و دروازه هایش به هلاکت خرد شده است.

۱۳ زیرا که در وسط زمین در میان قوم هایش چنین خواهد شد مثل تکانیدن زیتون

و مانند خوشه‌هایی که بعد از چیدن انگور باقی میماند.
اینان آواز خود را بلند کرده، ترمخ خواهند نمود و در باره کبریایی خداوند از دریا صدا خواهند زد.

۱۵ از این جهت خداوند را در بلاد مشرق و نامیهوه خدای اسرائیل را در جزیره‌های دریا تجید نماید.

۱۶ از کرانه‌های زمین سرودها را شنیدیم که عادلان را جلال باد. اما گفتم: وای حسرتا، وای حسرتا، وای بر من! خیانت کاران خیانت ورزیده، خیانت کاران به شدت خیانت ورزیده‌اند.

۱۷ ای ساکن زمین ترس و حفره و دام بر تو است.

۱۸ و واقع خواهد شد که هر که از آواز ترس بگریزد به حفره خواهد افتاد و هر که از میان حفره برآید گرفتار دام خواهد شد زیرا که روزنه‌های علیین باز شده و اساسهای زمین متزلزل میباشند.

۱۹ زمین بالکل منکسر شده. زمین تمام از هم پاشیده و زمین به شدت متحرک گشته است.

۲۰ زمین مثل مستان افتان و خیزان است و مثل سایه بان به چپ و راست متحرک و گگاهش بر آن سنگین است. پس افتاده است که بار دیگر نخواهد برخاست.
و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند گروه شریفان را بر مکان بلند ایشان و پادشاهان زمین را بر زمین سزا خواهد داد.

۲۲ ایشان مثل اسیران در چاه جمع خواهند شد و در زندان بسته خواهند گردید و بعد از روزهای بسیار، ایشان طلبیده خواهند شد.

۲۳ و ماه نخل و آفتاب رسوا خواهد گشت زیرا که یهوه صبیوت در کوه صهیون و در اورشلیم و به حضور مشایخ خویش، با جلال سلطنت خواهد نمود.

ستایش خدا

ای یهوه تو خدای من هستی پس تو را تسبیح میخوانم و نام تو را حمد می گویم، زیرا کارهای عجیب کرده‌ای و تقدیرهای قدیم تو امانت و راستی است.

۲ چونکه شهری را توده و قریه حصین را خرابه گردانیده‌ای و قصر غریبان را که شهر

نباشد و هرگز بنا نگردهد.

۳ بنابراین قوم عظیم، تو را تجید مینمایند و قریه امت های ستم پیشه از تو خواهند ترسید.

۴ چونکه برای فقیران قلعه و به جهت مسکینان در حین تنگی ایشان قلعه بودی و ملجا از طوفان و سایه از گرمی، هنگامی که نفخه ستمکاران مثل طوفان بر دیوار میبود.

۵ و غوغای غریبان را مثل گرمی در جای خشک فرود خواهی آورد و سرد ستمکاران مثل گرمی از سایه بر پست خواهد شد.

و بهو صبا یوت در این کوه برای همه قوم ها ضیافتی از لذایذ بر پا خواهد نمود. یعنی ضیافتی از شرابهای کهنه از لذایذ پر مغز و از شرابهای کهنه مصفا.

۷ و در این کوه روپوشی را که بر تمامی قوما گسترده است و ستیری را که جمیع امتها را میپوشاند تلف خواهد کرد.

۸ و موت را تا ابد الابد نابود خواهد ساخت و خداوند بهو اشکهار از هر چهره پاک خواهد نمود و عار قوم خویش را از روی تمامی زمین رفع خواهد کرد زیرا خداوند گفته است.

و در آن روز خواهند گفت: «ینک این خدای ما است که منتظر او بودهایم و ما را نجات خواهد داد. این خداوند است که منتظر او بودهایم پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد.»

زیرا که دست خداوند بر این کوه قرار خواهد گرفت و موآب در مکان خود پایمال خواهد شد چنانکه گاه در آب مزبله پایمال میشود.

۱۱ و او دستهای خود را در میان آن خواهد گشاد مثل شناوری که به جهت شنا کردن دستهای خود را میگشاید و غرور او را با حیلله های دستهایش پست خواهد گردانید.

۱۲ و قلعه بلند حصار هایت را خم کرده، بریز خواهد افکند و بر زمین باغبان یکسان خواهد ساخت.

سرود پرستش

در آن روز این سرود در زمین یهود اسرا پیده خواهد شد؛ ما را شهری قوی است که دیوارها و حصار آن نجات است.

۲ دروازه هار با گشاید تا امت عادل که امانت را نگاه میدارند داخل شوند.

- ۳ دل ثابت را در سلامتی کامل نگاه خواهی داشت، زیرا که بر تو توکل دارد.
- ۴ بر خداوند تا به ابد توکل نمایی، چونکه دریا به پوه صخره جاودانی است.
- ۵ زیرا آنانی را که بر بلندیهاسا کنند فرود میآورد. و شهر رفیع را به زیر میاندازد. آن را به زمین انداخته، با خاک یکسان میسازد.
- ۶ پایه آن را پایمال خواهد کرد. یعنی پایه های فقیران و قدم های مسکینان.
- طریق عادلان استقامت است. ای تو که مستقیم هستی طریق عادلان را هموار خواهی ساخت.
- ۸ پسای خداوند در طریق داوریهای تو انتظار تو را کشیدهایم. و جان ما به اسم تو و ذکر تو مشتاق است.
- ۹ شبانگاه به جان خود مشتاق تو هستم. و با مدادان به روح خود در اندرونم تو را می طلبم. زیرا هنگامی که داوریهای تو بر زمین آید سکنه ربع مسکون عدالت را خواهند آموخت.
- ۱۰ هر چند بر شریرتر رحم شود عدالت را نخواهد آموخت. در زمین راستان شرارت میورزد و جلال خداوند را مشاهده نمی نماید.
- ۱۱ ای خداوند دست تو برافراشته شده است اما نمی بینند. لیکن چون غیرت تو را برای قوم ملاحظه کنند خجل خواهند شد. و آتش نیز دشمنان را فرو خواهد برد.
- ای خداوند سلامتی را برای ماتعین خواهی نمود. زیرا که تمام کارهای ما را نیز برای ما به عمل آوردهای.
- ۱۳ ای پوهه خدای ما آقایان غیر از تو بر ما استیلا داشتند. اما به توقف اسم تو را ذکر خواهیم کرد.
- ۱۴ ایشان مردند و زننده نخواهند شد. خیالها گردیدند و نخواهند برخاست. بنابراین ایشان را سزاده، هلاک ساختی و تمام ذکر ایشان را محو نمودی.
- ۱۵ قوم را افزودی ای خداوند قوم را میزد ساخته، خویشان را جلال دادی. و تمامی حدود زمین را وسیع گردانیدی.
- ای خداوند ایشان در حین تنگی، تو را خواهند طلبید. و چون ایشان را تادیب نمایی

دعاهای خفیه خواهند ریخت.

۱۷ مثل زن حامله‌ای که نزدیک زاییدن باشد و درد او را گرفته، از آلام خود فریاد بکند همچنین مانیزای خداوند در حضور تو هستیم.

۱۸ حامله شده، درد زه ما را گرفت و با درازا زاییدیم. و در زمین هیچ نجات به ظهور نیاوردیم. و ساکنان ربع مسکون نیفتادند.

مردگان تو زنده خواهند شد و جسد‌های من خواهند برخاست. ای شما که در خاک ساکنید بیدار شده، ترنم نمائید! زیرا که شبیم توشبیم نباتات است. و زمین مردگان خود را بیرون خواهد افکند.

۲۰ ای قوم من بپایید به ججره‌های خویش داخل شوید و درهای خود را در عقب خویش ببندید. خویشان را اندک لحظهای پنهان کنید تا غضب بگذرد.

۲۱ زیرا اینک خداوند از مکان خود بیرون می‌آید تا سزای گناهان ساکنان زمین را به ایشان برساند. پس زمین خونهای خود را مکشوف خواهد ساخت و کشتگان خویش را دیگر پنهان نخواهد نمود.

رهای اسرائیل

در آن روز خداوند به شمشیر سخت عظیم محکم خود آن مارتیزر و لویاتان را و آن مار پیچیده لویاتان را سزا خواهد داد و آن اژدها را که در دریا است خواهد کشت.

۲ در آن روز برای آن تا کستان شراب بسرایید.

۳ من که یهوه هستم آن را نگاه میدارم و هر دقیقه آن را آبیاری مینمایم. شب و روز آن را نگاهبانی مینمایم که مباد احدی به آن ضرر رساند.

۴ خشم ندارم. کاش که خس و خاربامن به جنگ می‌آمدند تا بر آنها هجوم آورده، آنها را با هم میسوزانیدم.

۵ یابه قوت من متمسک میشد تا با من صلح بکنند و با من صلح مینمود.

در ایام آینده یعقوب ریشه خواهد زد و اسرائیل غنچه و شکوفه خواهد آورد. و ایشان روی ربع مسکون را از میوه پر خواهند ساخت.

ایا اورازد بطوری که دیگران اورازدند؟ یا کشته شد بطوری که مقتولان وی کشته شدند؟

چون اوراد و ساختی به اندازه باوی معارضه نمودی. بباد سخت خویش اورادر روزباد شرقی زایل ساختی.

۹ بنابراین گناه یعقوب از این کفاره شده و رفع گناه او تمامی نتیجه آن است. چون تمامی سنگهای مذبح را مثل سنگهای آهک نرم شده میگرداند آنگاه اشیریم و تهای آفتاب دیگر برپا نخواهد شد.

۱۰ زیرا که آن شهر حصین منفرد خواهد شد و آن مسکن، مهجور و مثل بیابان وا گذاشته خواهد شد. در آنجا گوسالهها خواهند چرید و در آن خوابیده، شاخه هایش را تلف خواهند کرد.

۱۱ چون شاخه هایش خشک شود شکسته خواهد شد. پس زنان آمده، آنها را خواهند سوزانید، زیرا که ایشان قوم بیفهم هستند. لٰذا آفریننده ایشان برایشان ترحم نخواهد نمود و خالق ایشان برایشان شفقت نخواهد کرد.

و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند از مسیل نهر) رات (تا وادی مصر غله را خواهد کوبید. و شمای بنی اسرائیل یکی یکی جمع کرده خواهید شد.

۱۳ و در آن روز واقع خواهد شد که کرنای بزرگ نواخته خواهد شد و گم شدگان زمین آشور و رانده شدگان زمین مصر خواهند آمد. و خداوند را در کوه مقدس یعنی در اورشلیم عبادت خواهند نمود.

وای بر افرایم

وای بر تاج تکبر میگساران افرایم و بر گل پشمرده زیبایی جلال وی، که بر سروادی بارور مغلوبان شراب است.

۲ اینک خداوند کسی زور آور و توانا دارد که مثل تگرگ شدید و طوفان مهلک و مانند سیل آبهای زور آور سرشار، آن را به زور بر زمین خواهد انداخت.

۳ تاج تکبر میگساران افرایم زیر پای پامال خواهد شد.

۴ و گل پشمرده زیبایی جلال وی که بر سروادی بارور است مثل نور انجیرها قبل از تابستان

خواهد بود که چون بیننده آن را ببندد وقتی که هنوز در دستش باشد آن را فرو میبرد. و در آن روز به صباوت به جهت بقیه قوم خویش تاج جلال و افسر جمال خواهد بود. ۶ و روح انصاف برای آنانی که به داوری میشینند و قوت برای آنانی که جنگ را به دروازه ها برمی گردانند) و اهد بود.

ولکن اینان نیز از شراب گمراه شده اند و از مسکرات سرگشته گردیده اند. هم کاهن و هم نبی از مسکرات گمراه شده اند و از شراب بلعیده گردیده اند. از مسکرات سرگشته شده اند و در رویا گمراه گردیده اند و در داوری مبهوت گشته اند. ۸ زیرا که همه سفرها از قی و نجاست پر گردیده و جایی نمانده است. کدام را معرفت خواهد آموخت و اخبار را به که خواهد فهمانید؟ آیا نه آنانی را که از شیر باز داشته و از بیستانها گرفته شده اند؟

زیرا که حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون اینجا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود. زیرا که بالبهای الکن و زبان غریب باین قوم تکلم خواهد نمود.

۱۲ که به ایشان گفت: «احت همین است. پس خسته شدگان را مستریح سازید و آرامی همین است.» اما نخواستند که بشنوند.

۱۳ و کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم و حکم بر حکم، قانون بر قانون و قانون بر قانون اینجا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود تا بروند و به پشت افتاده، منکسر گردند و به دام افتاده، گرفتار شوند.

۱۴ بنابراین مردان استهزا کننده و ای حاکمان این قوم که در اورشلیمانند کلام خداوند را بشنوید.

۱۵ از آنجا که گفته اید باموت عهد بستیم و باها و یه همدستان شده ایم، پس چون تازیانه مهلک بگذرد به ما نخواهد رسید زیرا که دروغها را ملجای خود نمودیم و خویش را زیر مکر مستور ساختیم.

بنابر این خداوند یهوه چنین میگوید: «ینک در صهیون سنگ بنیادی نهادم یعنی سنگ آزموده و سنگ زاویهای گرانها و اساس محکم پس هر که ایمان آورد تعجیل نخواهد نمود.

۱۷ وانصاف را ریسمان میگردانم و عدالت را ترازو و تگرگ ملجای دروغ را خواهد رفت و آبها ستر را خواهد پرد.

۱۸ و عهد شما با موت باطل خواهد شد و میثاق شما باها ویه ثابت نخواهد ماند و چون تازیانه شدید بگذرد شما از آن پایمال خواهید شد.

۱۹ هر وقت که بگذرد شما را گرفتار خواهد ساخت زیرا که هر بامداد هم در روز و هم

در شب خواهد گذشت و فهمیدن اخبار باعث هیبت محض خواهد شد.»
زیرا که بستر کوتاه تراست از آنکه کسی بر آن دراز شود و لحاف تنگ تراست از آنکه کسی خویشتن را بپوشاند.

۲۱ زیرا خداوند چنانکه در کوه فراسیم) رد(خواهد برخاست و چنانکه در وادی جبعون (مود) خشمناک خواهد شد، تا کار خود یعنی کار عجیب خود را بجا آورد و عمل خویش یعنی عمل غریب خویش را به انجام رساند.

۲۲ پس الان استیزانماید مباد بندهای شما محکم گردد، زیرا هلاکت و تقدیری را که از جانب خداوند یهوه صبا یوت بر تمامی زمین میآید شنید هام.

گوش گیرید و آواز مرا بشنوید و متوجه شده، کلام مرا استماع نمائید.

۲۴ آیا برزگر، همه روز به جهت تخم پاشیدن شیار میکند و آیا همه وقت زمین خود را میشکافد و هموار مینماید؟

آیا بعد از آنکه رویش راهموار کرد گشنیز را نمی پاشد و زیره را نمی افشاند و گندم را در شیارها

و جو را در جای معین و ذرت را در حد و دش نمی گذارد؟

زیرا که خدایش او را به راستی میآموزد و او را تعلیم میدهد.

۲۷ چونکه گشنیز با گردون تیز کوبیده نمی شود و چرخ ارابه بر زیره گردانیده نمی گردد، بلکه گشنیز به عصا و زیره به چوب تکانیده میشود.

۲۸ گندم آرد می شود زیرا که آن را همیشه خرمن کوبی نمی کند و هر چند چرخ ارابه و اسبان خود را بر آن بگرداند آن را خرد نمی کند.

۲۹ این نیز از جانب یهوه صبا یوت که عجیب الرای و عظیم الحکمت است صادر میگردد.

- وای براریئیل! وای براریئیل! شهری که داود در آن خیمه زد. سال برسال مزید کنید و عیدها دورزنند.
- ۲ و من اریئیل رابه تنگی خواهانداخت و ماتم ونوحه گری خواهد بود و آن برای من مثل اریئیل خواهد بود.
- ۳ و بر توبه هر طرف اردوزده، تورابه بارها محاصره خواهم نمود و منجنیقها بر تو خواهم افراشت.
- ۴ و به زیر افکنده شده، از زمین تکلم خواهی نمود و کلام تو از میان غباریست خواهد گردید و آواز تو از زمین مثل آواز جن خواهد بود و زبان تو از میان غبار زمزم خواهد کرد.
- ۵ اما گروه دشمنانت مثل گرد نرم خواهند شد و گروه ستم کیشان مانند کاه که میگذرد و این بگفته در لحظهای واقع خواهد شد.
- ۶ و از جانب یهوه صباوت بارعد و زلزله و صوت عظیم و گردباد و طوفان و شعله آتش سوزنده از تو بر سش خواهد شد.
- ۷ و جمعیت تمام امت هابی که با اریئیل جنگ میکنند یعنی تمامی آنانی که بر او و بر قلعه وی مقاتله مینمایند و او را بتنگ میآورند مثل خواب و رویای شب خواهند شد.
- ۸ و مثل شخص گرسنه که خواب میبیند که آب مینوشد و چون بیدار شود شکم او تهی است. و جانش مشتی میباشد. همچنین تمامی جماعت امت هابی که با کوه صهیون جنگ میکنند خواهند شد.
- درنگ کنید و متحیر باشید و تمتع برید و کور باشید. ایشان مست میشوند لیکن نه از شراب و نوان میگردند اما نه از مسکرات.
- ۱۰ زیرا خداوند بر شمار و روح خواب سنگین را عارض گردانیده، چشمان شمار ابسته است. و انبیا و روسای شماعنی راثیان را محبوب کرده است.
- ۱۱ و تمامی رویا برای شما مثل کلام تو ما را مختوم گردیده است که آن رابه کسیکه خواندن می داند داده، میگویند: این را بخوان و او می گوید: نمی توانم چونکه مختوم است.
- ۱۲ و آن طومار رابه کسیکه خواندن نداند داده، میگویند این را بخوان و او میگوید خواندن

ثمی دانم.

و خداوند میگوید: «و نکه این قوم از دهان خود به من تقرب میجویند و به لبهای خویش
مرا تعجید مینمایند اما دل خود را از من دور کرده اند و ترس ایشان از من و صلبیتی است
که از انسان آموخته اند،
بنابر این اینک من بار دیگر باین قوم عمل عجیب و غریب بجا خواهم آورد و حکمت حکیمان
ایشان باطل و فهم فهیمان ایشان مستور خواهد شد.»

و ای برآنانی که مشورت خود را از خداوند بسیار عمیق پنهان میکنند و اعمال ایشان در تاریکی
میباشد و میگویند: «یست که ما را ببیند و کیست که ما را بشناسد؟»
ای زیر و زبر کنندگان هر چیز! آیا کوزه گر مثل گل محسوب شود یا مصنوع در باره صانع
خود گوید مرانساخته است و یا تصویر در باره مصورش گوید که فهم ندارد؟

آبادر اندک زمانی واقع نخواهد شد که لبنان به بوستان مبدل گردد و بوستان به جنگل
محسوب شود؟
و در آن روز کران کلام کتاب را خواهند شنید و چشمان کوران از میان ظلمت و تاریکی
خواهد دید.

۱۹ و حلیمان شادمانی خود را در خداوند مزید خواهند کرد و مسکینان مردمان در
قدوس اسرائیل وجد خواهند نمود.

۲۰ زیرا که ستمگران نابود و استهزا کنندگان معدوم خواهند شد و پیروان شرارت منقطع
خواهند گردید.

۲۱ که انسان را به سخنی مجرم میسازند و برای کسی که در محکمه حکم میکند دام میگسترانند
و عادل را به بطالت منحرف میسازند.

۲۲ بنابراین خداوند که ابراهیم را فدیه داده است در باره خاندان یعقوب چنین میگوید
که از این به بعد یعقوب نخل نخواهد شد و رنگ چهره هاش دیگر نخواهد پرید.

۲۳ بلکه چون فرزندان خود را که عمل دست من میباشد در میان خویش ببیند آنگاه
ایشان اسم مرا تقدیس خواهند نمود و قدوس یعقوب را تقدیس خواهند کرد و از خدای
اسرائیل خواهند رسید.

۲۴ و آنانی که روح گمراهی دارند فهم خواهند شد و متمردان تعلیم را خواهند آموخت.

وای بر پسران فتنه انگیز

خداوند میگوید که وای بر پسران فتنه انگیز که مشورت میکنند لیکن نه از من و عهد مینندند لیکن نه از روح من، تا نگاه را بر نگاه مزید نمایند.

۲ که برای فرود شدن به مصر عزیمت میکنند اما از دهان من سوال نمی نمایند و به قوت فرعون پناه میگیرند و به سایه مصر اعتماد دارند.

۳ لہذا قوت فرعون نجالت و اعتماد به سایه مصر رسوایی شما خواهد بود.

۴ زیرا که سروران او در صوعن هستند و ایلچیان وی به حانئیس رسید هاند.

۵ همگی ایشان از قومی که برای ایشان فایده ندارند نجل خواهند شد که نه معاونت و نه منفعتی بلکه نجالت و رسوایی نیز برای ایشان خواهند بود.

و حی درباره ہییموت جنوبی: از میان زمین تنگ و ضیق که از آنجا شیر ماده و اسد و افعی و مار آتشین پرندہ میآید. توانگری خویش را بر پشت الاغان و گنجهای خود برابر کوهان شتران نزدیک قومی که منفعت ندارند میبرند.

۷ چونکہ اعانت مصریان عبث و بیفایده است از این جهت ایشان را رهب الجلوس نامیدم.

۸ الان بیا و این را در نزد ایشان بر لوحی بنویس و بر طوماری مرقوم ساز تا برای ایام آینده تا ابد الابد بماند.

۹ زیرا کہ این قوم فتنه انگیز و پسران دروغگومی باشند. پس رانی کہ نمی خواهند شریعت خداوند را استماع نمایند.

۱۰ کہ بہ را بیان میگویند: رویت مکنید و بہ انبیا کہ برای ما بہ راستی نبوت ننمایید بلکه سخنان شیرین بہ ما گوید و بہ مکاید نبوت کنید.

۱۱ از را منحرف شوید و از طریق تجا و ز نمائید و قدوس اسرائیل را از نظر ماد و رسازید. بنابراین قدوس اسرائیل چنین میگوید: «ونکہ شما این کلام را ترک کردید و بر ظلم و فساد

اعتماد کرده، بر آن تکیہ نمودید،

از این جهت این نگاه برای شما مثل شکاف نزدیک به افتادن کہ درد یوار بلند پیش آمده باشد و خرابی آن در لحظهای بعثتہ پدید آید خواهد بود.

۱۴ و شکستگی آن مثل شکستگی کوزه کوزه‌گر خواهد بود که بیجا با خرد میشود بطوری که از پاره‌هایش پاره‌های به جهت گرفتن آتش از آتش‌دان یا برداشتن آب از حوض یافت نخواهد شد.»

زیرا خداوند یهوه قدوس اسرائیل چنین میگوید: «هائاب و آرامی نجات مییافتید و قوت شما از راحت و اعتماد مبیود، اما نخواستید.

۱۶ و گفتید: نی بلکه بر اسبان فراری کنیم، لهذا فرار خواهید کرد و بر اسبان تیزرو سوار میشویم لهذا تعاقب کنندگان شما تیزرو خواهند شد.

۱۷ هزار نفر از نهبیب یک نفر فرار خواهند کرد و شما از نهبیب پنج نفر خواهید گریخت تا مثل بیدق بر قله کوه و علم بر تلی باقی مانید.»

و از این سبب خداوند انتظار میکشد تا بر شماراقت نماید و از این سبب برمی خیزد تا بر شما ترحم فرماید چونکه یهوه خدای انصاف است. خوشبالحال همگانی که منتظروی باشند.

زیرا که قوم در صهیون در اورشلیم ساکن خواهند بود و هرگز گریه نخواهی کرد و به آواز فریادت بر تو ترحم خواهد کرد، و چون بشنود تورا اجابت خواهد نمود.

۲۰ و هر چند خداوند شمارا نان ضیق و آب مصیبت بدهد اما معلمانت باردیگر مخفی نخواهند شد بلکه چشمانت معلمان تورا خواهد دید.

۲۱ و گوشه‌هایت سخنی را از عقب تو خواهد شنید که میگوید: راه این است، در آن سلوک بنمناهمگی که به طرف راست یا چپ میگردد.

۲۲ و پوشش‌تهای ریخته نقره خویش را و ستر اصنام ترا شنیده طلای خود را نجس خواهید ساخت و آنها را مثل چیز نجس دور انداخته، به آن خواهی گفت: دور شو. و باران تخمت را که زمین خویش را به آن زرع میکنی و نان محصول زمینت را خواهد داد و آن پر مغز و فراوان خواهد شد و در آن زمان مواشی تو در مرتع وسیع خواهند چرید.

۲۴ و گاو و الاغانت که زمین را شیار مینمایند، آذوقه نمک دار را که باغربال و اوچوم پاک شده است خواهند خورد.

۲۵ و در روز کشتار عظیم که بر جهاد در آن خواهد افتاد نهرها و جویهای آب بر هر کوه

بلند و به هر تل مرتفع جاری خواهد شد.

۲۶ و در روزی که خداوند شکستگی قوم خود را ببندد و ضرب جراحت ایشان را شفا دهد و روشنایی ماه مثل روشنایی آفتاب و روشنایی آفتاب هفت چندان مثل روشنایی هفت روز خواهد بود.

اینک اسم خداوند از جای دور می آید، در غضب خود سوزنده و در ستون غلیظ و لبایش پراز خشم و زبانش مثل آتش سوزان است.

۲۸ و نفخه او مثل نهر سرشار تابه گردن میرسد تا آنکه امتهارابه غر بال مصیبت ببیزد و دهنه ضلالت را بر چانه قومها بگذارد.

۲۹ و شمار اسرودی خواهد بود مثل شب تقدیس نمودن عید و شادمانی دل مثل آنانی که روانه میشوند تابه آوازی به کوه خداوند نزد صخره اسرائیل بیایند.

۳۰ و خداوند جلال آواز خود را خواهد شنواید و فرود آوردن بازوی خود را با شدت غضب و شعله آتش سوزنده و طوفان و سیل و سنگهای تگرگ ظاهر خواهد ساخت.

۳۱ زیرا که آشور به آواز خداوند شکسته خواهد شد و او را با عصا خواهد زد.

۳۲ و هر ضرب عصای قضا که خداوند به وی خواهد آورد بادف و ربط خواهد بود و با جنگهای پر شورش با آن مقاتله خواهد نمود.

۳۳ زیرا که توفت از قبل مهیاشده و برای پادشاه آماده گردیده است. آن را عمیق و وسیع ساخته است که تودهاش آتش و هیزم بسیار است و نفخه خداوند مثل نهر کبریت آن را مشتعل خواهد ساخت.

وای بر متکیان بر مصر

وای بر آنانی که به جهت اعانت به مصر فرود آیند و بر اسبان تکیه نمایند و بر راهبها زانو که کثیرند و بر سواران زانو که بسیار قویاند توکل کنند اما بسوی قدوس اسرائیل نظر نکنند و خداوند را طلب نمایند.

۲ و او نیز حکیم است و بلا را می آورد و کلام خود را بر نخواهد گردانید و به ضد خاندان شریان و اعانت بدکاران خواهد برخاست.

۳ اما مصریان انسانند و نه خدا و اسبان ایشان جسدند و نه روح و خداوند دست خود

رادر از میکند و اعانت کننده را الغزان و اعانت کرده شده را افتان گردانیده هر دوی ایشان هلاک خواهند شد.

زیرا خداوند به من چنین گفته است چنانکه شیر و شیر ژیان بر شکار خود غرش مینماید هنگامی که گروه شبانان بروی جمع شوند و از صدای ایشان ترسیده از غوغای ایشان سرفروغی آورد همچنان یهوه صبا یوت نزول میفرماید تا برای کوه صهیون و تل آن مقاتله نماید.

۵ مثل مرغان که در طیران باشند همچنان یهوه صبا یوت اورشلیم را حمایت خواهد نمود و حمایت کرده، آن را رستگار خواهد ساخت و از آن در گذشته، خلاصی خواهد داد.

۷ ای بنی اسرائیل بسوی آن کس که بروی بینهایت عصیان ورزیده اید بازگشت نمائید. زیرا که در آن روز هر کدام از ایشان بتهای نقره و بتهای طلای خود را که دستهای شما آنها را به جهت نگاه خویش ساخته است ترک خواهند نمود.

۸ آنگاه آشور به شمشیری که از انسان نباشد خواهد افتاد و تیغی که از انسان نباشد او را هلاک خواهد ساخت و او از شمشیر خواهد گریخت و جوانانش خراج گذار خواهند شد.

۹ و صخره او از ترس زایل خواهد شد و سرورانش از علم مبهوت خواهند گردید. یهوه که آتش او در صهیون و کوره وی در اورشلیم است این را می گوید.

پادشاه عادل

اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد نمود و سروران به انصاف حکمرانی خواهند کرد.

۲ و مردی مثل پناه گاهی از باد و پوششی از طوفان خواهد بود. و مانند جویهای آب در جای خشک و سایه صخره عظیم در زمین تعب آورنده خواهد بود.

۳ و چشمان بینندگان تار نخواهد شد و گوشهای شنوندگان اصغا خواهد کرد.

۴ و دل شتابندگان معرفت را خواهد فهمید و زبان الکنان کلام فصیح را به ارتجال خواهد گفت.

۵ و مرد دلیم باریگر کریم خوانده نخواهد شد و مرد خسیس نجیب گفته نخواهد گردید.

۶ زیرا مرد دلیم به لامت متکلم خواهد شد و دلش شرارت را بعمل خواهد آورد تا نفاق

رابجا آورده، به ضد خداوند به ضلالت سخن گوید و جان گرسنگان راتهی کند و آب
تشنگان را دور نماید.

۷ آلات مردلیم نیز زشت است و تدابیر قبیح مینماید تا مسکینان را به سخنان دروغ هلاک

نماید، هنگامی که مسکینان به انصاف سخن میگویند.

۸ اما مردم در کیم تدبیرهای کریمانه مینماید و به کرم پایدار خواهد شد.

دختران ایمن اورشلیم

ای زنان مطمئن برخاسته، آواز مرا بشنوید و ای دختران ایمن سخن مرا گوش گیرید.

۱۰ ای دختران ایمن بعد از یک سال و چند روزی مضطرب خواهید شد زانرو که
چیدن انگور قطع میشود و جمع کردن میوهها نخواهد بود.

۱۱ ای زنان مطمئن بلرزید و ای دختران ایمن مضطرب شوید. لباس را کنده،
برهنه شوید و پلاس بر میان خود ببندید.

۱۲ برای مزرعه های دلپسند و موهای بارور سینه خواهند زد.

۱۳ بر زمین قوم من خار و خس خواهد روید بلکه بر همه خانه های شادمانی در شهر
مفتخر.

۱۴ زیرا که قصر منهدم و شهر معمور متروک خواهد شد و عوفل و دیده بانگاه به بیشهای

سبوع و محل تفرج خران وحشی و مرتع گلها تا به ابد مبدل خواهد شد.

تازمانی که روح از اعلی علین بر ما ریخته شود و بیابان به بوستان مبدل گردد و بوستان به
جنگل محسوب شود.

۱۶ آنگاه انصاف در بیابان ساکن خواهد شد و عدالت در بوستان مقیم خواهد گردید.

۱۷ و عمل عدالت سلامتی و نتیجه عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابد الابد.

۱۸ و قوم من در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزلهای آرامی ساکن خواهند
شد.

۱۹ و حین فرود آمدن جنگل تگرگ خواهد بارید و شهر به در که اسفل خواهد افتاد.

۲۰ خوشبحال شما که بر همه آنها تخم میکارید و بیاپهای گاو و الاغ را رام میسازید.

تنگی و اعانت

وای بر تو ای غارتگر که غارت نشدی وای خیانت کاری که با تو خیانت نورزیدند. هنگامی که غارت را به اتمام رسانیدی غارت خواهی شد و زمانی که از خیانت نمودن دست برداشتی به تو خیانت خواهند ورزید.

۲ ای خداوند بر ما ترحم فرما زیرا که منتظر تومی باشیم و هر بامداد بازوی ایشان باش و در زمان تنگی نیز نجات ما بشو.

۳ از آواز غوغا، قوم ها گریختند و چون خویشان را برافرازی امت ها پراکنده خواهند شد.

۴ و غارت شمارا جمع خواهند کرد بطوری که موران جمع مینمایند و بر آن خواهند جهید بطوری که ملخها میجهند.

خداوند متعال میباید زانو که در اعلی علین ساکن است و صهیون را از انصاف و عدالت مملو خواهد ساخت.

۶ و فراوانی نجات و حکمت و معرفت استقامت اوقات تو خواهد شد. و ترس خداوند خزینه او خواهد بود.

۷ اینک شجاعان ایشان در بیرون فریاد میکنند و رسولان سلامتی زار زار گریه مینمایند.

۸ شاهراهها و ایران میشود و راه گذریان تلف میگرددند. عهد را شکسته است و شهرها را خوار نموده، به مردمان اعتنا نکرده است.

۹ زمین ماتمگان کاهیده شده است و لبنان نخل گشته، تلف گردیده است و شارون مثل بیابان شده و باشان و کرمل بر گهای خود را ریخته اند.

خداوند میگوید که الان برمی خیزم و حال خود را برمی افرازم و اکنون متعال خواهم گردید.

۱۱ و شما از گاه حامله شده، خس خواهید زایید. و نفس شما آتشی است که شمارا خواهد سوزانید.

۱۲ و قومها مثل آهک سوخته و مانند خارهای قطع شده که از آتش مشتعل گردد خواهند شد.

ای شما که دور هستید آنچه را که کرده ام بشنوید و ای شما که نزدیک میباشید جبروت مرا بدانید.

۱۴ گاه کارانی که در صهیون اند می ترسند و لرزه منافقان را فرو گرفته است، می گویند:

کیست از ما که در آتش سوزنده ساکن خواهد شد و کیست از ما که در نارهای جاودانی ساکن خواهد گردید؟

اما آنکه به صداقت سالک باشد و به استقامت تکلم نماید و سود ظلم را خوار شمارد و دست خویش را از گرفتن رشوه بیفشاند و گوش خود را از اصغای خون ریزی ببندد و چشمان خود را از دیدن بدیها برهم کند،

او در مکان‌های بلند ساکن خواهد شد و ملجای او ملاذ صخره‌ها خواهد بود. نان او داده خواهد شد و آب او ایمن خواهد بود.

چشمانت پادشاه را در زیبا پیش خواهد دید و زمین بیبایان را خواهد نگر است. ۱۸ دل تو متذکر آن خوف خواهد شد (خواهی گفت: (جکاست نویسنده و جکاست وزن کننده) راج (و جکاست شمارنده بر جها.

۱۹ قوم ستم پیشه و قوم دشوار لغت را که نمی توانی شنید و الکن زبان را که نمی توانی فهمید بار دیگر نخواهی دید.

۲۰ صهیون شهر جشن مقدس ما را ملا حظه نما. و چشمانت اورشلیم مسکن سلامتی را خواهد دید یعنی خیمهای را که منتقل نشود و میخهایش کنده نگردد و هیچکدام از طنابهایش گسیخته نشود.

۲۱ بلکه در آنجا خداوند ذوالجلال برای ما مکان جویهای آب و نهرهای وسیع خواهد بود که در آن هیچ کشتی با پارو ها داخل نخواهد شد و سفینه بزرگ از آن عبور نخواهد کرد.

۲۲ زیرا خداوند داد اور ما است. خداوند شریعت دهنده ما است. خداوند پادشاه ما است پس ما را نجات خواهد داد.

۲۳ ریسمانهای تو سست بود که پایه دکل خود را نتوانست محکم نگاه دارد و بادبان را نتوانست بگشاید، آنگاه غارت بسیار تقسیم شد و لنگان غنیمت را بردند.

۲۴ لیکن ساکن آن نخواهد گفت که بیمار هستم و گناه قومی که در آن ساکن باشند آمرزیده خواهد شد.

ای امتها نزدیک آید تا بشنوید! وای قومها اصغا نمائید! جهان و پری آن بشنوند. ربع مسکون و هر چه از آن صادر باشد.

۲ زیرا که غضب خداوند بر تمامی امتها و خشم وی بر جمیع لشکرهای ایشان است پس ایشان را به هلاکت سپرده، بقتل تسلیم نموده است.

۳ و کشتگان ایشان دور افکنده میشوند و عفت و لا شهای ایشان برمی آید. و از خون ایشان کوهها گداخته میگردد.

۴ و تمامی لشکر آسمان از هم خواهند پاشید و آسمان مثل طومار پیچیده خواهد شد. و تمامی لشکر آن پژمرده خواهند گشت، بطوریکه برگ از موریزد و مثل میوه نارس از درخت انجیر.

۵ زیرا که شمشیر من در آسمان سیراب شده است. و اینک بر ادم و بر قوم مغضوب من برای داوری نازل میشود.

۶ شمشیر خداوند بر خون شده و از پیه فر به گردیده است یعنی از خون برهها و بزها و از پیه گرده قوچها. زیرا خداوند را در بصره قربانی است و ذبح عظیمی در زمین ادم.

۷ و گاو و وحشی با آنها خواهند افتاد و گوسالهها با گاوان نر. و زمین ایشان از خون سیراب شده، خاک ایشان از پیه فر به خواهد شد.

۸ زیرا خداوند را روز انتقام و سال عقوبت به جهت دعوی صهیون خواهد بود. و نهرهای آن به قیبر و غبار آن به کبریت مبدل خواهد شد و زمینش قیبر سوزنده خواهد گشت.

۱۰ شب و روز خاموش نشده، دودش تا به ابد خواهد برآمد. نسلا بعد نسل خراب خواهد ماند که کسی تا ابد الا باد در آن گذرنکند.

۱۱ بلکه مرغ سقا و خار پشت آن راتصرف خواهند کرد و بوم و غراب در آن ساکن خواهند شد و ریسمان خرابی و شاقول ویرانی را بر آن خواهد کشید.

۱۲ و از اشراف آن کسی در آنجا نخواهد بود که او را به پادشاهی بخوانند و جمیع روسایش نیست خواهند شد.

۱۳ و در قصر هایش خارا خواهد روید و در قلعه هایش خسک و شتر خار و مسکن

گرگ و خانه شتر مرغ خواهد شد.

۱۴ و وحوش بیابان باشغال خواهند بر خورد و غول به رفیق خود ندانند خواهد داد و عفریت نیز در آنجا ماوا گرفته، برای خود آرامگاهی خواهد یافت.

۱۵ در آنجا تیر مار آشیانه ساخته، تخم خواهد نهاد و بر آن نشسته، بچه های خود را زیر سایه خود جمع خواهد کرد و در آنجا کرکسها بایکدیگر جمع خواهند شد.

۱۶ از کتاب خداوند تفتیش نموده، مطالعه کنید. یکی از اینها گم نخواهد شد و یکی جفت خود را مفقود نخواهد یافت زیرا که دهان او این را امر فرموده و روح او اینها را جمع کرده است.

۱۷ و او برای آنها قرعه انداخته و دست او آن را به جهت آنها بار بسمان تقسیم نموده است. و تا باد الابد متصرف آن خواهند شد و نسل بعد نسل در آن سکونت خواهند داشت.

شادی فدیه شدگان

بیابان و زمین خشک شادمان خواهد شد و صحرا به وجد آمده، مثل گل سرخ خواهد شکفت.

۲ شکوفه بسیار نموده، با شادمانی و ترنم شادی خواهد کرد. شوکت لبنان و زیبایی کرمل و شارون به آن عطا خواهد شد. جلال یهوه و زیبایی خدای ما را مشاهده خواهند نمود.

۳ دستهای سست را قوی سازید و زنانوهای لرزنده را محکم گردانید.

۴ به دلهای خائف بگویند: قوی شوید و مترسید اینک خدای شما با انتقام میآید. او با عقوبت الهی میآید و شمار نجات خواهد داد.

آنگاه چشمان کوران باز خواهد شد و گوشهای کران مفتوح خواهد گردید.

۶ آنگاه لنگان مثل غزال جست و خیز خواهند نمود و زبان گنگ خواهد سراید. زیرا که آبها در بیابان و نهرها در صحرا خواهد جوشید.

۷ و سراب به برکه و مکانهای خشک به چشمه های آب مبدل خواهد گردید. در مسکنی که شغالها میخوانند علف و بوریا و نی خواهد بود.

۸ و در آنجا شاهراهی و طریقی خواهد بود و به طریق مقدس نامیده خواهد شد و نجسان

از آن عبور نخواهند کرد بلکه آن به جهت ایشان خواهد بود. و هر که در آن راه سالک شود اگر چه هم جاهل باشد گمراه نخواهد گردید.

۹ شیری در آن نخواهد بود و حیوان درنده‌های بر آن بر نخواهد آمد و در آنجا یافت نخواهد شد بلکه ناجیان بر آن سالک خواهند گشت.

۱۰ وفدیه شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود. و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد.

تهدید سنحاریب

و در سال چهاردهم حزقیایاد شاه واقع شد که سنحاریب پادشاه آشور بر تمامی شهرهای حصار دارد یهودا بر آمده، آنها را تسخیر نمود.

۲ و پادشاه آشور بشارتی را از لاکیش به اورشلیم نزد حزقیایاد شاه با موبک عظیم فرستاد و او نزد قنات بر که فوقانی به راه مزرعه گازرا ایستاد.

۳ و الیا قیم بن حلقیا که ناظر خانه بود و شب‌نای کاتب و یوآخ بن آساف و قابع نگار نزد وی بیرون آمدند.

۴ و بشارتی به ایشان گفت: «ه حزقیایا گویند سلطان عظیم پادشاه آشور چنین میگوید: این اعتماد شما که بر آن توکل مینمایید چیست؟

میگویم که مشورت و قوت جنگ سخنان باطل است. الان کیست که بر او توکل نمودهای که به من عاصی شده‌های؟

هان بر عصای این بی‌خرد شده یعنی بر مصر توکل مینمایی که اگر کسی بر آن تکیه کند به دستش فرورفته، آن را مجروح میسازد. همچنان است فرعون پادشاه مصر برای همگانی که بروی توکل نمایند.

۷ و اگر مرا گویی که بر یهوه خدای خود توکل داریم آیا او آن نیست که حزقیایا مکان‌های بلند و مذبح‌های او را برداشته است و به یهودا و اورشلیم گفته که پیش این مذبح سجده نمائید؟

پس حال با آقا قیم پادشاه آشور شرط ببند و من دو هزار اسب به تو میدهم اگر از جانب خود

سواران بر آنها توانی گذاشت.

۹ پس چگونه روی یک والی از کوچکترین بندگان آقایم را خواهی برگردانید و بر مصر به جهت اربابها و سواران تو کل داری؟

و آیا من الان بیادن یهوه بر این زمین به جهت خرابی آن برآمده‌ام؟ یهوه مرا گفته است بر این زمین برآی و آن را خراب کن.»

آنگاه ایقاهم و شبنا و یواخ به ربشاقی گفتند: «منا اینکه بایند گانت به زبان آرامی گفتگو نمایی زیرا آن را میفهمیم و با ما به زبان یهود در گوش مردمی که بر حصارند گفتگو منمائی.»

ربشاقی گفت: «یا آقایم مرا نزد آقایت و توفرسزاده است تا این سخنان را بگویم؟ مگر مرا نزد مردانی که بر حصار نشسته‌اند نفرستاده، تا ایشان با شما نجاست خود را بخورند و بول خود را بنوشند.»

پس ربشاقی بایستاد و به آواز بلند به زبان یهود صد اذده، گفت: «خنان سلطان عظیم پادشاه آشور را بشنوید.

۱۴ پادشاه چنین میگوید: حزقیاشمارا فریب ندهد زیرا که شمارائی تواند رهانید.

۱۵ و حزقیاشمارا بر یهوه مطمئن نسازد و نگوید که یهوه البته ما را خواهد رهانید و این شهر به دست پادشاه آشور تسلیم نخواهد شد.

۱۶ به حزقیاشمارا گوید که پادشاه آشور چنین میگوید: با من صلح کنید و نزد من بیرون آید تا هر کس از موخود و هر کس از انجیر خود بخورد و هر کس از آب چشمه خود بنوشد.

۱۷ تا یایم و شمارا به زمین مانند زمین خودتان بیاورم یعنی به زمین غله و شیر و زمین نان و تاکستانها.

۱۸ مبادا حزقیاشمارا فریب دهد و گوید یهوه ما را خواهد رهانید. آیا هیچکدام از خدایان امتها زمین خود را از دست پادشاه آشور رهانیده است؟

خدایان حما و ارفاد بجایند و خدایان سفر و ایم کجا و آیا سامره را از دست من رهانیده‌اند؟

از جمیع خدایان این زمینها کدامند که زمین خویش را از دست من نجات داد هاند تا یهوه اورشلم را از دست من نجات دهد؟»

اما ایشان سکوت نمود، به او هیچ جواب ندادند زیرا که پادشاه امر فرموده و گفته بود که اورا جواب ندهید.
 ۲۲ پس الیا قیم بن حلقیا که ناظر خانه بود و شبناهی کاتب و یوآخ بن آساف وقایع نگار با جامه دریده نزد حزقیآ آمدند و سخنانش را به او بازگفتند.

پیشگویی نجات اورشلیم

و واقع شد که چون حزقیآ پادشاه این را شنید لباس خود را چاک زده و پلاس پوشیده، به خانه خداوند داخل شد.

۲ و الیا قیم ناظر خانه و شبناهی کاتب و مشایخ کهنه را ملبس به پلاس نزد اشعیا بن آموص نبی فرستاد.

۳ و به وی گفتند: «ز قیآ چنین میگوید که امر و زوزرتگی و تادیب و اهانت است زیرا که پسران بقم رحم رسید هاند و قوت زایدن نیست.

۴ شاید یهوه خدایت سخنانش را که آقایش پادشاه آشور او را برای اهانت نمودن خدای حی فرستاده است بشنود و سخنانش را که یهوه خدایت شنیده است تو بیخ نماید. پس برای بقیهای که یافت میشوند تضرع نما.»

و بندگان حزقیآ پادشاه نزد اشعیا آمدند.

۶ و اشعیا به ایشان گفت: «هآقای خود چنین گویند که یهوه چنین میفرماید: از سخنانش که شنیدی که بندگان پادشاه آشور مرابد آنها کفر گفته اند مترس.

۷ همانا روحی براو میفرستم که خبری شنیده، به ولایت خود خواهد برگشت و او را در ولایت خودش به شمشیر هلاک خواهیم ساخت.»

پس ریشاقی مراجعت کرده، پادشاه آشور را یافت که بالبنه جنگ میکرد زیرا شنیده بود که از لاکیش کوچ کرده است.

۹ و او در باره ترهاقه پادشاه کوش خبری شنید که به جهت مقاتله با تو بیرون آمده است. پس چون این را شنید (از یلچیان نزد حزقیآ فرستاده، گفت:

«حزقیآ پادشاه یهودا چنین گویند: خدای تو که به او توکل مینمایی تو را فریب ندهد

و نگویید که اورشلیم به دست پادشاه آشور تسلیم نخواهد شد.
 ۱۱ اینک توشنیدهای که پادشاهان آشور با همه ولایتها چه کرده و چگونه آنها را بالکل
 هلاک ساختند و آیات تورهایی خواهی یافت؟
 و آیا خدایان امت‌هایی که پدران من آنها را هلاک ساختند مثل جوزان و حاران و رصف
 و بنی‌عدن که در تلسار می‌باشند ایشان را نجات دادند.
 ۱۳ پادشاه حمات نجاست و پادشاه ارفاد و پادشاه شهر سفر و ایم و هینع و عوا؟»

دعای حزقیایا

و حزقیایا مکتوب را از دست ایلچیان گرفته، آن را خواند و حزقیایا به خانه خداوند درآمد،
 آن را به حضور خداوند پهن کرد.
 ۱۵ و حزقیایا نزد خداوند دعا کرده، گفت:
 «ای یهوه صبیوت خدای اسرائیل که بر کرویایان جلوس مینمایی! تویی که بتنهایی بر تمامی
 ممالک جهان خدا هستی و تو آسمان و زمین را آفریده‌ای.
 ۱۷ ای خداوند گوش خود را فرا گرفته، بشنو و ای خداوند چشمان خود را گشوده،
 بین و همه سخنان سنحاریب را که به جهت اهانت نمودن خدای حی فرستاده است استماع
 نما!
 ای خداوند راست است که پادشاهان آشور همه ممالک و زمین ایشان را خراب کرده.
 ۱۹ و خدایان ایشان را به آتش انداختند زیرا که خدا نبودند بلکه ساخته دست انسان
 از چوب و سنگ. پس به این سبب آنها را تپاه ساختند.
 ۲۰ پس حالای یهوه خدای ما ما را از دست اورهایی ده تا جمیع ممالک جهان بدانند
 که تو تنها یهوه هستی.»

پس اشعیا بن‌آموص نزد حزقیایا فرستاده، گفت: «هوه خدای اسرائیل چنین می‌گوید:
 چونکه در باره سنحاریب پادشاه آشور نزد من دعا نمودی،
 کلامی که خداوند در بارهاش گفته این است: آن باکره دختر صهیون تو را حقیر شمرده،
 استهزا نموده است و دختر اورشلیم سر خود را به تو جنبانیده است.
 ۲۳ کیست که اورا اهانت کرده، کفر گفته‌ای و کیست که بروی آواز بلند کرده،
 چشمان خود را به علین افراشته‌ای؟ مگر قدوس اسرائیل نیست؟
 به واسطه بندگانت خداوند را اهانت کرده، گفته‌ای به کثرت اربابه‌های خود بر بلندی

کوهها و به اطراف لبنان برآمد هام و بلندترین سروهای آزادش و بهترین صنوبرهایش راقطع نموده، به بلندی اقصایش و به درختستان بوستانش داخل شد هام.

۲۵ و من حفرة زده، آب نوشیدم و به کف پای خود تمامی نهرهای مصر را خشک خواهم کرد.

«یانشیدهای که من این را از زمان سلف کردهام و از ایام قدیم صورت دادهام و الان آن را به وقوع آورد هام تا توبه ظهور آمده و شهرهای حصاردار را خراب نموده به توده های ویران مبدل سازی.

۲۷ از این جهت ساکنان آنها کم قوت بوده، ترسان و نجمل شدند. مثل علف صحرا و گیاه سبز و علف پشت بام و مثل مزرعه قبل از نمو کردنش گردیدند.

۲۸ اما من نشستن تورا و خروج و دخولت و خشمی را که به من داری میدانم.

۲۹ چونکه خشمی که به من داری و غرورت و توبه گوش من برآمده است. بنابراین مهار خود را به بینی تو و لگام خود را به لبهایت گذاشته، تورا به راهی که آمده های بر خواهم گردانید.

۳۰ و علامت برای تو این خواهد بود که امسال غله خود رو خواهید خورد و دو سال دوم آنچه از آن بروید و در سال سوم بکارید و بدروید و تا کستانها غرس نموده، میوه آنها را بخورید. ۳۱ و بقیهای که از خاندان یهودارستگار شوند بار دیگر به پایین ریشه خواهند زد و به بالا میوه خواهند آورد.

۳۲ زیرا که بقیهای از اورشلیم و رستگاران از کوه صهیون بیرون خواهند آمد. غیرت یهوه صباوت این را بجا خواهد آورد.

۳۳ بنابراین خداوند در باره پادشاه آشور چنین میگوید که به این شهر داخل نخواهد شد و به اینجا تیر نخواهد انداخت و در مقابلش با سپر نخواهد آمد و من جنیق در پیش او بر نخواهد افراشت.

۳۴ به راهی که آمده است به همان بر خواهد گشت و به این شهر داخل نخواهد شد. خداوند این را میگوید.

۳۵ زیرا که این شهر را حمایت کرده، به خاطر خود و به خاطر بنده خویش داود آن را نجات

خواهم داد.»

پس فرشته خداوند بیرون آمده، صد و هشتاد و پنج هزار نفر از اردوی آشور را زد و با مدادان چون برخاستند اینک جمیع آنها را شهای مرده بودند.

۳۷ و سنحاریب پادشاه آشور کوچ کرده، روانه گردید و برگشته در نینوی ساکن شد.

۳۸ و واقع شد که چون او در خانه خدای خویش نسروک عبادت میکرد، پسرانش ادرملک و شرآصر او را به شمشیر زدند و ایشان به زمین ارا را طفرار کردند و پسرش آسرحدون به جایش سلطنت نمود.

بیماری حزقیای

در آن ایام حزقیای بیمار و مشرف به موت شد و اشعیا بن آموص نبی نزد وی آمده، او را گفت:

«داوند چنین میگوید: تدارک خانه خود را ببین زیرا که میمیری و زنده نخواهی ماند.»

آنگاه حزقیای روی خود را بسوی دیوار برگردانیده، نزد خداوند دعا نمود،

و گفت: «ای خداوند مستدعی اینکه بیاد آوری که چگونه به حضور توبه امانت و به دل کامل سلوک نمودهام و آنچه در نظر تو پسند بوده است بجای آوردهام.» پس حزقیای از زار بگریست.

۴ و کلام خداوند بر اشعیانازل شده، گفت:

«رویه حزقیای بگو بهوه خدای پدرت داود چنین میگوید: دعای تو را شنیدم و اشکهایت

را دیدم. اینک من بر روزهای تو یا نزده سال افزودم.

۶ و تو را و این شهر را از دست پادشاه آشور خواهیم رهانید و این شهر را حمایت خواهم نمود.

۷ و علامت از جانب خداوند که خداوند این کلام را که گفته است بجای خواهد آورد این است:

اینک سایه در جاتی که از آفتاب بر ساعت آفتابی آحاز پایین رفته است ده درجه به عقب

برمی گردانم.» پس آفتاب از در جاتی که بر ساعت آفتابی پایین رفته بود، ده درجه برگشت.

مکتوب حزقیای پادشاه یهودا وقتی که بیمار شد و از بیماریش شفایافت:

من گفتم: «ینک در فیروزی ایام خود به درهای هاویه میروم و از بقیه سالهای خود محروم

میشوم.

۱۱ گفتم: خداوند را مشاهده نمی نمایم. خداوند را در زمین زندگان نخواهم دید. من با ساکنان عالم فنا انسان را دیگر نخواهم دید.

۱۲ خانه من کنده گردید و مثل خیمه شبان از من برده شد. مثل نساج عمر خود را پیچیدم. او مرا از نورد خواهد برید. روز و شب مرا تمام خواهی کرد.

۱۳ تا صبح انتظار کشیدم. مثل شیر همچنین تمامی استخوانهایم را می شکند. روز و شب مرا تمام خواهی کرد.

۱۴ مثل پرستوک که جیک جیک میکند صدایم نمایم. و مانند فاخته ناله می کنم و چشماتم از نگرستن به بالا ضعیف میشود. ای خداوند در تنگی هستم کفیل من باش.

«ه بگویم چونکه او به من گفته است و خود او کرده است. تمامی سالهای خود را به سبب تلخی جانم آهسته خواهم رفت.

۱۶ ای خداوند به این چیزها مردمان زیست میکنند و به اینها و بس حیات روح من می باشد. پس مرا شفا بده و مرا زنده نگاه دار.

۱۷ اینک تلخی سخت من باعث سلامتی من شد. از راه لطف جانم را از چاه هلاکت برآوردی زیرا که تمامی نگاهانم را به پشت سر خود انداختی.

۱۸ زیرا که هاویه تورا حمد نمی گوید و موت تورا تسبیح نمی خواند. و آنانی که به حفره فرو می روند به امانت تو امیدوار نمی باشند.

۱۹ زندگانند، زندگانند که تورا حمد می گویند، چنانکه من امروز می گویم. پدران به پسران راستی تورا تعلیم خواهند داد.

۲۰ خداوند به جهت نجات من حاضر است، پس سرودهایم را در تمامی روزهای عمر خود در خانه خداوند خواهیم سرآید.»

و اشعیا گفته بود که قرصی از انجیر بگیرد و آن را بر دمل بنهد که شفا خواهد یافت.

۲۲ و حقیقا گفته بود علامتی که به خانه خداوند برخواهم آمد چیست؟

فرستادگان بابل

در آن زمان مرودک بلدان بن بلدان پادشاه بابل مکتوبی و هدیه‌های نزد حزقیافرستاد زیراشنیده بود که بیمار شده و صحت یافته است.

۲ و حزقیاء از ایشان مسرور شده، خانه خزاین خود را از نقره و طلا و عطریات و روغن معطر و تمام خانه اسلحه خویش و هر چه را که در خزاین او یافت میشد به ایشان نشان داد و در خانه‌اش و در تمامی مملکتش چیزی نبود که حزقیاء آن را به ایشان نشان نداد.

۳ پس اشعیا بنی نزد حزقیاء پادشاه آمده، وی را گفت: «این مردمان چه گفتند و نزد تو از کجا آمدند؟» حزقیاء گفت: «ز جای دور یعنی از بابل نزد من آمدند.»

او گفت: «رخانه توجه دیدند؟» حزقیاء گفت: «رچه در خانه من است دیدند و چیزی در خزاین من نیست که به ایشان نشان ندادم.»

پس اشعیا به حزقیاء گفت: «لام یهوه صبیوت را بشنو: اینک روزها می‌آید که هر چه در خانه تو است و آنچه پدران تو تا امروز ذخیره کرده‌اند به بابل برده خواهد شد. و خداوند می‌گوید که چیزی از آنها باقی نخواهد ماند.

۷ و بعضی از پسران تو را که از تو پیدا آیند و ایشان را تولید نمایی خواهند گرفت و در قصر پادشاه بابل خواجهر خواهند شد.»

حزقیاء به اشعیا گفت: «لام خداوند که گفتی نیکو است و دیگر گفت: هر آینه در ایام من سلامتی و امان خواهد بود.»

تسلی برای قوم خدا

تسلی دهید! قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می‌گوید:

سخنان دلاویز به اورشلیم گوید و او را ندا کنید که اجتهاد او تمام شده و گاه وی آمرزیده گردیده، و از دست خداوند برای تمامی گناهانش دوچندان یافته است.

۳ صدای ندا کنندهای در بیابان، راه خداوند را می‌سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمائید.

۴ هر درهای برافراشته و هر کوه و تلی پست خواهد شد. و کجیها راست و ناهمواریها هموار خواهد گردید.

- ۵ و جلال خداوند مکشوف گشته، تمامی بشر آن را با هم خواهند دید زیرا که دهان خداوند این را گفته است.
- ۶ هاتقی میگوید: «داکن.» وی گفت: «ه چیزانداکنم؟ تمامی بشر گناه است و همگی زیباپیش مثل گل صحرا.
- ۷ گیاه خشک و گلش پژمرده میشود زیرا نفعه خداوند بر آن دیده میشود. البته مردمان گیاه هستند.
- ۸ گیاه خشک شد و گل پژمرده گردید، لیکن کلام خدای ماتا ابدالابا استوار خواهد ماند.»
- ای صهیون که بشارت میدهی به کوه بلند برای! وای اورشلیم که بشارت میدهی آوازت را با قوت بلند کن! آن را بلند کن و مترس و به شهرهای یهودا بگو که «ان خدای شماست!» اینک خداوند یهوه با قوت میآید و بازوی وی برایش حکمرانی مینماید. اینک اجرت او با وی است و عقوبت وی پیش روی او میآید.
- ۱۱ او مثل شبان گله خود را خواهد چرانید و به بازوی خود بر چهار جمع کرده، به آغوش خویش خواهد گرفت و شیر دهندگان را به ملایمت رهبری خواهد کرد.
- ۱۲ کیست که آهارا به کف دست خود پیوده و افلاک را با واجب اندازه کرده و غبار زمین را در کیل گنجانیده و کوهها را به قیان و تلها را به تراز و وزن نموده است؟ کیست که روح خداوند را قانون داده یا مشیر او بوده و او را تعلیم داده باشد.
- ۱۴ آواز که مشورت خواست تا به او فهم بخشد و طریق راستی را به او بیاموزد؟ و کیست که او را معرفت آموخت و راه فطانت را به او تعلیم داد؟
- اینک امتهام مثل قطره دل و مانند غبار میزان شمرده میشوند. اینک جزیرهها را مثل گرد برمی دارد.
- ۱۶ ولبنان به جهت هیزم کافی نیست و حیواناتش برای قربانی سوختنی کفایت نمی کند.
- ۱۷ تمامی امتهاب نظری هیچند و از عدم و بطلت نزد وی کمتر می نمایند.
- ۱۸ پس خدا را به که تشبیه میکنید و کدام شبهه را با او برابر میتوانید کرد؟ صنعتگر بت را میریزد و زرگران را به طلا میپوشاند، و زنجیرهای نقره برایش میریزد.

۲۰ کسیکه استطاعت چنین هدایا نداشته باشد درختی را که نمی‌پوسد اختیار میکند و صنعتگر ماهر را می‌طلبد تا بتی را که متحرک نشود برای او بسازد.

آیندا نسته و نشنید هاید و از ابتدا به شما خبر داده نشده است و از بنیاد زمین نفهمید هاید؟ او است که بر کره زمین نشسته است و ساکنانش مثل ملخ میباشند. او است که آسمانها را مثل پرده میگستراند و آنها را مثل خیمه به جهت سکونت پهن میکند.

۲۳ که امیران را لاشی میگرداند و او را ن جهان را مانند بطالت میسازد.

۲۴ هنوز غرس نشده و کاشته نگردید هاند و تنه آنها هنوز در زمین ریشه نزده است، که فقط بر آنها امید مد و پشمرده میشوند و گرد باد آنها را مثل گاه میر باید. پس مرابه که تشبیه میکنید تا با وی مساوی باشم؟ قدوس میگوید:

چشمان خود را به علین برافراشته ببینید. کیست که اینها را آفرید و کیست که لشکر اینها را بشماره بیرون آورده، جمیع آنها را بنام میخواند؟ از کثرت قوت و از عظمت توانایی وی یکی از آنها گم نخواهد شد.

۲۷ ای یعقوب چرا فکر میکنی و ای اسرائیل چرا میگوی: «اه من از خداوند مخفی است و خدای من انصاف مرا از دست داده است.»

آیندا نسته و نشنید های که خدای سرمدی یهوه آفریننده اقصای زمین در مانده و خسته نمی شود و فهم او را تفحص نتوان کرد؟

ضعیفان را قوت میبخشد و ناتوانان را قدرت زیاد عطا مینماید.

۳۰ حتی جوانان هم در مانده و خسته میگردند و شجاعان بکلی میافتند.

۳۱ اما آنانی که منتظر خداوند میباشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و در مانده نخواهند گردید.

مدد کار اسرائیل

ای جزیره‌ها به حضور من خاموش شوید! و قبیله‌ها قوت تازه بهم رسانند! نزدیک بیایند
آنگاه تکلم نمایند. با هم به محاکمه نزدیک بیاییم.

۲ کیست که کسی را از مشرق برانگیخت که عدالت او را نزد پایهای وی میخواند؟

امتهار به وی تسلیم میکنند و او را بر پادشاهان مسلط میگردانند. ایشان را مثل غبار به شمشیر وی و مثل کاه که پراکنده میگردد به کمان وی تسلیم خواهد نمود.

۳ ایشان را تعاقب نموده، به راهی که با پایهای خود نرفته بود بسلامتی خواهد گذشت.
۴ کیست که این را عمل نموده و بجا آورده، و طبقات را از ابتدا دعوت نموده است؟
من که بیوه و اول و با آخرین میباشم من هستم.

۵ جزیرهها دیدند و ترسیدند و اقصای زمین بلرزدند و تقرب جستند، آمدند.

۶ هر کس همسایه خود را اعانت کرد و به برادر خود گفت: قویدل باش.

۷ نجار زرگر و آنکه با چکش صیقل میکند سندان زننده را تقویت مینماید و در باره لحیم میگوید: که خوب است و آن را به میخها محکم میسازد تا متحرک نشود.

اماتوای اسرائیل بنده من وای یعقوب که تو را برگزیدهام وای ذریت دوست من ابراهیم!
که تو را از اقصای زمین گرفته، تو را از کرانه هایش خواندهام و به تو گفتهام تو بنده من هستی، تو را برگزیدم و ترک ننمودم.

۱۰ مترس زیرا که من با تو هستم و مشوش مشوزیران من خدای تو هستم. تو را تقویت

خواهم نمود و البته تو را معاونت خواهم داد و تو را به دست راست عدالت خود دستگیری خواهم کرد.

۱۱ اینک همه آنانی که بر تو خشم دارند نخل و رسوا خواهند شد و آنانی که با تو معارضه نمایند ناچیز شده، هلاک خواهند گردید.

۱۲ آنانی را که با تو مجادله نمایند جستجو کرده، نخواستی یافت و آنانی که با تو جنگ کنند نیست و نابود خواهند شد.

۱۳ زیران که بیوه خدای تو هستم دست راست تو را گرفته، به تو میگویم: مترس زیرا من تو را نصرت خواهم داد.

۱۴ ای کرم یعقوب و شرمه اسرائیل مترس زیرا خداوند و قدوس اسرائیل که ولی تومی باشد میگوید: من تو را نصرت خواهم داد.

۱۵ اینک تو را گردون تیز نودندانه دار خواهم ساخت و کوهها را پامال کرده، خرد

خواهی نمود و تهارا مثل گاه خواهی ساخت.

۱۶ آنها را خواهی افشاند و باد آنها را برداشته، گرد باد آنها را پراکنده خواهد ساخت، لیکن تو از خداوند شادمان خواهی شد و به قدوس اسرائیل نخر خواهی نمود. فقیران و مسکینان آب را میجویند و نمی یابند و زبان ایشان از تشنگی خشک میشود. من که بیوه هستم ایشان را اجابت خواهم نمود. خدای اسرائیل هستم ایشان را ترک نخواهم کرد.

۱۸ بر تلهای خشک نهرها و در میان وادیها چشمهها جاری خواهم نمود. و بیابان را به برکه آب و زمین خشک را به چشمه های آب مبدل خواهم ساخت.

۱۹ در بیابان سرو آزاد و شطیم و آس و درخت زیتون را خواهم گذاشت و در صحرا صنوبر و کاج و چنار را باهم غرس خواهم نمود.

۲۰ تا ببینند و بدانند و تفکر نموده، باهم تأمل نمایند که دست خداوند این را کرده و قدوس اسرائیل این را ایجاد نموده است.

۲۱ خداوند میگوید: دعوی خود را پیش آورید و پادشاه یعقوب میگوید: براهین قوی خویش را عرضه دارید.

۲۲ آنچه را که واقع خواهد شد نزدیک آورده، برای ما اعلام نمایند. چیزهای پیشین را و کیفیت آنها را بیان کنید تا تفکر نموده، آخر آنها را بدانیم یا چیزهای آینده را به ما بشنوانید.

۲۳ و چیزها را که بعد از این واقع خواهد شد بیان کنید تا بدانیم که شما خدا یانید. باری نیکوئی یابدی را بجای آورید تا ملتفت شده، باهم ملا حظة نماییم.

۲۴ اینک شما نا چیز هستید و عمل شما هیچ است و هر که شمارا اختیار کند رجس است. کسی را از شمال برانگیختم و او خواهد آمد و کسی را از مشرق آفتاب که اسم مرا خواهد خواند و او بر سروران مثل برگل خواهد آمد و مانند کوزهگری که گل را پامال میکند.

۲۶ کیست که از ابتدا خبر داد تا بدانیم و از قبل تا بگویم که او راست است. البته خبر دهندهای نیست و اعلام کنندهای نی و کسی هم نیست که سخنان شمارا بشنود.

۲۷ اول به صهیون گفتم که اینک هان این چیزها) واهد رسید(وبه اورشلیم بشارت دهندهای بخشیدم.

۲۸ ونگریستم وکسی یافت نشدودر میان ایشان نیز مشورت دهندهای نبود که چون ازایشان سوال نمایم جواب تواند داد.

۲۹ اینک جمیع ایشان باطلندواعمال ایشان هیچ است وبتهای ریخته شده ایشان بادو بطلت است.

بنده خداوند

اینک بنده من که اورادستگیری نمودم وبرگزیده من که جانم از او خوشنوداست، من روح خود را براومینم تا انصاف را برای امتها صادر سازد.

۲ او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوهها نخواهد شنواید.

۳ نی خرد شده را نخواهد شکست وفتیله ضعیف را خاموش نخواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند.

۴ او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیرهها منتظر شریعت او باشند.

۵ خدایهوه که آسمانها را آفرید و آنها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آتانی که در آن سالکند میدهد چنین میگوید:

«ن که یهوه هستم تو را به عدالت خواندهام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امتها خواهم گردانید.

۷ تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری.

۸ من یهوه هستم و اسم من همین است. و جلال خود را به کسی دیگر وستایش خویش را به بتهای تراشیده نخواهم داد.

۹ اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای نواعلام میگویم و قبل از آنکه بوجود آید شمارا از آنها خبر میدهم.»

سرود ستایش

ای شما که به دریا فرود می‌روید و ای آنچه در آن است! ای جزیره‌ها و ساکنان آنها سرود نورا به خداوند و ستایش وی را از اقصای زمین بسرایید!
صحرای شهرهایش و قریه‌هایی که اهل قیدار در آنها ساکن باشند آواز خود را بلند نمایند و ساکنان سالع ترنم نموده، از قلعه کوه‌ها نعره زنند!

برای خداوند جلال را توصیف نمایند و تسبیح او را در جزیره‌ها بخوانند!

خداوند مثل جبار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی‌انگیزاند. فریاد کرده، نعره خواهد زد و بردشمنان خویش غلبه خواهد نمود.

۱۴ از زمان قدیم خاموش و ساکت مانده، خودداری نمودم. الان مثل زنی که میزاید نعره خواهیم زد و دم‌زده‌آه خواهیم کشید.

۱۵ کوه‌ها و تل‌ها را خراب کرده، تمامی گیاه‌ها را خشک خواهیم ساخت و نهرها را جزایر خواهیم گردانید و بر کوه‌ها را خشک خواهیم ساخت.

۱۶ و کوران را به راهی که ندانست‌ها ندره‌بری نموده، ایشان را به طریق‌هایی که عارف نیستند هدایت خواهیم نمود. ظلمت را پیش ایشان به نور و کجی را به راستی مبدل خواهیم ساخت. این کارها را بجا آورده، ایشان را رها نخواهم نمود.

۱۷ آنانی که بر تپه‌های تراشیده اعتماد دارند و به اصنام ریخته شده می‌گویند که خدایان ما شما بید به عقب برگردانیده، بسیار نجل خواهند شد.

کوری و کوری اسرائیل

ای کران بشنوید و ای کوران نظر کنید تا ببینید.

۱۹ کیست که مثل بنده من کور باشد و کیست که کور باشد مثل رسول من که می‌فرستم؟

چیزهای بسیار می‌بینی اما نگاه نمی‌داری. گوش‌ها را می‌گشاید لیکن خود نمی‌شنود.

۲۱ خداوند را به خاطر عدل خود پسند آمد که شریعت خویش را تعظیم و تکریم نماید.

۲۲ لیکن اینان قوم غارت و تاراج شده‌اند و جمیع ایشان در حفره‌ها صید شده و در زندان‌ها مخفی

گردیده‌اند. ایشان غارت شده و رهاننده‌های نیست. تاراج گشته و کسی نمی

گوید که بازده.

۲۳ کیست در میان شما که به این گوش دهد و توجه نموده، برای زمان آینده بشنود.

۲۴ کیست که یعقوب رابه تاراج و اسرائیل رابه غارت تسلیم نمود؟ آیا خداوند نبود که به او نگاه ورزیدیم چونکه ایشان به راههای او نخواستند سلوک نمایند و شریعت او را اطاعت نمودند.

۲۵ بنابراین حدت غضب خود و شدت جنگ را بر ایشان ریخت و آن ایشان را از هر طرف مشتعل ساخت و ندانستند و ایشان را سوزانید اما تفکر ننمودند.

خداوند، نجاتدهنده اسرائیل

والان خداوند که آفریننده توای یعقوب، و صانع توای اسرائیل است چنین میگوید:

«ترس زیرا که من تو را فدیہ دادم و تو را به سمت خواندم پس تو از آن من هستی.

۲ چون از آبه‌بگذری من با تو خواهم بود و چون از نهرها) بور نمایی (تو را فرو نخواهند گرفت. و چون از میان آتش روی، سوخته نخواهی شد و شعلهاش تو را نخواهد سوزانید.

۳ زیرا من یهوه خدای تو و قدوس اسرائیل نجاتدهنده تو هستم. مصر را فدیہ تو ساختم و حبش و سبأ را به عوض تو دادم.

۴ چونکه در نظر من گرانها و مکرم بودی و من تو را دوست میداشتم پس مردمان را به عوض تو و طوایف را در عوض جان تو تسلیم خواهم نمود.

۵ متس زیرا که من با تو هستم و ذریت تو را از مشرق خواهم آورد و تو را از مغرب جمع خواهم نمود.

۶ به شمال خواهم گفت که بده و به جنوب که ممانعت مکن پسران مرا از جای دور و دخترانم را از کرانه‌های زمین بیاور.

۷ یعنی هر که رابه اسم من نامیده شود و او را به جهت جلال خویش آفریده و او را مصور نموده و ساخته باشم.»

قومی را که چشم دارند اما کور هستند و گوش دارند اما کر می باشند بیرون آور.

۹ جمیع امتها با هم جمع شوند و قبیلها فراهم آیند پس در میان آنها کیست که از این خبر دهد و امورا اولین رابه ما اعلام نماید. شهود خود را بیاورند تا تصدیق شوند یا استماع

نموده، اقرار میکنند که این راست است.

۱۰ یهوه میگوید که «ما و بنده من که او را برگزیده‌ام شهود من میباشید. تا دانسته، به من ایمان آورید و بفهمید که من او هستم و پیش از من خدایی مصور نشده و بعد از من هم نخواهد شد.

۱۱ من، من یهوه هستم و غیر از من نجات‌دهنده‌های نیست.

۱۲ من اخبار نموده و نجات داد‌هام و اعلام نموده و در میان شما خدای غیر نبوده‌ام. خداوند میگوید که شما شهود من هستید و من خدا هستم.

۱۳ و از مر و زیز من او میباشم و کسی که از دست من تواند رهانید نیست. من عمل خواهم نمود و کیست که آن را رد نماید؟»

خداوند که ولی شما و قدوس اسرائیل است چنین میگوید: «خاطر شما به بابل فرستادم و همه ایشان را مثل فراریان فرود خواهم آورد و کلدانیان را نیز در کشتی‌های وجد ایشان. ۱۵ من خداوند قدوس شما هستم. آفریننده اسرائیل و پادشاه شما.»

خداوند که راهی در دریا و طریقی در آب‌های عظیم میسازد چنین میگوید:

«نکه ارا بهها و اسبها و لشکر و قوت آن را بیرون می‌آورد، ایشان با هم خواهند خوابید و نخواهند برخاست و منطفی شده، مثل فتیله خاموش خواهند شد.

۱۸ چیزهای اولین را بیاد نیاورید و در امور قدیم تفکر ننمایید.

۱۹ اینک من چیز نوبی بوجود می‌آورم و آن الان بظهور می‌آید. آیا آن را نخواهید دانست؟ بدرستی که راهی در بیابان و نهر هادرها مون قرار خواهم داد.

۲۰ حیوانات صحرا اگر گان و شتر مرغها را تعجید خواهند نمود چونکه آب در بیابان و نهر هادر صحرا بوجود می‌آورد و تا قوم خود و برگزیدگان خویش را سیراب نمایم.

۲۱ این قوم را برای خود ایجاد کردم تا تسبیح مرا بخوانند.

۲۲ اما توای یعقوب مرا بخواندی و توای اسرائیل از من به تنگ آمدی!

گوسفندان قربانی‌های سوختنی خود را برای من نیاوردی و به ذبایح خود مرا اتکریم نمودی! به هدایا بندگی بر تو نهادم و به بخورتورابه تنگ نیاوردم.

- ۲۴ فی معطر رابه جهت من به نقره نخریدی و به پیه ذبایح خویش مرا سیرن ساختی . بلکه
به گاهان خود بر من بندگی نهادی و به خطایای خویش مرا به تنگ آوردی .
- ۲۵ من هستم من که بخاطر خود خطایای تو را محو ساختم و گاهان تو را بپاد نخواهم آورد .
- ۲۶ مرا یاد بده تا با هم محاکمه نمایم . حجت خود را بیاور تا تصدیق شوی .
- ۲۷ اجداد اولین تو گناه ورزیدند و واسطه های توبه من عاصی شدند .
- ۲۸ بنابراین من سروران قدس را بپا احترام خواهم ساخت و یعقوب رابه لعنت و اسرائیل
رابه دشنام تسلیم خواهم نمود .

اسرائیل ، برگزیده خدا

- اما الانای بنده من یعقوب بشنو و ای اسرائیل که تو را برگزیده ام !
خداوند که تو را آفریده و تو را از رحم بر شست و معاون تو می باشد چنین می گوید : ای بنده
من یعقوب مترس ! و ای یسرون که تو را برگزیده ام !
اینک بر (مین) (تشنه آب) خواهم ریخت و نهرها بر خشک . روح خود را بر ذریت تو
خواهم ریخت و برکت خویش را بر اولاد تو .
- ۴ و ایشان در میان سبزه ها ، مثل درختان بید بر جویهای آب خواهند روید .
- ۵ یکی خواهد گفت که من از آن خداوند هستم و دیگری خویشترن رابه نام یعقوب خواهد خواند
و دیگری بدست خود برای خداوند خواهد نوشت و خویشترن رابه نام اسرائیل ملقب
خواهد ساخت .

بطلت بتها

- خداوند پادشاه اسرائیل و یهوه صبا یوت که ولی ایشان است چنین می گوید : من اول هستم
و من آخر هستم و غیر از من خدایی نیست .
- ۷ و مثل من کیست که آن را اعلان کند و بیان نماید و آن را ترتیب دهد ، از زمانی که
قوم قدیم را برقرار نمودم . پس چیزهای آینده و آنچه را که واقع خواهد شد اعلان
بنمایند .
- ۸ ترسان و هراسان مباشید . آیا از زمان قدیم تو را اخبار و اعلام نمودم و آیا شما شهود

من نیستید؟ آیا غیر از من خدایی هست؟ البته صخره‌های نیست واحدی را نمی شناسم.»
 آنانی که بت‌های تراشیده میسازند جمع باطلند و چیزهایی که ایشان میپسندند فایده‌های
 ندارد و شهود ایشان نمی بینند و نمی دانند تا بحالت بکشند.

۱۰ کیست که خدایی ساخته یا بتی ریخته باشد که نفعی ندارد؟

اینک جمع یاران او نخل خواهند شد و صنعتگران از انسان میباشند. پس جمع
 ایشان جمع شده، بایستند تا با هم ترسان و نخل گردند.

آهن را با تیشه می تراشد و آن را در زغال کار میکند و با چکش صورت میدهد و با قوت
 بازوی خویش آن را میسازد و نیز گرسنه شده، بی‌قوت میگردد و آب ننوشیده، ضعف
 بهم میرساند.

۱۳ چوب را می تراشد و ریسمان را کشیده، با قلم آن را نشان میکند و بارنده آن را صاف
 میسازد و با پرگار نشان میکند پس آن را به شبیه انسان و به جمال آدمی میسازد تا در خانه
 ساکن شود.

۱۴ سروهای آزاد برای خود قطع میکند و سندیان و بلوط را گرفته، آنها را از درختان
 جنگل برای خود اختیار میکند و شمشاد را غرس نموده، باران آن را نمو میدهد.

۱۵ پس برای شخص به جهت سوخت بکاری آید و از آن گرفته، خود را گرم میکند و
 آن را فروخته نان میپزد و خدایی ساخته، آن را می پرستد و از آن بتی ساخته، پیش آن سجده
 میکند.

۱۶ بعضی از آن را در آتش میسوزاند و بر بعضی گوشت پخته میخورد و کباب را برشته
 کرده، سیر میشود و گرم شده، میگوید: «وہ گرم شده، آتش را دیدم.»

۱۷ و از بقیه آن خدایی یعنی بت خویش را میسازد و پیش آن سجده کرده، عبادت میکند
 و نزد آن دعا نموده، میگوید: «مر انجات بده چونکه تو خدای من هستی.»

۱۸ ایشان نمی دانند و نمی فهمند زیرا که چشمان ایشان را بسته است تا نبینند و دل ایشان
 را تا تعقل ننمایند.

۱۹ و تفکر نموده، معرفت و فطانتی ندارند تا بگویند نصف آن را در آتش سوختیم و بر
 زغالش نیز نان پختیم و گوشت را کباب کرده، خوردیم پس آیا از بقیه آن بتی بسازیم و به

تنه درخت سجده نمایم؟

خاکستر را خوراکی خود می سازد و دل فریب خورده او را گمراه می کند که جان خود را نتواند در هانید و فکرنمی نماید که آیا در دست راست من دروغ نیست.

«ای یعقوب و ای اسرائیل اینهارا بیاد آور چونکه توبنده من هستی. تو را سر شتمای اسرائیل توبنده من هستی از من فراموش نخواهی شد.

۲۲ تقصیرهای تو را مثل ابر غلیظ و گاهانت را مانند ابر محو ساختم. پس نزد من بازگشت نمازیرا تو را فدیة کرده ام.

۲۳ ای آسمانها ترنم نماید زیرا که خداوند این را کرده است! و ای اسفلهای زمین! فریاد بر آورید و ای کوهها و جنگلگاهها و هر درختی که در آنها باشد بسرایید! زیرا خداوند یعقوب را فدیة کرده است و خویشانش را در اسرائیل تحمید خواهد نمود.»

خداوند که ولی تو است و تو را از رحم سرشته است چنین میگوید: من یهوه هستم و همه چیز را ساختم. آسمانها را به تنهایی گسترانیدم و زمین را پهن کردم و یامن که بود.

۲۵ آنکه آیات کاذب را باطل می سازد و جادوگران را احق میگرداند. و حکیمان را بعقب برمی گرداند و علم ایشان را به جهالت تبدیل می کند.

۲۶ که سخنان بندگان خود را برقرار میدارد و مشورت رسولان خویش را به انجام میرساند، که در باره اورشلیم میگوید معمور خواهد شد و در باره شهرهای یهودا که بنا خواهد شد و خرابی های آن را برپا خواهد داشت.

۲۷ آنکه به لجه میگوید که خشک شو و نهر هایت را خشک خواهم ساخت.

۲۸ و در باره کورش میگوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید و در باره اورشلیم میگوید بنا خواهد شد و در باره هیکل که بنیاد تو نهاده خواهد گشت.»

خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتم تا به حضوری امتهارا مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درهارا به حضوری مفتوح نمایم

- و دروازه‌ها دیگر بسته نشود چنین میگوید
 که «ن پیش روی تو خواهم خرامید و جایهای ناهموار را هموار خواهم ساخت. و درهای
 برنجین را شکسته، پشت بندهای آهنین را خواهم برید.
- ۳ و گنجهای ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانی که من یهوه که تو را به
 اسمت خوانده‌ام خدای اسرائیل میباشم.
- ۴ به خاطر بنده خود بعبقوب و برگزیده خویش اسرائیل، هنگامی که مرا شناختی تو
 را به اسمت خواندم و ملقب ساختم.
- ۵ من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی. من کمر تو را بستم هنگامی که
 مرا شناختی.
- ۶ تا از مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوای من احدی نیست. من یهوه هستم
 و دیگری نی.
- ۷ پدید آورنده نور و آفریننده ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده بدی. من یهوه
 صانع همه این چیزها هستم.
- ۸ ای آسمانها از بالا ببارانید تا افلاک عدالت را فروریزد و زمین بشکافد تا نجات و عدالت
 نمود کنند و آنها را با هم برویانند زیرا که من یهوه این را آفریده‌ام.
- ۹ وای بر کسیکه با صانع خود چون سفالی با سفالهای زمین مخاصمه نماید. آیا کوزه به
 کوزه گر بگوید چه چیز را ساختی؟ یا مصنوع تو در باره تو بگوید که او دست ندارد؟
 وای بر کسیکه به پدر خود گوید: چه چیز را تولید نمودی و به زن که چه زایدی.
- ۱۱ خداوند که قدوس اسرائیل و صانع آن میباشد چنین میگوید: در باره امور آینده
 از من سوال ننمایید و پسران مرا و اعمال دستهای مرا به من تفویض ننمایید.
- ۱۲ من زمین را ساختم و انسان را بر آن آفریدم. دستهای من آسمانها را گسترانیدم و من
 تمامی لشکرهای آنها را امر فرمودم.
- ۱۳ من او را به عدالت برانگیختم و تمامی راههایش را راست خواهم ساخت. شهر
 مرا بنا کرده، اسیرانم را آزاد خواهد نمود، امانه برای قیمت و نه برای هدیه. یهوه

صبا یوت این را می گوید.»

خداوند چنین میگوید: «اصل مصر و تجارت حبش و اهل سبا که مردان بلند قدمی باشند نزد تو عبور نموده، از آن تو خواهند بود. و تابع تو شده در زنجیرها خواهند آمد و پیش تو خم شده و نزد تو التماس نموده، خواهند گفت: البته خدا در تو است و دیگری نیست و خدایی نی.»

ای خدای اسرائیل و نجاتدهنده یقین خدایی هستی که خود را پنهان میکنی.

۱۶ جمیع ایشان نخل و رسوا خواهند شد و آنانی که بتها میسازند با هم به رسوایی خواهند رفت.

۱۷ اما اسرائیل به نجات جاودانی از خداوند ناجی خواهند شد و تا ابد الا باد نخل و رسوا نخواهند گردید.

۱۸ زیرایهوه آفریننده آسمان که خدا است که زمین را سرشت و ساخت و آن را استوار نمود و آن را عبث نیافرید بلکه به جهت سکونت مصور نمود چنین میگوید: «نیهوه هستم و دیگری نیست.»

۱۹ در خفا و در جایی از زمین تاریک تکلم نمودم. و به ذریه یعقوب نگفتم که مرا

عبث بطلبید. من یهوه به عدالت سخن میگویم و چیزهای راست را اعلان مینمایم.

۲۰ ای رهاسدگان از امتها جمع شده، بیایید و با هم نزدیک شوید. آنانی که خوب

بتهای خود را برمی دارند و نزد خدایی که نتواند رهانید دعاهای منماید معرفت ندارند.

۲۱ پس اعلان نموده، ایشان را نزدیک آورید تا با یکدیگر مشورت نمایند. کیست

که این را از ایام قدیم اعلان نموده و از زمان سلف اخبار کرده است؟ آیانه من که یهوه هستم و غیر از من خدایی دیگر نیست؟ خدای عادل و نجاتدهنده و سوای من نیست.

۲۲ ای جمیع کرانه های زمین به من توجه نمایند و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست.

۲۳ به ذات خود قسم خوردم و این کلام به عدالت از دهانم صادر گشته بر نخواهد گشت

که هر زانو پیش من خم خواهد شد و هر زبان به من قسم خواهد خورد.

۲۴ و مرا خواهند گفت عدالت و قوت فقط در خداوند میباشد «و بسوی او خواهند

آمد و همگانی که به او خشمنا کند نجل خواهند گردید. و تمامی ذریت اسرائیل در خداوند عادل شمرده شده، نخر خواهند کرد.

خدایان بابل

بیل خم شده و نیو منحنی گردیده بت‌های آنها بر حیوانات و بهایم نهاده شد. آنها بی که شمار می داشتید حمل گشته و بار حیوانات ضعیف شده است.

۲ آنها جمیع منحنی و خم شده، آن بار را نمی توانند رها نید بلکه خود آنها به اسیری میروند.

۳ ای خاندان یعقوب و تمامی بقیه خاندان اسرائیل که از بطن بر من حمل شده و از رحم برداشته من بود هاید!

و تابه پیری شما من همان هستم و تابه شیخوخیت من شما را خواهم برداشت. من آفریدم و من بر خواهم داشت و من حمل کرده، خواهم رها نید.

۵ مرا با که شبیه و مساوی میسازید و مرا با که مقابل مینمایید تا مشابه شویم؟

آنانی که طلا را از کیسه می‌ریزند و نقره را به میزان می‌سنجند، زرگری را اجیر میکنند تا خدایی از آن بسازد پس سجده کرده، عبادت نیز مینمایند.

۷ آن را بردوش برداشته، می‌برند و به جایش می‌گذارند و اومی ایستد و از جای خود حرکت نمی‌تواند کرد. نزد او استغاثه هم مینمایند اما جواب نمی‌دهد و ایشان را از تنگی ایشان نتواند رها نید.

این را بیاد آورید و مردانه بکوشید. وای عاصیان آن را در دل خود تفکر نمایید! چیزهای اول را از زمان قدیم به یاد آورید. زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست. خدا هستم و نظیر من نی.

۱۰ آخر از ابتدا آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان میکنم و میگویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را بجا خواهم آورد.

۱۱ مرغ شکاری را از مشرق و هم مشورت خویش را از جای دور میخوانم. من گفتم و البته بجا خواهم آورد و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهم رسانید.

۱۲ ای سختدلان که از عدالت دور هستید مرا بشنوید.

۱۳ عدالت خود را نزدیک آوردم و دور نمی باشد و نجات من تاخیر نخواهد نمود و نجات رابه جهت اسرائیل که جلال من است در صهیون خواهم گذاشت.

نابودی بابل

ای باکره دختر بابل فرود شده، بر خاک بنشین و ای دختر کلدانیان بر زمین بیکرسی بنشین زیرا تو را دیگر نازنین و لطیف نخواهند خوانند.

۲ دستاس را گرفته، آرد را خرد کن. نقاب را برداشته، دامنت را بر کش و ساقها را برهنه کرده، از نهرها عبور کن.

۳ عورت تو کشف شده، رسوایی تو ظاهر خواهد شد. من انتقام کشیده، بر احدی شفقت نخواهم نمود.

۴ و اما نجات دهنده ما اسم او یهوه صبا یوت و قدوس اسرائیل می باشد.

۵ ای دختر کلدانیان خاموش بنشین و به ظلمت داخل شو زیرا که دیگر تو را ملکه ممالک نخواهند خوانند.

۶ بر قوم خود خشم نموده و میراث خویش را بچرمت کرده، ایشان را به دست تو تسلیم نمودم. بر ایشان رحمت نکرده، یوغ خود را بر پیران بسیار سنگین ساختی.

۷ و گفتی تا به ابد ملکه خواهم بود. و این چیزها را در دل خود جان دادی و عاقبت آنها را به یاد نیاوردی.

پس الانای که در عشرت بسر میبری و در اطمینان ساکن هستی این را بشنو. ای که در دل خود میگوئی من هستم و غیر از من دیگری نیست و یهوه نخواهم شد و بیاولادی را نخواهم دانست.

۹ پس این دو چیز یعنی بیاولادی و بیوگی بگفته در یکروزه تو عارض خواهد شد و با وجود کثرت بخت تو و افراط افسونگری زیاد تو آنها بشدت بر تو استیلا خواهد یافت.

۱۰ زیرا که بر شرارت خود اعتماد نموده، گفتی کسی نیست که مرا ببندد. و حکمت و علم تو، تو را گمراه ساخت و در دل خود گفتی: من هستم و غیر از من دیگری نیست.

۱۱ پس بلایی که افسون آن را نخواهی دانست بر تو عارض خواهد شد و مصیبتی که به دفع آن قادر نخواهی شد تو را فرو خواهد گرفت و هلاکتی که ندانسته ای ناگهان بر تو

استیلا خواهد یافت.

۱۲ پس در افسونگری خود و کثرت سحر خویش که در آنها از طفولیت مشقت کشیده‌های قائم‌باش شاید که منفعت‌توانی برد و شاید که غالب‌توانی شد.

۱۳ از فراوانی مشورت‌های خسته شده‌های پس تقسیم کنندگان افلاک و رصدبندان کواکب و آنانی که در غره ماهها اخبار میدهند بایستند و تور از آنچه بر تو واقع شدنی است نجات دهند.

۱۴ اینک مثل کاهن شده، آتش ایشان را خواهد سوزانید که خویشتن را از سورت زبانه آن نخواهند رهانید و آن اخگری که خود را نزد آن گرم سازند و آتشی که در برابرش بنشینند نخواهد بود.

۱۵ آنانی که از ایشان مشقت کشیدی برای تو چنین خواهند شد و آنانی که از طفولیت با تو تجارت میکردند هر کس بجای خود آواره خواهد گردید و کسیکه تور را هبایی دهد نخواهد بود.

سختدلی اسرائیل

ای خاندان یعقوب که به نام اسرائیل مسمی هستید و از آب یهودا صادر شده‌اید، و به اسم یهوه قسم میخورید و خدای اسرائیل را ذکر مینمایید، امانه به صداقت و راستی، این را بشنوید.

۲ زیرا که خویشتن را از شهر مقدس میخوانند و برخدای اسرائیل که اسمش یهوه صبا یوت است اعتماد میدارند.

۳ چیزهای اول را از قدیم اخبار کردم و از دهان من صادر شده، آنها را اعلام نمودم بخته به عمل آوردم و واقع شد.

۴ چونکه دانستم که تو سخت دل هستی و گردنت بند آهنین و پیشانی تو برنجین است.

۵ بنابراین تو را از قدیم مخبر ساختم و قبل از وقوع تو را اعلام نمودم. مباد ابگویی که بت من آنها را بجا آورده و بت ترا شنیده و صنم ریخته شده من آنها را امر فرموده است.

۶ چونکه همه این چیزها را شنیدی آنها را ملاحظه نما. پس آیا شما اعتراف نخواهید کرد، و از این زمان چیزهای تازه را به شما اعلام نمودم و چیزهای مخفی را که ندانسته بودید.

- ۷ در این زمان ونه در ایام قدیم آنها آفریده شد و قبل از امروز آنها را نشنیده بودی مبادا بگویی اینک این چیزها را میدانستم.
- ۸ البته نشنیده و هر آینه ندانسته و البته گوش تو قبل از این باز نشده بود. زیرا میدانستم که بسیار خیا تنکار هستی و از رحم (عاصی خوانده شدی).
- ۹ به خاطر اسم خود غضب خویش را به تاخیر خواهانداخت و به خاطر جلال خویش بر تو شفقت خواهم کرد تا تو را منقطع نسازم.
- ۱۰ اینک تو را قال گذاشتم امانه مثل نقره و تو را در کوره مصیبت آزمودم.
- ۱۱ به خاطر ذات خود، به خاطر ذات خود این را می گم زیرا که اسم من چرا باید بجز حرمت شود و جلال خویش را به دیگری نخواهم داد.

آزادی اسرائیل

- ای یعقوب و ای دعوت شده من اسرائیل بشنو! من او هستم! من اول هستم و آخر هستم! به تحقیق دست من بنیاد زمین را نهاد و دست راست من آسمانها را گسترانید. وقتی که آنها را می خوانم با هم برقرار میباشند.
- ۱۴ پس همگی شما جمع شده، بشنوید کیست از ایشان که اینها را اخبار کرده باشد. خداوند اورادوست میدارد، پس مسرت خود را بر بابل بجا خواهد آورد و بازوی او بر کلدانیان فرود خواهد آمد.
- ۱۵ من تکلم نمودم و من او را خواندم و او را آوردم تا راه خود را کامران سازد.
- ۱۶ به من نزدیک شده، این را بشنوید. از ابتدا در خفا تکلم نمودم و از زمانی که این واقع شد من در آنجا هستم و الان خداوند یهوه مرا و روح خود را فرستاده است.
- ۱۷ خداوند که ولی تو و قدوس اسرائیل است چنین میگوید: «نیهوه خدای تو هستم و تو را تعلیم میدهم تا سود ببری و تو را به راهی که باید بروی هدایت مینمایم.
- ۱۸ کاش که به او امر من گوش میدادی، آنگاه سلامتی تو مثل نهر و عدالت تو مانند امواج دریا میبود.

۱۹ آنگاه ذریت تو مثل ریگ و ثمره صلب تو مانند ذرات آن میبود و نام او از حضور من منقطع و هلاک نمی گردید.»

از بابل بیرون شده، از میان کلدانیان بگریزد و این راه آواز ترنم اخبار و اعلام نماید و آن را تا اقصای زمین شایع ساخته، بگویند که خداوند بنده خود یعقوب را فدیه داده است.

۲۱ و تشنه نخواهند شد اگر چه ایشان را در ویرانه هار هبری نماید، زیرا که آب از صخره برای ایشان جاری خواهد ساخت و صخره را خواهد شکافت تا آبها بجوشد.

۲۲ و خداوند میگوید که برای شیران سلامتی نخواهد بود.

بنده و خادم خداوند

ای جزیره ها از من بشنوید! وای طوایف از جای دور گوش دهید! خداوند مرا از رحم دعوت کرده و از احشای مادرم اسم مرا ذکر نموده است.

۲ و دهان مرا مثل شمشیر تیز ساخته، مرا زیر سایه دست خود پنهان کرده است. و مرا تیر صیقلی ساخته در ترکش خود مخفی نموده است.

۳ و مرا گفت: ای اسرائیل تو بنده من هستی که از تو خویشتن را تجید نموده ام!

اما من گفتم که عبث زحمت کشیدم و قوت خود را بیفایده و باطل صرف کردم لیکن حق من با خداوند و اجرت من با خدای من میباشد.

۵ و الان خداوند که مرا از رحم برای بندگی خویش سرشت تا یعقوب را نزد او باز آورم و تا اسرائیل نزد وی جمع شوند میگوید) در نظر خداوند محترم هستم و خدای من قوت من است.)

□ پس میگوید: این چیز قلیلی است که بنده من بشوی تا اسباط یعقوب را برپا کنی و ناجیان اسرائیل را باز آوری. بلکه تو را نور امتها خواهیم گردانید و تا اقصای زمین نجات من خواهی بود.

۷ خداوند که ولی و قدوس اسرائیل میباشد به او که نزد مردم محقر و زدامت ها مگروه و بنده ها کمان است چنین میگوید: پادشاهان دیده بر پا خواهند شد و سروران بنجده خواهند نمود، به سبب خداوند که امین است و قدوس اسرائیل که تو را برگزیده است.

تفقد از اسرائیل

خداوند چنین میگوید: «رزمان رضامندی تو را اجابت نمودم و در روز نجات تو را اعانت کردم. و تو را حفظ نموده عهد قوم خواهم ساخت تا زمین را معمور سازی و نصیب های خراب شده را (ه ایشان) تقسیم نمایی.

۹ و به اسیران بگویی: بیرون روید و به آنانی که در ظلمتند خویشتن را ظاهر سازید. و ایشان در راهها خواهند چرید و مرتعهای ایشان بر همه صحراهای کوهی خواهد بود. ۱۰ گرسنه و تشنه نخواهند بود و حرارت و آفتاب به ایشان ضرر نخواهد رسانید زیرا آنکه بر ایشان ترحم دارد ایشان را هدایت خواهد کرد و نزد چشمه های آب ایشان را رهبری خواهد نمود.

۱۱ و تمامی کوههای خود را طریقها خواهم ساخت و راههای من بلند خواهد شد. ۱۲ اینک بعضی از جای دور خواهند آمد و بعضی از شمال و از مغرب و بعضی از دیار سینیم.»

ای آسمانها ترنم کنید! وای زمین و جد نما! وای کوهها آواز شادمانی دهید! زیرا خداوند قوم خود را تسلی میدهد و بر مظلومان خود ترحم میفرماید.

اما صهیون میگوید: «هوه مرا ترک نموده و خداوند مرا فراموش کرده است.»
آیا زن بچه شیر خواره خود را فراموش کرده بر سر رحم خویش ترحم نماید؟ اینان فراموش میکنند اما من تو را فراموش نخواهم نمود.

۱۶ اینک تو را بر کف دستهای خود نقش نمودم و حصارهایت دائم در نظر من است.

۱۷ پسرانت به تعجیل خواهند آمد و آنانی که تو را خراب و ویران کردند از تو بیرون خواهند رفت.

۱۸ چشمان خود را به هر طرف بلند کرده، بین جمیع اینها جمع شده، نزد تو می آیند. خداوند میگوید: «ه حیات خودم قسم که خود را به جمیع اینها مثل زیور ملبس خواهی ساخت و مثل عروس خویشتن را به آنها خواهی آراست.

۱۹ زیرا خرابهها و ویرانه های تو و زمین تو که تباه شده بود، اما الان تو از کثرت ساکنان تنگ خواهی شد و هلاک کنندگان تو دور خواهند گردید.

۲۰ پسران تو که بیاولاد میبودی در سمع تو (ه یکدیگر) واهند گفت: این مکان برای من

تنگ است، مراجایی بده تا ساکن شوم.

۲۱ و تو در دل خود خواهی گفت: کیست که اینها برای من زاییده است و حال آنکه من بیا و لا و نازاد و جلای وطن و متروک میبودم. پس کیست که اینها را پرورش داد. اینک من به تنهایی ترک شده بودم پس اینها کجا بودند؟»

خداوند یهوه چنین میگوید: «اینک من دست خود را بسوی امت هادراز خواهم کرد و علم خویش را بسوی قوم ها خواهم برافراشت. و ایشان پسرانت را در آغوش خود خواهند آورد و دخترانت بر دوش ایشان برداشته خواهند شد.

۲۳ و پادشاهان لالاها میگویند تو و ملکه های ایشان دایه های تو خواهند بود و نزد تو روبه زمین افتاده، خاک پای تو را خواهند لیسید و تو خواهی دانست که من یهوه هستم و آنانی که منتظر من باشند نجل نخواهند گردید.

آیا غنیمت از جبار گرفته شود یا اسیران از مرد قاهر رهانیده گردند.

۲۵ زیرا خداوند چنین میگوید: «سیران نیز از جبار گرفته خواهند شد و غنیمت از دست ستم پیشه رهانیده خواهد گردید. زیرا که من باد شمنان تو مقاومت خواهم نمود و من پسران تو را نجات خواهم داد.

۲۶ و به آنانی که بر تو ظلم نمایند گوشت خودشان را خواهم خورانید و به خون خود مثل شراب مست خواهند شد و تمامی بشر خواهند دانست که من یهوه نجات دهنده تو و ولی تو و قدیر یعقوب هستم.»

گاه اسرائیل و خادم مطیع

خداوند چنین میگوید: «لاق نامه مادر شما که او را طلاق دادم کجاست؟ یا کیست از طلبکاران من که شمارا به او فروختم؟ اینک شما به سبب گناهان خود فروخته شدید و مادر شما به جهت تقصیرهای شما طلاق داده شد.

۲ چون آمدم چرا کسی نبود؟ و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟ آیا دست من به هیچ وجه کوتاه شده که نتواند نجات دهد یا در من قدرتی نیست که رهایی دهم؟ اینک به عتاب خود در یار اخشک میکنم و نهرها را بیابان میسازم که ماهی آنها از بیآبی متعفن

شود و از تشنگی بمیرد.

۳ آسمان را به ظلمت ملبس میسازم و پلاس را پوشش آن میگردانم.»

خداوند یهوه ز بان تلا میذرابه من داده است تا بدانم که چگونه خستگان را به کلام تقویت دهم. هر بامداد بیدار می‌کند. گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل تلا می‌باشم.

۵ خداوند یهوه گوش مرا گشود و مخالفت نکردم و به عقب برنگشتم.

۶ پشت خود را به زندگان و رخسار خود را به موکان دادم و روی خود را از رسوایی و آب دهان پنهان نکردم.

۷ چونکه خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند پس رسوا نخواهم شد از این جهت روی خود را مثل سنگ خارا ساختم و می‌دانم که نجمل نخواهم گردید.

۸ آنکه مرا تصدیق می‌کند نزدیک است. پس کیست که با من مخاصمه نماید تا با هم بایستیم و کیست که بر من دعوی نماید پس او نزدیک من بیاید.

۹ اینک خداوند یهوه مرا اعانت می‌کند پس کیست مرا ملزم سازد. همانا همگی ایشان مثل رخت مندرس شده، بید ایشان را خواهد خورد.

کیست از شما که از خداوند می‌ترسد و آواز بنده او را می‌شنود؟ هر که در ظلمت سالک باشد و روشنائی ندارد، او به اسم یهوه توکل نماید و به خدای خویش اعتماد بکند.

۱۱ هان جمیع شما که آتش می‌افروزید و کمر خود را به مشعلها میبندید، در روشنائی آتش

خویش و در مشعلهایی که خود افروختاید سالک باشید، اما این از دست من به شما خواهد رسید که در اندوه خواهید خوابید.

نجات قوم خدا

ای پیروان عدالت و طالبان خداوند مرا بشنوید! به صخره‌های که از آن قطع گشته و به حفره چاهی که از آن کنده شده‌اید نظر کنید.

۲ به پدر خود ابراهیم و به ساره که شمار از ایند نظر نماید زیرا او یک نفر بود حینی که او را دعوت نمودم و او را برکت داده، کثیر گردانیدم.

۳ به تحقیق خداوند صهیون را تسلی داده، تمامی خرابه‌هایش را تسلی بخشیده است و

بیابان اور امثل عدن و هامون اور مانند جنت خداوند ساخته است. خوشی و شادی در آن یافت میشود و تسبیح و آواز ترنم.

ای قوم من به من توجه نماید و ای طایفه من به من گوش دهید. زیرا که شریعت از نزد من صادر می شود و داوری خود را برقرار میکنم تا قوم ها را روشنائی بشود.

۵ عدالت من نزدیک است و نجات من ظاهر شده، بازوی من قومها را داوری خواهد نمود و جزیرهها منتظر من شده، به بازوی من اعتماد خواهند کرد.

۶ چشمان خود را بسوی آسمان برافرازید و پایین بسوی زمین نظر کنید زیرا که آسمان مثل دود از هم خواهد پاشید و زمین مثل جامه مندرس خواهد گردید و ساکنانش همچین خواهند مرد اما نجات من تا به ابد خواهد ماند و عدالت من زایل نخواهد گردید.

ای شما که عدالت را میشناسید! و ای قومی که شریعت من در دل شماست! مرا بشنوید. از مذمت مردمان مترسید و از دشنام ایشان هراسان مشوید.

۸ زیرا که پیدایشان را مثل جامه خواهد زد و کرم ایشان را مثل پشم خواهد خورد اما عدالت من تا ابد الابد و نجات من نسلا بعد نسل باقی خواهد ماند.

۹ بیدار شوای بازوی خداوند بیدار شو و خویشتن را با قوت ملبس ساز. مثل ایام قدیم و دوره های سلف بیدار شو. آیاتو آن نیستی که رهبر را قطع نموده، از دها را مجروح ساختی.

۱۰ آیاتو آن نیستی که دریا و آبهای لجه عظیم را خشک کردی و عمق های دریا را راه ساختی تا فدیة شدگان عبور نمایند؟

و فدیة شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد. من هشتم، من که شمار اتسلی میدهم. پس تو کیستی که از انسانی که میمیرد میترسی و از پسر آدم که مثل گیاه خواهد گردید.

۱۳ و خداوند را که آفریننده تو است که آسمانها را گسترانید و بنیاد زمین را نهاد فراموش کردهای و دائم تمامی روز از خشم ستمکار وقتی که به جهت هلاک کردن میا میشود میترسی. و خشم ستمکار کجا است؟

اسیران ذلیل بزودی رها خواهند شد و در حفرة نخوهند مردونان ایشان کم نخواهد شد.
 ۱۵ زیرا من یهوه خدای توهستم که در یارابه تلاطم میآورم تا مواجش نعره زند، یهوه صبیوت اسم من است.

۱۶ ومن کلام خود را در دهان تو گذاشتم و تو را زیر سایه دست خویش پنهان کردم تا آسمان غرس نمایم و بنیاد زمینم و صهیون را گویم که تو قوم من هستی.
کاسه غضب خدا

خویشتن را برانگیزای اورشلیم! خویشتن را برانگیخته، برخیز! ای که از دست خداوند کاسه غضب اورا نوشیدی و درد کاسه سرگیجی را نوشیده، آن راتا آشامیدی.
 ۱۸ از جمیع پسرانی که زاییده است یکی نیست که او را رهبری کند و از تمامی پسرانی که تربیت نموده، کسی نیست که او را دستگیری نماید.
 ۱۹ این دو بلا بر تو عارض خواهد شد، کیست که برای تو ماتم کند؟ یعنی خرابی و هلاکت و قحط و شمشیر، پس چگونه تو را تسلی دهم.

۲۰ پسران تو را ضعف گرفته، بسر همه کوچها مثل آهودردام خوابید هاند. و ایشان از غضب خداوند و از عتاب خدای تو مملو شده اند.

۲۱ پسای زحمت کشیده این را بشنو! وای مست شده امانه از شراب!
 خداوند تو یهوه و خدای تو که درد عوی قوم خود ایستادگی میکند چنین میگوید: اینک کاسه سرگیجی را آورد کاسه غضب خویش را از تو خواهم گرفت و آن را بار دیگر نخواهی آشامید.

۲۲ و آن را بهدست آنانی که بر تو ستم مینمایند میگذارم که به جان تومی گویند: خم شو تا از تو بگذریم و تو پشت خود را مثل زمین و مثل کوچه به جهت راه گذریان گذاشته ای.
 بیدار شوای صهیون! بیدار شو و قوت خود را ببوشای شهر مقدس اورشلیم! لباس زیبای خویش را در بر کن زیرا که نامختون و ناپاک بار دیگر داخل تو نخواهد شد.

۲ ای اورشلیم خود را از گرد بیفشان و بر خاسته، بنشین! وای دختر صهیون که اسیر شده ای بندهای گردن خود را بگشا!

زیرا خداوند چنین میگوید: مفت فروخته کشتید و بینقره فدیة داده خواهید شد.
 ۴ چونکه خداوند یهوه چنین میگوید: که در ایام سابق قوم من به مصر فرو شدند تا در آنجا ساکن شوند و بعد از آن آشور بر ایشان بیسبب ظلم نمودند.

۵ اما الان خداوند میگوید: در اینجا مرا چه کار است که قوم من بجان گرفتار شده‌اند. و خداوند میگوید: آنانی که بر ایشان تسلط دارند صیحه میزنند و نام من دائم هر روز هانت میشود.

۶ بنابراین قوم من اسم مرا خواهند شناخت. و در آن روز خواهند فهمید که تکلم کننده من هستم، هان من هستم.

چه زیبا است بر کوه‌های پایهای مبشر که سلامتی راندا می‌کند و به خیرات بشارت می‌دهد و نجات راندا می‌کند و به صهیون میگوید که خدای تو سلطنت مینماید.

۸ آواز دیده بانان تو است که آواز خود را بلند کرده، باهم ترنم مینمایند زیرا وقتی که خداوند به صهیون رجعت میکند ایشان معاینه خواهند دید.

۹ ای خرابه‌های اورشلیم به آواز بلند باهم ترنم نمائید، زیرا خداوند قوم خود را تسلی داده، و اورشلیم را فدیة نموده است.

۱۰ خداوند ساعد قدوس خود را در نظر تمامی امتهای بالازده است و جمیع کرانه‌های زمین نجات خدای ما را دیده‌اند.

۱۱ ای شما که ظروف خداوند را برمی‌دارید بیکسوشوید بیکسوشوید و از اینجا بیرون روید و چیز ناپاک را لمس ننمائید و از میان آن بیرون رفته، خویشتان را طاهر سازید.

۱۲ زیرا که به تعجیل بیرون نخواهید رفت و گریزان روانه نخواهید شد، چونکه یهوه پیش روی شما خواهد خرامید و خدای اسرائیل ساقه شما خواهد بود.

رنج و جلال خادم

اینک بنده من با عقل رفتار خواهد کرد و عالی و رفیع و بسیار بلند خواهد شد.

۱۴ چنانکه بسیاری از تو در عجب بودند (ز آن جهت که منظر او از مردمان و صورت او از بنی آدم بیشتر تباه گردیده بود).

□□ همچنان بر امت‌های بسیار خواهد پاشید و به سبب او پادشاهان دهان خود را خواهند

بست زیر اچیزهایی را که برای ایشان بیان نشده بود خواهند دید و آنچه را که نشنیده بودند خواهند فهمید.

کیست که خبر ما را تصدیق نموده و کیست که ساعد خداوند بر او منکشف شده باشد؟ زیرا به حضور وی مثل نهال و مانند ریشه در زمین خشک خواهد رویید. اورانه صورتی ونه جمالی مییاشد. و چون او را می نگریم منظری ندارد که مشتاق او باشیم. ۳ خوار و زرد مردمان مردود و صاحب غمها ورنج دیده و مثل کسیکه رویها را از او پوشانند و خوار شده که او را به حساب نیاوردیم.

لکن او غمهای ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گان بردیم.

۵ و حال آنکه بهسبب تقصیرهای ما مجروح و بهسبب گناهان ما کوفته گردید. و تا دیب سلامتی ما بروی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم.

۶ جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما بروی نهاد.

او مظلوم شد اما مواضع نموده، دهان خود را نگشود. مثل بره‌های که برای ذبح میبرند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده‌هاش بی‌زبان است همچنان دهان خود را نگشود.

۸ از ظلم و از داوری گرفته شد. و از طبقه او که تفکر نمود که او از زمین زندگان منقطع شد و به جهت گناه قوم من مضروب گردید؟

و قبر او را بشیران تعیین نمودند و بعد از مردنش باد و لطمندان. هر چند هیچ ظلم نکرد و در دهان وی حیل‌های نبود.

اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت. آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود.

۱۱ ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. و بنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را بر خویش تن حمل

خواهد نمود.

۱۲ بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهم داد و غنیمت را بازو را آن تقسیم خواهد نمود، به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطا کاران محسوب شد و نگاهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطا کاران شفاعت نمود.

جلال آینده صهیون

ای عاقرهای که زناپیدهای بسرا! ای که درد زه نکشیدهای به آواز بلند ترنم ثما و فریاد برآور! زیرا خداوند میگوید: پسران زن بیکس از پسران زن منکوحه زیاد هاند.

۲ مکان خیمه خود را وسیع گردان و پرده های مسکن های تو پهن بشود در بیغ مدار و طنابهای خود را دراز کرده، میخهایت را محکم بساز.

۳ زیرا که بطرف راست و چپ منتشر خواهی شد و ذریت تو امتها را تصرف خواهند نمود و شهرهای ویران را مسکون خواهند ساخت.

۴ مترس زیرا که نخل نخواستی شد و مشوش مشوزیرا که رسوا نخواستی گردید. چونکه نجات جوانی خویش را فراموش خواهی کرد و عاریبویگی خود را دیگر به یاد نخواستی آورد.

۵ زیرا که آفریننده تو که اشمش یهوه صبیوت است شوهر تو است. و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی است ولی تو میباشد.

۶ زیرا خداوند تو را مثل زن مهجور ورنجیده دل خوانده است و مانند زوجه جوانی که ترک شده باشد. خدای تو این را میگوید.

۷ زیرا تو را به اندک لحظهای ترک کردم اما به رحمت های عظیم تو را جمع خواهم نمود.

۸ و خداوند ولی تو میگوید: «جوشش غضبی خود را از تو برای لحظهای پوشانیدم اما به احسان جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود.

۹ زیرا که این برای من مثل آبهای نوح میباشد. چنانکه قسم خوردم که آبهای نوح باردیگر بر زمین جاری نخواهد شد همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکم و تو را عتاب ننمایم.

۱۰ هرآینه کوهها زایل خواهد شد و تلها متحرک خواهد گردید، لیکن احسان من از

- توزایل نخواهد شد و عهد سلامتی من متحرک نخواهد گردید.» خداوند که بر تو رحمت میکند این را میگوید.
- «ی رنجانیده و مضطرب شده که تسلی نیافتهای اینک من سنگهای تورا در سنگ سر مه نصب خواهم کرد و بنیاد تورا در یاقوت زرد خواهم نهاد.
- ۱۲ و مناره های تورا از لعل و دروازه های تورا از سنگهای بهرمان و تمامی حد و دتورا از سنگهای گران قیمت خواهم ساخت.
- ۱۳ و جمیع پسرانت از خداوند تعلیم خواهند یافت و پسرانت را سلامتی عظیم خواهد بود.
- ۱۴ در عدالت ثابت شده و از ظلم دور مانده، نخواهی ترسید و هم از آشفتگی دور خواهی ماند و به تو نزدیکی نخواهد نمود.
- ۱۵ همانا جمع خواهند شد اما نه به اذن من. آنانی که به ضد تو جمع شوند به سبب تو خواهند افتاد.
- ۱۶ اینک من آهنگری را که زغال را به آتش دمیده، آلتی برای کار خود بیرون می آورد، آفریدم. و من نیز هلاک کننده را برای خراب نمودن آفریدم.
- ۱۷ هر آلتی که به ضد تو ساخته شود پیش نخواهد برد و هر زبانی را که برای محاکمه به ضد تو برخیزد تکذیب خواهی نمود. این است نصیب بندگان خداوند و عدالت ایشان از جانب من.» خداوند می گوید.

دعوت تشنگان

- «ی جمیع تشنگان نزد آب بیابید و همه شما که نقره ندارید بیابید بخورید و بیابید و شراب و شیر را بنقره و بی قیمت بخورید.
- ۲ چرا نقره را برای آنچه نان نیست و مشقت خویش را برای آنچه سیر نمی کند صرف میکنید. گوش داده، از من بشنوید و چیزهای نیکو را بخورید تا جان شما از فریبی متلذذ شود.
- ۳ گوش خود را فراداشته، نزد من بیابید و تا جان شما زنده گردد بشنوید و من باشما عهد جاودانی یعنی رحمت های امین داود را خواهم بست.
- ۴ اینک من اورا برای طوایف شاهد گردانیدم. رئیس و حاکم طوایف.

۵ هان امتی را که نشناخته بودی دعوت خواهی نمود. و امتی که تورانشناخته بودند نزد تو خواهند دید. به خاطر یهوه که خدای تو است و قدوس اسرائیل که تو را تجید نموده است.»

خداوند را مادی که یافت میشود بطلبید و مادی که نزدیک است اورا بخوانید.
۷ شیر راه خود را و گاه کار افکار خویش را ترک نماید و بسوی خداوند بازگشت کند و بروی رحمت خواهد نمود و بسوی خدای ما که مغفرت عظیم خواهد کرد.

۸ زیرا خداوند میگوید که افکار من افکار شما نیست و طریق های شما طریق های من نی.

۹ زیرا چنانکه آسمان از زمین بلند تر است همچنان طریق های من از طریق های شما و افکار من از افکار شما بلند تر میباشد.

۱۰ و چنانکه باران و برف از آسمان میبارد و به آنجا بر نمی گردد بلکه زمین را سیراب کرده، آن را بارور و پرومند میسازد و برزگر را تخم و خورنده را نان میبخشد،

همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بیشتر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید.

۱۲ زیرا که شما با شادمانی بیرون خواهید رفت و با سلامتی هدایت خواهید شد. کوهها و تلهادر حضور شما به شادی ترنم خواهند نمود و جمیع درختان صحرا دستک خواهند زد.

۱۳ بهجای درخت خار صنوبر و بهجای خس آس خواهد روید و برای خداوند اسام و آیت جاودانی که منقطع نشود خواهد بود.

نجات برای دیگران

و خداوند چنین میگوید: «نصاف را نگاه داشته، عدالت را جاری نمائید، زیرا که آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من نزدیک است.»

۲ خوشبحال انسانی که این را بجا آورد و بنی آدمی که به این متمسک گردد، که سبت را نگاه داشته، آن را بجزمت نکند و دست خویش را از هر عمل بد باز دارد.»

پس غریبی که با خداوند مقترن شده باشد تکلم نکند و نگوید که خداوند مرا از قوم خود

جدا نموده است و خصی هم نگوید که اینک من درخت خشک هستم.
 ۴ زیرا خداوند در باره خصی‌هایی که سبت‌های مرا نگاه دارند و آنچه را که من خوش دارم اختیار نمایند و به عهد من متمسک گردند، چنین میگوید
 که «ایشان در خانه خود و در اندرون دیوارهای خویش یادگاری و اسمی بهتر از پسران و دختران خواهم داد. اسمی جاودانی که منقطع نخواهد شد به ایشان خواهم بخشید.
 ۶ و غریبانی که با خداوند مقترن شده، او را خدمت نمایند و اسم خداوند را دوست داشته، بنده او بشوند. یعنی همه کسانی که سبت را نگاه داشته، آن را بچرمت نسازند و به عهد من متمسک شوند.
 ۷ ایشان را به کوه قدس خود خواهم آورد و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهم ساخت و قربانی‌های سوختنی و ذبایح ایشان بر مذبح من قبول خواهد شد، زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قومها مسمی خواهد شد.»
 و خداوند بیوه که جمع‌کننده رانده‌شدگان اسرائیل است میگوید که «عدا این دیگران را با ایشان جمع خواهم کرد علاوه بر آنانی که از ایشان جمع شده‌اند.»
 ای تمام حیوانات صحرا و ای جمیع حیوانات جنگل بیاید و بخورید!
 دیده بانان او کورند، جمیع ایشان معرفت ندارند و همگی ایشان سگان گنگاند که نمی‌توانند بانگ کنند.
 و این سگان حریصند که نمی‌توانند سیر بشوند و ایشان شبانند که نمی‌توانند بفهمند. جمیع ایشان به راه خود میل کرده، هر یکی بطرف خود طالب سود خویش می‌باشد.
 ۱۲) میگویند (بیاید شراب بیاوریم و از مسکرات مست شویم و فردا مثل امروز عظیم بلکه بسیار زیاده خواهد بود.
 مرد عادل تلف شد و کسی نیست که این را در دل خود بگذراند و مردان روف برداشته شدند و کسی فکرنمی‌کند که عادلان از معرض بلا برداشته میشوند.
 ۲ آنانی که به استقامت سالک می‌باشند بسلا متی داخل شده، بر بسترهای خویش

آرامی خواهند یافت.

۳ و اما شما ای پسران ساحره و اولاد فاسق و زانیه به اینچنان نزدیک آید!

بر که تمسخر میکنید و بر که دهان خود را باز میکنید و زبان را دراز می‌نمایید؟ آیا شما اولاد عصیان و ذریت کذب نیستید

که در میان بلوطها و زیر درخت سبز خویشتن را به حرارت میآوردید و اطفال را در وادیاها زیر شکاف صخرهها ذبح مینمایید؟

در میان سنگهای ملسای وادی نصیب تو است همینها قسمت تو میباشند. برای آنها نیز هدیه ریختنی ریختی و هدیه آردی گذرانیدی آیا من از اینها تسلی خواهم یافت؟

بر کوه بلند و رفیع بستر خود را گستریدی و به آنجا نیز برآمده، قربانی گذرانیدی.

۸ و پشت درها و یا بوهای یادگار خود را و گذاشتی زیرا که خود را به کسی دیگر غیر از من مکشوف ساختی و برآمده، بستر خود را پهن کردی و در میان خود و ایشان عهد بسته، بستر ایشان را دوست داشتی جایی که آن را دیدی.

۹ و باروغن در حضور پادشاه رفته، عطریات خود را بسیار کردی و رسولان خود را بجای دور فرستاده، خویشتن را تابه‌ها و یه‌پست گردانیدی.

۱۰ از طولانی بودن راه در مانده شدی اما نگفتی که امید نیست. تازگی قوت خود را یافتی پس از این جهت ضعف بهم نرسانیدی.

۱۱ از که ترسان و هراسان شدی که خیانت و ورزیدی و مرا بیاد نیاورده، این را در دل خود جان دادی؟ آیا من از زمان قدیم نیز ساکت نماندم پس از این جهت از من نترسیدی؟ من عدالت و اعمال تو را بیان خواهم نمود که تو را منفعت نخواهد داد.

۱۳ چون فریاد برمی‌آوری اندوخته‌های خودت تو را خلاصی بدهد و لکن باد جمیع آنها را خواهد برداشت و نفس آنها را خواهد برد. اما هر که بر من توکل دارد مالک زمین خواهد بود و وارث جبل قدس من خواهد گردید.

۱۴ و گفته خواهد شد برافرازید! راه را برافرازید و میسازید! و سنگ مصادم را از طریق قوم من بردارید!

تسلی برای متواضعان

زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می باشد و اسم او قدوس است چنین میگوید:
 «ن در مکان عالی و مقدس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد. تا
 روح متواضعان را احیایم و دل افسردگان را زنده سازم.

۱۶ زیرا که تا به ابد محاصمه نخواهم نمود و همیشه خشم نخواهم کرد مبادار و حها و جانهایی
 که من آفریدم به حضور من ضعف به هم رسانند.

۱۷ به سبب نگاه طمع وی غضبناک شده، اورا زدم و خود را مخفی ساخته، خشم نمودم
 و او به راه دل خود رو گردانیده، برفت.

۱۸ طریق های او را دیدم و او را شفا خواهم داد و او را هدایت نموده، به او به آسانی که
 با وی ماتم گیرند تسلی بسیار خواهم داد.»

خداوند که آفریننده ثمره لبهاست میگوید: «آسانی که دورند سلامتی باد و بر آسانی که
 نزدیکند سلامتی باد و من ایشان را شفا خواهم بخشید.»

اما شیران مثل دریای متلاطم که نمی تواند آرام گیرد و آبهای گل و لجن بر می اندازد
 میباشند.

۲۱ خدای من میگوید که شیران را سلامتی نیست.

روزه واقعی

آواز خود را بلند کن و دریغ مدار و آواز خود را مثل گرنابلند کرده، به قوم من تقصیر ایشان
 را و به خاندان یعقوب گاهان ایشان را اعلام نما.

۲ و ایشان هر روز مرا میطلبند و از دانستن طریق های من مسرور میباشند. مثل
 امتی که عدالت را بجا آورده، حکم خدای خود را ترک نمودند. احکام عدالت را
 از من سوال نموده، از تقرب جستن به خدا مسرور میشوند

(می گویند: (چرا روزه داشتیم و ندیدی و جانهای خویش را رنجانیدیم و ندانستی. اینک
 شما در روز روزه خویش خود را میباید و بر عمه های خود ظلم مینمایید.

۴ اینک به جهت نزاع و محاصمه روزه میگیرید و به لطمه شرارت میزنید. «مروز
 روزه نمی گیرید که آواز خود را در اعلیٰ علین بشنوانید.

۵ آیاروزهای که من میپسندم مثل این است، روزی که آدمی جان خود را برنجاند و سر خود را مثل نی خم ساخته، پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا این را روزه و روز مقبول خداوند میخوانی؟

«گر روزهای که من میپسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشاید و گره‌های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هریوغ را بشکنید؟ مگر این نیست که نان خود را به گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه را ببینی او را پوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تومی باشند مخفی نسازی؟

آنگاه نور تو مثل فجر طالع خواهد شد و صحت تو بزودی خواهد رویید و عدالت تو پیش تو خواهد خرامید و جلال خداوند ساقه تو خواهد بود.

۹ آنگاه دعا خواهی کرد و خداوند تو را اجابت خواهد فرمود و استغاثه خواهی نمود و او خواهد گفت که اینک حاضر هستم. اگر یوغ و اشاره کردن به انگشت و گفتن ناحق را از میان خود دور کنی،

و آرزوی جان خود را به گرسنگان بخشی و جان ذلیلان را سیر کنی، آنگاه نور تو در تاریکی خواهد درخشید و تاریکی غلبت تو مثل ظهر خواهد بود.

۱۱ و خداوند تو را همیشه هدایت نموده، جان تو را در مکان‌های خشک سیر خواهد کرد و استخوان‌هایت را قوی خواهد ساخت و تو مثل باغ سیراب و مانند چشمه آب که آبش کم نشود خواهی بود.

۱۲ و کسان تو خرابه‌های قدیم را بنا خواهند نمود و تو اساسهای دوره‌های بسیار را برپا خواهی داشت و تو را عمارت‌کننده در خننه‌ها و مرمت‌کننده کوچه‌ها برای سکونت خواهند خواند.

«گریای خود را از سبب نگاه‌داری و خوشی خود را در روز مقدس من بجانیاوری و سبب را خوشی و مقدس خداوند و محترم بخوانی و آن را محترم داشته، به راه‌های خود رفتار نمایی و خوشی خود را نجویی و سخنان خود را نگویی،

آنگاه در خداوند متذذد خواهی شد و تو را بر مکان‌های بلند زمین سوار خواهیم کرد. و نصیب پدرت یعقوب را به تو خواهیم خوراند «زیرا که دهان خداوند این را گفته است.

گاه و اعتراف و بخشش

- هان دست خداوند کوتاه نیست تا زهاند و گوش او سنگین نی تانشنود.
- ۲ لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گاهان شماروی اورا از شما پوشانیده است تانشنود.
- ۳ زیرا که دستهای شما به خون وانگشتهای شما به شرارت آلوده شده است. لبهای شما به دروغ تکلم مینماید و زبانهای شما به شرارت تنطق میکند.
- ۴ احدی به عدالت دعوی نمی کند و هیچکس به راستی داوری نمی نماید. به بطالت توکل دارند و به دروغ تکلم مینمایند. به ظلم حامله شده، شرارت راهی زاینند.
- ۵ از تخمهای افعی بچه برمی آورند و پرده عنکبوت مینمایند. هر که از تخمهای ایشان بخورد میمیرد و آن چون شکسته گردد افعی بیرون میآید.
- ۶ پرده های ایشان لباس نخواهد شد و خویشتن را از اعمال خود نخواهند پوشانید زیرا که اعمال ایشان اعمال شرارت است و عمل ظلم دردستهای ایشان است.
- ۷ پایهای ایشان برای بدی دوان و به جهت ریختن خون بیگانهان شتابان است. افکار ایشان افکار شرارت است و در راههای ایشان ویرانی و خرابی است.
- ۸ طریق سلامتی را نمی دانند و در راههای ایشان انصاف نیست. جاده های سج برای خود ساختند و هر که در آنها سالک باشد سلامتی را نخواهد دانست.
- بنابر این انصاف از مادور شده است و عدالت به مائمی رسد. انتظار نور میکشیم و اینک ظلمت است و منتظر روشنایی هستیم اما در تاریکی غلیظ سالک میباشیم.
- ۱۰ و مثل کوران برای دیوار تلمس مینماییم و مانند بیچشمان کورانه راه میرویم. در وقت ظهر مثل شام لغزش میخوریم و در میان تندریستان مانند مردگانیم.
- ۱۱ جمیع ما مثل خر سها صدامیکنیم و مانند فاختهاناله مینماییم، برای انصاف انتظاری کشیم و نیست و برای نجات و از مادور می شود.
- زیرا که خطایای ما به حضور تو بسیار شده و گاهان ما به ضد ما شهادت میدهد چونکه خطایای ما با ما است و گاهان خود را میدانیم.

- ۱۳ مرتد شده، خداوند را انکار نمودیم. از پیروی خدای خود انحراف ورزیدیم به ظلم و فتنه تکلم کردیم و به سخنان کذب حمله شده، ازدل آنها را تنطق نمودیم.
- ۱۴ و انصاف به عقب رانده شده و عدالت از ما دور ایستاده است زیرا که راستی در کوچیها افتاده است و استقامت نمی تواند داخل شود.
- ۱۵ و راستی مفقود شده است و هر که از بدی اجتناب نماید خود را به یغما میسپارد. و چون خداوند این را دید در نظر او درآمد که انصاف وجود نداشت.
- ۱۶ و او دید که کسی نبود و تعجب نمود که شفاعت کنندگهای وجود نداشت از این جهت بازوی وی برای او نجات آورد و عدالت او وی را دستگیری نمود.
- ۱۷ پس عدالت را مثل زره پوشید و خود نجات را بر سر خویش نهاد. و جامه انتقام را به جای لباس دربر کرد و غیرت را مثل رد پوشید.
- ۱۸ و برفی اعمال ایشان، ایشان را جزا خواهد داد. به خصمان خود حدت خشم را و به دشمنان خویش مکافات و به جزایر پاداش را خواهد رسانید.
- ۱۹ و از طرف مغرب از نامیه بوه و از طلوع آفتاب از جلال وی خواهند ترسید زیرا که او مثل نهر سرشاری که با خداوند آن را براند خواهد آمد.
- ۲۰ و خداوند میگوید که نجات دهندگهای برای صهیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نمایند خواهد آمد.
- ۲۱ و خداوند میگوید: «ما عهد من با ایشان این است که روح من که بر تو است و کلام من که در دهان تو گذاشتم از دهان تو و از دهان ذریت تو و از دهان ذریت تو دور نخواهد شد.» خداوند میگوید: «زالان و تا ابد الاباد.»

جلال صهیون

- برخیز و در خشان شوزیران نور تو آمده و جلال خداوند بر تو طالع گردیده است.
- ۲ زیرا اینکه تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوایف را خواهد پوشانید اما خداوند بر تو طلوع خواهد نمود و جلال وی بر تو ظاهر خواهد شد.
- ۳ و امتهای بسوی نور تو و پادشاهان بسوی درخشندگی طلوع تو خواهند آمد.
- ۴ چشمان خود را به اطراف خویش برافراز و ببین که جمیع آنها جمع شده، نزد تو می آیند.

- پسرانت از دور خواهند آمد و دخترانت را در آغوش خواهند آورد.
- ۵ آنگاه خواهی دید و خواهی درخشید و دل تو لرزان شده، وسیع خواهد گردید، زیرا که توانگری در یابوسی تو گردانیده خواهد شد و دولت امتها نزد تو خواهد آمد.
- ۶ کثرت شتران و جمازگان مدیان و عیفه تو را خواهند پوشانید. جمیع اهل شبع خواهند آمد و طلا و بخور آورده، به تسبیح خدا و نذبات خواهند داد.
- ۷ جمیع گلگه‌های قیدار نزد تو جمع خواهند شد و قوچهای نبایوت تو را خدمت خواهند نمود. به مذبح من با پذیرایی بر خواهند آمد و خانه جلال خود را زینت خواهم داد.
- اینها کیستند که مثل ابربرواز می‌کنند و مانند کبوتران بر روزنهای خود؟ به درستی که جزیره‌ها و کشتیهای ترشیش اول انتظار مرا خواهند کشید تا پسران تو را از دور و نقره و طلاي ایشان را با ایشان بیاورند، به جهت اسم یهوه خدای تو و به جهت قدوس اسرائیل زیرا که تو را زینت داده است.
- ۱۰ و غریبان، حصارهای تو را بنا خواهند نمود و پادشاهان ایشان تو را خدمت خواهند کرد زیرا که در غضب خود تو را زدم لیکن به لطف خویش تو را ترحم خواهم نمود.
- ۱۱ دروازه‌های تو نیز دایم باز خواهد بود و شب و روز بسته نخواهد گردید تا دولت امتها را نزد تو بیاورند و پادشاهان ایشان همراه آورده شوند.
- ۱۲ زیر اهرامتی و مملکتی که تو را خدمت نکند تلف خواهد شد و آن امتها تمام هلاک خواهند گردید.
- جلال لبنان با درختان صنوبر و کاج و چنار با هم برای تو آورده خواهند شد تا مکان مقدس مرا زینت دهند و جای پایهای خود را تجید خواهم نمود.
- ۱۴ و پسران آنانی که تو راستم می‌رسانند خم شده، نزد تو خواهند آمد و جمیع آنانی که تو را هانت مینمایند نزد کف پایهای تو بچده خواهند نمود و تو را شهریه و وصیه یون قدوس اسرائیل خواهند نامید.
- ۱۵ به عوض آنکه تو متروک و میغوض بودی و کسی از میان تو گذرنمی‌کرد. من تو را نافر جاودانی و سرور دهرهای بسیار خواهم گردانید.
- ۱۶ و شیرامتهار خواهی مکید و پستانهای پادشاهان را خواهی مکید و خواهی فهمید

که من یهوه نجات دهنده تو هستم و من قدیر اسرائیل، ولی تو میباشم.

۱۷ بهجای برنج، طلا خواهم آورد و بهجای آهن، نقره و بهجای چوب، برنج و بهجای سنگ، آهن خواهم آورد و سلا متی را ناظران تو و عدالت را حاکمان تو خواهم گردانید.
۱۸ و بار دیگر ظلم در زمین تو و خرابی و ویرانی در حدود تو مسموع نخواهد شد و حصارهای خود را نجات و دروازه های خویش را تسبیح خواهی نامید.

۱۹ و بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.

۲۰ و بار دیگر آفتاب تو غروب نخواهد کرد و ماه تو زوال نخواهد پذیرفت زیرا که یهوه برای تو نور جاودانی خواهد بود و روزهای نوحه گری تو تمام خواهد شد.

۲۱ و جمیع قوم تو عادل خواهند بود و زمین را تا به ابد متصرف خواهند شد. شاخه مغروس من و عمل دست من، تا تجید کرده شوم.

۲۲ صغیر هزار نفر خواهد شد و حقیر امت قوی خواهد گردید. من یهوه در وقتش تعجیل در آن خواهم نمود.

سال پسندیده خدا

روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم.

۲ و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ماندانم ای و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم.

۳ تا قرار دهم برای ماتمیان صهیون و به ایشان بخشم تا جی را به عوض خاکستر و روغن شادمانی را به عوض نوحه گری و ردای تسبیح را بهجای روح کدورت تا ایشان در ختان عدالت و مغروس خداوند به جهت تجید وی نامیده شوند.

و ایشان خرابه های قدیم را بنا خواهند نمود و ویرانه های سلف را برپا خواهند داشت و شهرهای خراب شده و ویرانه های دهرهای بسیار را تعمیر خواهند نمود.

- ۵ و غریبان بر پاشده، غله های شمارا خواهند چرانید و بیگانگان، فلاحان و باغبانان شما خواهند بود.
- ۶ و شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد و شمارا به خدام خدای ماسمی خواهند نمود. دولت امتهارا خواهید خورد و در جلال ایشان نخر خواهید نمود.
- ۷ به عوض نجالت، نصیب مضاعف خواهید یافت و به عوض رسوایی از نصیب خود مسرور خواهند شد بنابراین ایشان در زمین خود نصیب مضاعف خواهند یافت و شادی جاودانی برای ایشان خواهد بود.
- ۸ زیرامن که یهوه هستم عدالت را دوست میدارم و از غارت و ستم نفرت میدارم و اجرت ایشان را به راستی به ایشان خواهم داد و عهد جاودانی با ایشان خواهم بست.
- ۹ و نسل ایشان در میان امتها و ذریت ایشان در میان قومها معروف خواهند شد. هر که ایشان را ببیند اعتراف خواهد نمود که ایشان ذریت مبارک خداوند میباشند.
- در خداوند شادی بسیار می کنم و جان من در خدای خود وجد مینماید زیرا که مرا به جامه نجات ملبس ساخته، ردای عدالت را به من پوشانید. چنانکه داماد خویش تن را به تاج آرایش میدهد و عروس، خود را به زیورها زینت میبخشد.
- ۱۱ زیرا چنانکه زمین، نباتات خود را می رویاند و باغ، زرع خویش را نثار می دهد، همچنان خداوند یهوه عدالت و تسبیح را پیش روی تمامی امتها خواهد رویانید.

نام جدید صهیون

- به خاطر صهیون سکوت نخواهم کرد و به خاطر اورشلیم خاموش نخواهم شد تا عدالتش مثل نور طلوع کند و نجاتش مثل چراغی که افروخته باشد.
- ۲ و امتها، عدالت تورا و جمیع پادشاهان، جلال تورا مشاهده خواهند نمود. و توبه اسم جدیدی که دهان خداوند آن را قرار میدهد مسمی خواهی شد.
- ۳ و تو تاج جلال، در دست خداوند و افسر ملوکانه، در دست خدای خود خواهی بود.
- ۴ و تو دیگریه متروک مسمی نخواهی شد و زمینت را بار دیگر خرابه نخواهند گفت، بلکه تورا حفصیهه و زمینت را بعوله خواهند نامید زیرا خداوند از تو مسرور خواهد شد و زمین تو منکوحه خواهد گردید.

۵ زیرا چنانکه مردی جوان دوشیزهای رابه نکاح خویش در میآورد هم چنان پسرانت
تورا منکوحه خود خواهند ساخت و چنانکه داماد از عروس مبعثج میگردد هم چنان
خدایت از تو مسرور خواهد بود.

۶ ای اورشلیم دیده بانان بر حصارهای تو گاشتهام که هر روز و هر شب همیشه سکوت
نخواهند کرد. ای متذکران خداوند خاموش مباشید!
و اورآرامی ندهید تا اورشلیم را استوار کرده، آن را در جهان محل تسبیح بسازد.

خداوند به دست راست خود و به بازوی قوی خویش قسم خورده، گفته است که بار
دیگر غله تورا ما کول دشمنان نسازم و غریبان، شراب تورا که برایش زحمت کشیده‌های
نخواهند نوشید.

۹ بلکه آنانی که آن را میچینند آن را خورده، خداوند را تسبیح خواهند نمود و آنانی که
آن را جمع میکنند آن را در صحنهای قدس من خواهند نوشید.

۱۰ بگذرید از دروازه‌ها بگذرید. طریق قوم را میسازید و شاهراه را بلند کرده،
مرتفع سازید و سنگهارا بر چیده علم رابه جهت قومها برپا نمائید.

۱۱ اینک خداوند تا اقصای زمین اعلان کرده است، پس به دختر صهیون بگو بید اینک
نجات تو میآید. همانا اجرت او همراهش و مکافات او پیش رویش میباشند.

۱۲ و ایشان رابه قوم مقدس و فدیه شدگان خداوند مسمی خواهند ساخت و توبه مطلوب
و شهر غیر متروک نامیده خواهی شد.

یوم انتقام و نجات

این کیست که از اذوم بالباس سرخ از بصره میآید؟ یعنی این که به لباس جلیل خود ملبس
است و در کثرت قوت خویش میخرامد؟ من که به عدالت تکلم میکنم و برای نجات،
زور آور میباشم.

۲ چرا لباس تو سرخ است و جامه تو مثل کسیکه چرخشت را پایمال کند؟
من چرخشت را تنها پایمال نمودم و احدی از قومها با من نبود و ایشان را بغضب خود پایمال
کردم و محبت خشم خویش لگد کوب نمودم و خون ایشان به لباس من پاشیده شده،

تمامی جامه خود را آلوده ساختم.

۴ زیرا که یوم انتقام درد من بود و سال فدیه شد گانم رسیده بود.

۵ و نگرستم و اعانت کنندهای نبود و تعجب نمودم زیرا دستگیری نبود. لهذا

بازوی من مرا نجات داد و وحدت خشم من مرادستگیری نمود.

۶ و قومهارا به غضب خود پایمال نموده، ایشان را از حدت خشم خویش مست ساختم.

و خون ایشان را بر زمین ریختم.

پرستش و دعا

احسانهای خداوند و تسبیحات خداوند را ذکر خواهم نمود بر حسب هر آنچه خداوند برای

ما عمل نموده است و به موجب کثرت احسانی که برای خاندان اسرائیل موافق رحمتها

و وفور رفت خود بجا آورده است.

۸ زیرا گفته است: ایشان قوم من و پسرانی که خیانت نخواهند کرد می باشند، پس نجاتدهنده ایشان شده است.

۹ او در همه تنگیهای ایشان به تنگ آورده شد و فرشته حضور روی ایشان را نجات داد.

در محبت و حلم خود ایشان را فدیه داد و در جمیع ایام قدیم، متحمل ایشان شده، ایشان

را برداشت.

اما ایشان عاصی شده، روح قدوس او را محزون ساختند، پس برگشته، دشمن ایشان شد

و او خود با ایشان جنگ نمود.

آنگاه ایام قدیم و موسی و قوم خویش را بیاد آورد) گفت (کجاست آنکه ایشان را با شبان

گله خود از دریا آورد و کجاست آنکه روح قدوس خود را در میان ایشان نهاد؟

که بازوی جلیل خود را به دست راست موسی خرامان ساخت و آبهارا پیش روی ایشان

منشق گردانید تا اسم جاودانی برای خویش پیدا کند؟

آنکه ایشان را در لجهها مثل اسب در بیابان رهبری نمود که لغزش نخورند.

۱۴ مثل بهایی که به وادی فرود میروند روح خداوند ایشان را آرامی بخشید. هم

چنان قوم خود را رهبری نمودی تا برای خود اسم مجید پیدائیابی.

از آسمان بنگر و از مسکن قدوسیت و جلال خویش نظر افکن. غیرت جبروت تو

کجا است؟ جوشش دل و رحمت های تو که به من نمودی باز داشته شده است.
 ۱۶ به درستی که تو پدر ماهستی اگر چه ابراهیم ما را شناسد و اسرائیل ما را بجانیاورد،
 اما تو ای یهوه، پدر ما و ولی ماهستی و نام تو از ازل می باشد.
 ۱۷ پسای خداوند ما را از طریق های خود چرا گمراه ساختی و دل های ما را سخت گردانیدی
 تا از تو ترسیم. به خاطر بندگانت و اسباط میراث خود رجعت نما.
 ۱۸ قوم مقدس تو اندک زمانی آن را متصرف بودند و دشمنان ما مکان قدس تو را پامال
 نمودند.
 ۱۹ و ما مثل کسانی که تو هرگز بر ایشان حکمرانی نکرده باشی و به نام تو نامیده نشده باشند
 گردیدهایم.

کاش که آسمانها را منشق ساخته، نازل می شدی و کوهها از رویت تو متزلزل میگشت.
 ۲ مثل آتشی که خورده چو بهار امشعل سازد و ناری که آب را به جوش آورد تا نام
 خود را بردشمنانت معروف سازی و امته از رویت تو لرزان گردند.
 ۳ حینی که کارهای هولناک را که منتظر آنها نبودیم بجاء آوردی. آنگاه نزول
 فرمودی و کوهها از رویت تو متزلزل گردید.
 ۴ زیرا که از ایام قدیم نشنیدند و استماع نمودند و چشم خدایی را غیر از تو که برای منتظران
 خویش پیرا زدندید.

۵ تو آنانی را که شاد مانند و عدالت را بجامیآ ورنده و به راههای تو تو را به یاد میآ ورنده ملاقات
 میکنی. اینک تو غضبناک شدی و ما گناه کرده ایم در اینها مدت مدیدی بسر
 بردیم و آیا نجات تو انیم یافت؟

زیرا که جمیع ما مثل شخص نجس شده ایم و همه اعمال عاده ما مانند لثه ملوث می باشد.
 و همگی ما مثل برگ، پژمرده شده، گناهان ما مثل باد، ما را میر باید.
 ۷ و کسی نیست که اسم تو را بخواند یا خوشترن را برانگیزاند تا به تو متمسک شود زیرا
 که روی خود را از ما پوشیده های و ما را به سبب گناهان ما گداخته های.
 اما الانای خداوند، تو پدر ماهستی. ما گل هستیم و تو صنایع ماهستی و جمیع ما مصنوع

دستهای تو میباشیم.

۹ ای خداوند بشدت غضبناک مباش و نگاه راتا به ابد بخاطر مدار. هان ملا حظه
ثما که همگی ما قوم تو هستیم.

۱۰ شهرهای مقدس تو بیابان شده. صهیون، بیابان و اورشلیم، ویرانه گردیده
است.

۱۱ خانه مقدس و زیبای ما که پدران ما تو را در آن تسبیح می خواندند به آتش سوخته
شده و تمامی نقایس مابه خرابی مبدل گردیده است.

۱۲ ای خداوند آیا با وجود این همه، خودداری میکنی و خاموش شده، ما را بشدت
رنجور میسازی؟

داوری و نجات

«نانی که مرا طلب نمودند مرا جستند و آنانی که مرا انطبیلیدند مرا یافتند. و به قومی
که به اسم من نامیده نشدند گفتم لیبیک لیبیک.»

۲ تمامی روز دستهای خود را بسوی قوم متمریدی که موافق خیالات خود به راه ناپسندیده
سلوک مینمودند دراز کردم.

۳ قومی که پیش رویم غضب مرا همیشه بهیجان میآورند، که در باغات قربانی میگذازانند
و بر آجرها بخور می سوزانند.

۴ که در قبرها ساکن شده، در مغاره ها منزل دارند، که گوشت خنزیر میخورند و خورش
نجاسات در ظروف ایشان است.

۵ که میگویند: «رجای خود بایست و نزدیک من میازیرا که من از تو مقدس تر هستم.»

اینان دو در بینی من میباشند و آتشی که تمامی روز مشتعل است.

۶ همانا این پیش من مکتوب است. پس ساکت نخواهم شد بلکه پاداش خواهم
داد و به آغوش ایشان مکافات خواهم رسانید.

۷ خداوند می گوید در باره گاهان شما و گاهان پدران شما با هم که بر کوهها بخور سوزانیدید
و مرا بر تلها هانت نمودید پس جزای اعمال شما را اول به آغوش شما خواهم رسانید.»

خداوند چنین میگوید: «نانکه شیره در خوشه یافت میشود و میگویند آن را فاسد مساز

زیرا که برکت در آن است. همچنان به خاطر بندگان خود عمل خواهم نمود تا ایشان را (الکل هلاک نسازم.

۹ بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهودا به ظهور خواهم آورد. و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد.

۱۰ و شارون، مرتع گلها و وادی عاکور، خوابگاه رهبابه جهت قوم من که مرا طلبید هاند خواهد شد.

۱۱ و اما شما که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس مرا فراموش نمود هاید، و مائدهای به جهت بخت میا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتفاق ریخت هاید،

پس شمارا به جهت شمشیر مقدر ساختم و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد زیرا که چون خواندم جواب ندادید و چون سخن گفتم نشنیدید و آنچه را که در نظر من ناپسند بود بعمل آوردید و آنچه را که نخواستم برگزیدید.»

بنابر این خداوند یهوه میگوید: «ان بندگان من خواهند خورد اما شما گرسنه خواهید بود اینک بندگانم خواهند نوشید اما شما تشنه خواهید بود. همانا بندگانم شادی خواهند کرد اما شما نجعل خواهید گردید.

۱۴ اینک بندگانم از خوشی دل، ترنم خواهند نمود اما شما از کدورت دل، فریاد خواهید نمود و از شکستگی روح، ولوله خواهید کرد.

۱۵ و نام خود را برای برگزیدگان من به جای لعنت، ترک خواهید نمود پس خداوند یهوه تو را بقتل خواهد رسانید و بندگان خویش را به اسم دیگر خواهد نامید.

۱۶ پس هر که خویشتن را بروی زمین برکت دهد خویشتن را به خدای حق برکت خواهد داد و هر که بروی زمین قسم خورد به خدای حق قسم خواهد خورد. زیرا که تنگیهای اولین فراموش شده و از نظر من پنهان گردیده است.

آسمان و زمین جدید

زیرا اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهم آفرید و چیزهای پیشین بیاد نخواهد آمد و بخاطر نخواهد گذشت.

۱۸ بلکه از آنچه من خواهم آفرید، شادی کنید و تابه ابد وجد نماید زیرا اینک اورشلیم را محل وجد و قوم اورا محل شادمانی خواهم آفرید.

۱۹ و از اورشلیم وجد خواهم نمود و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد.

۲۰ و بار دیگر طفل کم‌روز از آنجا خواهد بود و نه مرد پیر که عمر خود را به اتمام رسانیده باشد زیرا که طفل در سن صدسالگی خواهد مرد لیکن گاه‌ها کار صدساله ملعون خواهد بود.

۲۱ و خانه‌ها بنا کرده، در آنها ساکن خواهند شد و تا کستانها غرس نموده، میوه آنها را خواهند خورد.

۲۲ بنا خواهند کرد تا دیگران سکونت نمایند و آنچه را که غرس مینمایند دیگران نخواهند خورد. زیرا که ایام قوم من مثل ایام درخت خواهد بود و برگ‌زیدگان من از عمل دستهای خود تمتع خواهند برد.

۲۳ زحمت بیجا خواهند کشید و اولاد به جهت اضطراب نخواهند زاید زیرا که اولاد برکت یافتگان خداوند هستند و ذریت ایشان بایشانند.

۲۴ و قبل از آنکه بخوانند من جواب خواهم داد. و پیش از آنکه سخن گویند من خواهم شنید.

۲۵ گرگ و بره باهم خواهند چرید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود.

خداوند میگوید که در تمامی کوه مقدس من، ضرر نخواهند رسانید و فساد نخواهند نمود.»

داوری و امید

خداوند چنین میگوید: «سمانها کرسی من و زمین پای انداز من است، پس خانهای که برای من بنامیکند بجا است؟ و مکان آرام من بجا؟»

خداوند میگوید: «ست من همه این چیزها را ساخت پس جمیع اینها وجود آمد اما به این شخص که مسکین و شکسته دل و از کلام من لرزان باشد، نظر خواهم کرد.

۳ کسیکه گاوی ذبح نماید مثل قاتل انسان است و کسیکه گوسفندی ذبح کند مثل

شخصی است که گردن سگ را بشکند. و آنکه هدیه‌های بگدزاند مثل کسی است که خون خنزیری را بریزد و آنکه بخورسوزاند مثل شخصی است که بتی را تبریک نماید و ایشان راه‌های خود را اختیار کرده‌اند و جان ایشان از جاسات خودشان مسرور است.

۴ پس من نیز مصیبت‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس‌های ایشان را بر ایشان عارض خواهم گردانید، زیرا چون خواندم کسی جواب نداد و چون تکلم نمودم ایشان نشنیدند بلکه آنچه را که در نظر من ناپسند بود بعمل آوردند و آنچه را که نخواستم اختیار کردند، ای آنانی که از کلام خداوند میلرزید سخن اورا بشنوید. برادران شما که از شما نفرت دارند و شما را بخاطر اسم من از خود میرانند می‌گویند: خداوند تجید کرده شود تا شادی شما را ببینم لیکن ایشان نجمل خواهند شد.

۶ آواز غوغا از شهر، صدایی از هیکل، آواز خداوند است که به دشمنان خود مکافات می‌رساند.

۷ قبل از آنکه در دزه بکشد، زایید. پیش از آنکه درد او را فر و گیرد او را دزنی‌های آورد.

۸ کیست که مثل این را شنیده و کیست که مثل این را دیده باشد؟ آیا ولا بتی در یک روز مولود گردد و قومی یک‌دفعه زاییده شود؟ زیرا صهیون به مجرد درزه کشیدن پسران خود را زایید.

۹ خداوند می‌گوید: «یا من بقم رحم برسانم و زایانم؟» و خدای تومی گوید: «یا من که زایانده هستم، رحم را ببندم؟»

ای همه آنانی که اورشلیم را دوست میدارید با او شادی کنید و برایش وجد نمائید. وای همه آنانی که برای او ماتم می‌گیرید، با او شادی بسیار نمائید.

۱۱ تا از ایستگاه‌های تسلیات او بمکید و سیر شوید و دید و شنید و از فراوانی جلال او محظوظ گردید.

۱۲ زیرا خداوند چنین می‌گوید: «ینک من سلامتی را مثل نهر و جلال امتهارا مانند نهر سرشار به او خواهم رسانید. و شما خواهید مکید و در آغوش او برداشته شده، بر

زانوهایش بناز پرورده خواهید شد.»

و مثل کسبیکه مادرش اورا تسلی دهد همچنین من شمارا تسلی خواهم داد و در اورا شلیم تسلی خواهید یافت.»

پس چون این را بینید دل شما شادمان خواهد شد و استخوانهای شما مثل گیاه سبز و خرم خواهد گردید و دست خداوند بر بندگانش معروف خواهد شد اما بر دشمنان خود غضب خواهد نمود.

۱۵ زیرا اینک خداوند با آتش خواهد آمد و اربابهای او مثل گردباد تا غضب خود را با حدت و عتاب خویش را با شعله آتش به انجام رساند.

۱۶ زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد نمود و مقتولان خداوند بسیار خواهند بود.

و خداوند میگوید: «نانی که از عقب یکنفر که در وسط باشد خویشترین را در باغات تقدیس و تطهیر مینمایند و گوشت خنزیر و جاسات و گوشت موش میخورند با هم تلف خواهند شد.»

۱۸ و من اعمال و خیالات ایشان را جزا خواهم داد و آمده، جمیع امتهای او را جمع خواهم کرد و ایشان آمده، جلال مرا خواهند دید.

۱۹ و آیتی در میان ایشان بر پا خواهم داشت و آنانی را که از ایشان نجات یابند نزد امتهای به ترشیدش و فول و تیر اندازان لود و توبال و یونان و جزایر بعیده که آوازه مرانشنید هاند و جلال مراندید هاند خواهم فرستاد تا جلال مرا در میان امتهایشان سازند.»

و خداوند میگوید که ایشان جمیع برادران شمارا از تمامی امتهای اسبان و اربها و تخت روانها و قاطران و شتران به کوه مقدس من اورا شلیم به جهت خداوند هدیه خواهند آورد. چنانکه بنیاسرائیل هدیه خود را در ظرف پاک به خانه خداوند میآورند.

۲۱ و خداوند میگوید که از ایشان نیز کاهنان و لایان خواهند گرفت.

۲۲ زیرا خداوند میگوید: «نانکه آسمانهای جدید و زمین جدیدی که من آنها را خواهم ساخت در حضور من پایدار خواهد ماند همچنان ذریت شما و اسم شما پایدار خواهد ماند.»

و خداوند میگوید که از غره ماه تا غره دیگر و از سبت تا سبت دیگر تمامی بشر خواهند آمد تا به حضور من سجده نمایند.

۲۴ وایشان بیرون رفته، لاشهای مردمانی را که بر من عاصی شده‌اند ملاحظه خواهند کرد زیرا کرم ایشان نخواهد مرد و آتش ایشان خاموش نخواهد شد و ایشان نزد تمامی بشر مکروه خواهند بود.

cviii

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f